کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
تأسیس ۱۲۸۷

رساله شریفه

انیس المقلدین فی احکام الدین

مطابق با فتاوی

حضرت سیدنا الاعظم ملاذنا الافخم سید العلماء والمجتهدین وافقه الفقهاء والمتبحرین ناصر الملة والدین حامی مذهب الشیعه ومحیی آثار الشریعة المنتهی الیه ریاسة الجعفریة فقیه اهل البیت فی بلاده آیة الله العظمی فی عباده علامه الثانی

الحاج آقا حسین الطباطبائی البروجردی ادام الله ظله العالی

علی رؤس الانام وحفظه بحرمة جده سیدنا الامام علیه وآله افضل الصلوة والسلام

وبعلاوه امتیاز این نسخه شریفه بر سایر نسخ این است که از اول تا آخر آن در محضر مقدس آیة الله معظم له قرائت و پس از حصول اطمینان از صحت مسائل و مطابقت آن مراتب را بتصدیق و بخاتم شریف موشح و مزین فرموده اند

بسعی و اهتمام

آقای حاج سید احمد کتابچی

مرکز فروش تهران بوذرجمهری کتابفروشی اسلامیه غره ذیحجه ۱۳۶۶

کتبه محمد صانعی خونساری

کلیشه چاپ گراور عکس برادران

رساله شریفه

انیس المقلدین فی احکام الدین

مطابق با فتاوی


حضرت سیدنا الاعظم و ملاذنا الافخم سید العلماء و المجتهدین و افقه الفقهاء و المتبحرین ناصر الملة والدین حامی مذهب الشیعه و محیی آثار الشریعة المنتهی الیه ریاسة الجعفریة نقیب اهل البیت فی بلاده آیة الله العظمی فی عباده علامه الثانی

الحاج آقا حسین الطباطبائی البروجردی ادام الله ظله العالی

علی رؤس الانام و حفظه بحق جده سید الانام علیه و آله افضل الصلوة و السلام

و بعلاوه امتیاز این نسخه شریفه بر بسیار نسخ این است که از اول تا آخر آن در محضر مقدس آیة الله معظم له قرائت و پس از حصول اطمینان از صحت مسائل و مطابقت آن مراتب التصدیق و بخاتم شریف موشح و مزین فرموده اند

بسعی و اهتمام



رساله شریفه

انیس المقلدین فی احکام الدین

مطابق با فتاوی

حضرت سیدنا الاعظم و ملاذنا الافخم سید العلماء و المجتهدین و افقه الفقهاء و المتبحرین ناصر الملة و الدین حامی مذهب الشیعه و محیی آثار الشریعة المنتهی الیه ریاسة الجعفریة نقیب اهل البیت فی بلاده آیة الله العظمی فی عباده علامة الثانی

الحاج آقا حسین الطباطبائی البروجردی ادام الله ظله العالی

علی رؤس الانام و حفظه بشریعة جده سید الانام علیه و آله افضل الصلوة و السلام

و بعلاوه امتیاز این نسخه شریفه بر بسیار نسخ این است که از اول تا آخر آن در محضر مقدس آیة الله معظم له قرائت و پس از حصول اطمینان از صحت مسائل و مطابقت آن مراتب را تصدیق و بخاتم شریف موشح و مزین فرموده اند

بسعی و اهتمام

آقای حاج سید احمد کتابچی

مرکز فروش تهران بوذرجمهری کتابفروشی اسلامیه غره رجب ۱۳۶۶

کتبه محمد صانعی خوانساری

رساله شریفه

انیس المقلدین فی احکام الدین

مطابق با فتاوی

حضرت سیدنا الاعظم ملاذنا الافخم سید العلماء والمجتهدین وافقه الفقهاء والمتبحرین ناصر الملة والدین حامی مذهب الشیعه ومحیی آثار الشریعة المنتهی الیه ریاسة الجعفریة فقیه اهل البیت فی بلاده آیة الله العظمی فی عباده علامه الثانی

الحاج آقا حسین الطباطبائی البروجردی ادام الله ظله العالی

علی رؤس الانام وحفظه بیضة سره جده سیدنا الانام علیه وآله افضل الصلوة والسلام

وبعلاوه امتیاز این نسخه شریفه بر سایر نسخ این است که از اول تا آخر آن در محضر مقدس آیة الله معظم له قرائت و پس از حصول اطمینان از صحت مسائل و مطابقت آن مراتب التصدیق و بخاتم شریف موشح و مزین فرموده اند

بسعی و اهتمام

آقای حاج سید احمد کتابچی

مرکز فروش تهران بوذرجمهری کتابفروشی اسلامیه غره رجب ۱۳۶۶

کتبه محمد صانعی خونساری



رساله شریفه

انیس المقلدین فی احکام الدین

مطابق با فتاوی

حضرت سیدنا الاعظم ملاذنا الافخم سید العلماء والمجتهدین وافقه الفقهاء والمتبحرین ناصر الملة والدین حامی مذهب الشیعه ومحیی آثار الشریعة المنتهی الیه ریاسة الجعفریة فقیه اهل البیت فی بلاده آیة الله العظمی فی عباده علامه الثانی

الحاج آقا حسین الطباطبائی البروجردی ادام الله ظله العالی

علی رؤس الانام وحفظه بیضة سره جده سیدنا الانام علیه وآله افضل الصلوة والسلام

وبعلاوه امتیاز این نسخه شریفه بر سایر نسخ این است که از اول تا آخر آن در محضر مقدس آیة الله معظم له قرائت و پس از حصول اطمینان از صحت مسائل و مطابقت آن مراتب التصدیق و بخاتم شریف موشح و مزین فرموده اند

بسعی و اهتمام

آقای حاج سید احمد کتابچی

مرکز فروش تهران بوذرجمهری کتابفروشی اسلامیه غره رجب ۱۳۶۶

کتبه محمد صانعی خونساری

کسی حق چاپ گراور و عکس برداری از روی این نسخه نیست



الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام علی محمد خير خلقه و آله الطاهرين اما بعد
رساله شريفه انيس المقلدين بواسطه خواهش بعضی برادران ايمانی با فتاوی حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمين رئيس الملة والدين آية الله فی العالمين الآقا (حاج آقا حسين الطباطبائی البروجردی) مد ظله العالی مطابق گرديد اميد است انشاء الله عموم برادران دينی از آن بهره مند باشند

مقدمه در بيان مسائل متعلقه بتقليد است

س ۱ شخص عامی که قادر نيست بر فهميدن احكام شرعيه از ادله آنها تكليفش چيست ج واجب است براو تقليد كند از مجتهد جامع الشرايط . بلی اگر كسی باشد كه بتواند احتياط را بفهمد مخير است بين تقليد و عمل باحتياط لكن دانستن احتياط و طريقه آن در مسائل غالباً مقدور عامی نيست س ۲ تقليد چيست ج تقليد عمل كردن بقول مجتهد است و لازم است یا دگرفتن فتاوای مجتهد در مسائلی

غالباً محل ابتلاست تا موقع حاجت بآن عمل نمايند س ۳ شرايط كسيرا كه جايز است تقليد باشد بيان فرمائيد ج چند چيز در او معتبر است اول بلوغ دوم عقل سوم مرد بودن چهارم اثنی عشری بودن پنجم عدالت ششم طيب مولد باينكه ولد زنا نباشد هفتم اجتهاد هشتم حيوة پس تقليد ميت ابتداءً جايز نيست س ۴ بقاء بر تقليد ميت جايز است يا نه ج جواز بقاء در مسائلی كه در زمان حيوة او اخذ نموده و عمل كرده و بعد از موت عدول بمجتهد حی در آنها نكرده خالی از قوة نيست اگر چه اولی واحوط رجوع بحی است س ۵ اجتهاد بچه ثابت ميشود ج ثابت ميشود اجتهاد بعلم يا بخبر دو عادل خبره يا باخبار جماعتی از اهل خبره كه قول ايشان مفيد علم يا اطمينان باشد س ۶ تقليد اعلم واجب است آيا هر كه مجتهد است ميتوان تقليد او را نمود ج بلی واجب است مگر آنكه اعلم شناخته نشود س ۷ معنی اعلم را بيان فرمائيد ج يعنی استادتر در بيرون آوردن حكم الله و فهميدن آن از ادله شرعيه س ۸ هرگاه مكلف دستش باعلم نرسد چكند ج مخير است مابين تقليد غير اعلم با رعايت الاعلم فالاعلم و عمل باحتياط اگرچه مستلزم تكرار باشد س ۹ معنی الاعلم فالاعلم چيست ج يعنی هرگاه چند نفر مجتهد كه هستند هر كدام از ايشان كه علمش بيشتر و استادتر است در فهميدن حكم خدا از ديگران از او تقليد كند س ۱۰ هرگاه اصلاً دستش بمجتهد نميرسد نه علم ونه غير اعلم چكند ج عمل باحتياط كند س ۱۱ هرگاه طريقه احتياط را نداند چكند ج مي‌پرسد از دو نفر عادل از اهل خبره يا يكی كه خبر دهد از طريق احتياط برأی مجتهدی س ۱۲ هرگاه تقليد غير اعلم نمود بعد ممكن شد از تقليد اعلم عدول واجب است يا نه ج بلی واجب است عدول باعلم س ۱۳ آيا جايز است كه از دو مجتهد مساوی بعض مسائل را از يكی و بعضی را از ديگری تقليد كند ج بلی جايز است س ۱۴ با فرض تساوی و موافقت دو مجتهد در رأی آيا تعيين تقليد احدهما لازم است يا نه ج تعيين لازم نيست س ۱۵ در حواشی و متون رسائل عمليه مرسوم است مينويسند باينكه محل تأمل است يا محل اشكال است يا اشكال دارد يا خالی از اشكال

نیست یا باید مراجعه شود یا محتاج بمراجعه است یا معلوم نیست آیا مفاد تمام این عبارات بی فتوائی
است که میتواند رجوع بغیر کند یا عبارات فرق دارد ج بلی در تمام صور میتواند رجوع بدیگری
کند س ۱۶ مقلدیکه فعلاً نمیتواند در مسئله محل ابتلاء رجوع بمجتهد خود کند و در رسائل عملیه هم
مسئله را ندیده یا نیست آیا میتواند رجوع بغیر اعلم کند با عدم علم بمخالفت فتوای او با مجتهدش
ج بلی میتواند با رعایت الاعلم فالاعلم س ۱۷ اگر مقلد در مسائل ابتلائیه که در رساله است
اطمینان ندارد و ببقاء مجتهدش بر آن رای و فتوی تکلیفش چیست ج بر رساله مرسومه میتواند
عمل کند و تفحص بر او لازم نیست س ۱۸ هرگاه مجتهدی در یک رساله اش مثلاً نوشته سه تسبیحه لازم
است و در رساله دیگر نوشته احوط سه تسبیحه است تاریخ دو رساله هم معلوم نیست آیا میتوان
در این مسئله رجوع بغیر کرد یا نه ج نمیتواند س ۱۹ هرگاه مجتهد در یک رساله مثلاً گفته است
که سه تسبیحه لازم نیست و در رساله دیگر نوشته احوط سه تسبیحه است و تاریخ دو رساله
معلوم نیست آیا میتوان بیک تسبیحه اکتفا کند یا نه ج مشکل است س ۲۰ اگر دو نفر یا بیشتر
مساوی در علم باشند چگونه است ج مخیر است هر یک را تقلید نماید ولی اگر یکی اورع است
تقلید او را مقدم بدارد س ۲۱ مظنه باعلم بودن کفایت میکند یا علم لازم است ج بلی
کفایت میکند با تعسر تحصیل علم بلکه با احتمال اعلم بودن یکی دون دیگری لازم است تقلید آنکه
محتمل است اعلم بودن او س ۲۲ عدول از تقلید میتوان نمود یا نه ج اگر علم باعلمیت دیگری
پیدا کرد واجبست عدول اما با شک و احتمال بلکه مظنه نمیتوان عدول نمود س ۲۳
فتوای مجتهد را چگونه باید تحصیل نمود ج از خود مجتهد یا از دو عادل یا از کسی راستگو
باشد یا از کتاب و رساله که فتوای مجتهد در آن است با اطمینان بصحت آن س ۲۴
اگر بعضی فتوای مخالف با احتیاط از مجتهد نقل کردند و بعضی احتیاط چه باید نمود ج اگر نقل فتوی
و احتیاط از مجتهد نسبت بزمان واحد باشد عمل باحتیاط لازم نیست بلکه احتیاط مستحبی

خواهد بود س احتیاط مطلق کدام است ج احتیاط مطلق آنستکه جای فتوی باشد یعنی
فتوی نگفته و احتیاط کرده ولی اگر فتوی فرموده و احتیاط هم نموده آن احتیاط لازم نیست
س ۲۵ احتیاط مطلق که لازم است آیا میتوان ترک نمود ج بلی برجوع بمجتهد دیگر با رعایت
الاعلم فالاعلم اگر شناخته شود میتوان ترک نمود

کتاب طهارت و بیان احکام آبها

س ۱ آبیکه بملاقات نجاست نجس نمیشود کدام است ج جاری و کر و چاه و باران
س ۲ جاری کدام است ج آب روان ماده دار جاریست و اگر ماده دارد و روان
نیست مثل چشمه ها که آب آنها ایستاده باشد اگر از آنها برداری باز بیرون میاید در حکم
جاری است س ۳ کر کدام است ج کر هشتصد و چهار من الا بیست مثقال بوزن شاه
است و هر من شاه هزار و دویست و هشتاد مثقال و هر مثقال بیست و چهار نخود و بحسب
مساحت سه وجب و نیم طول و سه وجب و نیم عرض و سه وجب و نیم عمق که مجموع چهل و دو وجب و
هفت ثمن میشود پس هر شکلیکه باین عدد وجب باشد کر است س ۴ چاه چه حکم دارد ج
در بعضی چیزها مقداری آب بکشند و ترک نکنند بنحویکه در رساله های مفصله مرقوم است اگرچه اقوی
عدم وجوبست س ۵ باران چه حکم دارد ج در حال باریدن بقدریکه بر روی سنگی قدری
جاری شود بملاقات نجاست نجس نمیشود س ۶ یکقطره یا دو قطره باران از آسمان آیا پاک
کننده است یا نه ج معلوم نیست پس باید قطرات باران پی در پی آنقدر بیاید که عرفاً
آنرا باران بگویند بلکه احوط آنستکه آنقدر باشد که اگر بر روی سنگ یا زمین سخت ببارد
قدری جاری شود س ۷ تغیرات آب چه حکم دارد ج تمام آبهائیکه تغییر یافت بملاقات
نجس در رنگ یا بو یا طعم نجس میشود و همچنین بملاقات متنجس در صورتیکه متنجس ممزوج بنجاست باشد

بطوریکه تغییر مستند بخود عین نجس باشد امّا تغییر بمجاورت با نجس یا تغییر بغیر رنگ و بو و طعم نجس نمیشود
س ۸ تغییر تقدیری چه معنی دارد ج تغییر تقدیری دو قسم است اوّل آنست که از نجاستی
که رنگ یا بو یا طعم داشته و فعلاً زایل شده در آب میریزد که اگر رنگ یا بو یا طعم آن
نرفته بود آب را تغییر میداد در این قسم آب نجس نمیشود دوم آنستکه مثلاً آبی است سرخ خون در
آن میریزد که اگر آب سرخ نبود تغییر ظاهر میشد در این قسم نجاست آب خالی از قوّة نیست س ۹
آب متغیر بنجاست بچه پاک میشود ج بعد از زوال تغییر آن اگر با آبیکه بملاقات نجاست نجس نمیشود
مخلوط شود پاک میشود چه جاری باشد چه کرّ چه باران س ۱۰ طریق تطهیر آب نجس چیست
ج آبیکه بملاقات نجس نجس نمیشود مثل آب باران و کُر و جاری بر آن وارد شود پاک میشود اگر چه
از منبع دور بیاید بواسطهٔ فوّاره لکن اگر فوّاره بلند است باید روی فوّاره را بگیرد تا آنکه متصل
بحوض شود پس اگر یک کُر از آب متنجس با آب وارد ممزوج شود عرفاً پاک میشود و باقی آب
بممزوج شدن با آب ممزوج نیز پاک میشود و اعتبار امتزاج بر سبیل احتیاط است س ۱۱
آب وضو و غسل چه حکم دارد ج هر دو پاک است و پاک کننده است مثل آب غسل جنابت
و امثال آن را در وضو و غسل استعمال نکنند علی الاحوط س ۱۲ آب استنجا چه حکم دارد ج آب
استنجاء غایط و بول پاک است اگر از محل معتاد تجاوز ننموده و متغیر بنجاست نشده و نجاست دیگری
با آن نرسیده است س ۱۳ چگونه باید استنجا نمود ج استنجاء بول دو دفعه و از غایط بهمینقدر که محل
پاکیزه شود و لزوجت آن برود س ۱۴ در حال تخلّی چه باید کرد ج بشره عورت که قُبُل و دُبُر در مرد و
زن و بیضتان نیز در مرد باشد بپوشاند از هر کسیکه جایز نیست نگاه کند بآنها اگر چه کافر یا دیوانه
یا طفل ممیز باشد و حرام است استقبال قبله و استدبار بآن در حال تخلّی و در حال استنجاء و استبرا
احوط است س ۱۵ محل استنجاء بغیر آب پاک میشود یا نه ج محل بول بغیر آب پاک نمیشود و محل
غایط اگر تعدّی نکرده باشد بسه سنگ یا سه کهنه و امثال آنها که غایط را ازاله کند پاک میشود

از عین غایط برود اگر چه لزوجت آن باقی بماند و اگر بسه عدد ازاله نشود زیادتر استعمال نمایند
و باید آن سنگها و آن کهنه ها و امثال آن پاک باشند و استخوان و سرگین و چیزهای محترم نباشد س ۱۶
استبرا چگونه باید نمود ج بعد از بول سه دفعه دست بکشد بقوّت از بیخ مقعد تا آلت
و از آنجا سه دفعه بکشد تا حشفه بعد از آن حشفه را سه دفعه بقوّت فشار دهد و این استبرا مستحب است
برای مرد و فایدهٔ آن آنستکه اگر بعد از آن رطوبت مشتبهه خارج شود پاک است و وضو اگر گرفته باشد
شکسته نمیشود س ۱۷ آب مضاف چه حکم دارد ج گلاب و آب هندوانه و شربت و امثال
آن که آب مضاف است بملاقات نجاست نجس میشود هر چه زیاد باشد مگر آنچه جاری باشد
از اعلا باسفل و اسفل آن ملاقات با نجس کند اعلا نجس نمیشود مثل گلابیکه از آن در دست یهودی
بریزد و پاک کننده نجاست نیست و وضو و غسل از آن فایده ندارد س ۱۸ آب نیم خوردهٔ حیوانات
یا مباشرت آنها با آن چه حکم دارد ج از کافر و سگ و خوک غیر دریائی نجس است و از حیواناتیکه
گوشت آنها حرامست مکروهست مگر گربه و امّا سؤر مؤمن مستحب است آشامیدن آن

در بیان وضو و احکام آن

س ۱ کیفیت وضو چگونه است ج دو شستن و دو مسح کشیدن است شستن صورت و
دو دستها است و مسح سر و پاها است امّا صورت را از محل روئیدن مو باید شست تا چانه در طول
و بقدر مابین انگشت وسط و ابهام که انگشت بزرگ است در عرض و موهای صورت مثل ابرو و شارب
و ریش را که از حدّ صورت نگذشته است واجب است که روی آنها را بشوید نه زیر آنها را اگر زیر آنها
نمایان باشد که هر دو را بشوید و آنچه از ریش که از حدّ صورت گذشته است واجب نیست شستن
آن و دستها را از مرفق بشوید تا سر انگشتان و اگر بعکس بشوید در صورت یا دستها وضو باطل است
و سر را در محاذی پیشانی مسح میکند و پاها را از سر انگشتان تا متصل شود بساق س ۲ دیگر از احکام
شستن و مسح کشیدن چیست ج چیزیکه مانع است از شستن بشره و مسح آن باید دفع نماید و موی

پیش روی سر مانع نیست میتوان بر آن مسح کشید بشرطی که از محل دیگر موی تجاوز بآنجا نکرده
باشد و اگر شک در بودن مانع باشد و منشاء عقلائی داشته باشد باید اطمینان به بودن
آن پیدا کند و اگر چیزی باشد که نمیداند مانع است یا نیست رفع نماید و باید مسح بکف
دست و رطوبت آن از وضو باشد و از آب دیگر نگیرد بلکه از جاهای دیگر وضو نیز نگیرد
علی الاحوط مگر آنکه کف دست خشک شده باشد س ۳ وضوی جبیره چگونه است
ج کسی که بعض اعضاء یا تمام اعضاء وضو او را تخته یا کهنه یا مثل آن بسته باشند و نتواند
بردارد اگر ممکن است آب بزیر آن برساند لازم است اگر چه بفرو بردن در نهر یا حوضی باشد
و اگر نمیتواند اگر چه بسبب ضرر داشتن باشد یا نجس است و نمیتواند تطهیر نماید مسح کند بر آن چوب
یا کهنه با آب بقصد مسح و شستن را نماید اما اگر باز باشد یعنی آن زخم یا دمل بسته بچوب یا کهنه نباشد
و شستن آن ممکن نشود خود آنرا مسح نماید با امکان و احتیاطاً کهنه نیز روی آن گذارده و روی
آنرا مسح نماید و اگر نشود کهنه پاکی بر آن گذارد و بر آن مسح کند و در اینجا و در مثل آن احتیاطاً
تیمم هم بکند و در غسل و تیمم نیز این احکام جاریست و در خصوص تیمم احتیاطاً عبادات را
هم قضا بکند و نمازهای با جبیره قضا ندارد ولی وضو و غسل و تیمم را بعد از خوب شدن اعاده
نماید برای نمازهای بعد س ۴ موجبات و مبطلات وضو چند چیز است ج دوازده چیز است
اول بول دوم غایط سوم ریح چه با صدا باشد چه بی صدا و بادیکه از فرج زنان بیرون
میاید مبطل نیست چهارم خوابیکه غالب شود بر چشم و گوش پنجم دیوانگی ششم
بیهوشی هفتم مستی هشتم رطوبت مشتبه که بیرون بیاید از حشفه چه در حال استبرا
از بول یا پیش از آن چه در میان بول و رطوبت مشتبه فاصله شده باشد یا نه نهم استحاضه
قلیله یا کثیره یا متوسط دهم حیض یازدهم نفاس دوازدهم مس میت
بعد از سرد شدن و پیش از غسل و اما جنابت اگر چه ناقض وضو است لکن موجب غسل است

فقط و بغسل نماز و نحو آن را بعمل بیاورد بدون وضو بخلاف حیض و نفاس و استحاضه متوسطه یا کثیره
که غسل با وضو هر دو واجبست و همچنین در مس میت س ۵ آیا واجبست تقدیم وضو بر اغسال مزبوره
یا مخیر است در تقدیم و تأخیر ج اظهر عدم وجوب تقدیم وضو است اگر چه احوط است
س ۶ آیا مدار در حصول هر یک از نواقض مذکوره بر علم است یا بر ظن ج مدار بر علم
است لکن بهتر در صورت مظنه بحصول آنها بلکه در شک نیز باطل کردن وضو و اعاده آنست

در بیان شرایط وضو است

س ۱ در وضو چند شرط است ج پنج شرط است اول پاک بودن آب و محل
وضو و مباح بودن آب و فضائیکه در آن وضو میگیرد و غصبی و طلا و نقره نبودن
ظرف آب با انحصار و استعمال آب ضرر نداشته باشد و بر تشنگی خود یا مؤمنی یا کسیکه باو
حاجت لازم دارد نترسد اگر چه حیوان باشد دوم ترتیب یعنی اول شستن صورت بعد
دست راست بعد دست چپ بعد مسح سر بعد مسح پای راست بعد مسح پای چپ
سوم موالات یعنی دست راست را مثلاً تأخیر نیندازد تا صورت خشک شود
چهارم مباشرت که خود بشوید و مسح کند نه دیگری مگر در حال ضرورت پنجم نیت است
یعنی قربةً الی الله تعالی بجا آورد و قصد وجوب و ندب لازم نیست س ۲ وضو و غسل
پیش از وقت را چگونه باید نیت نمود ج قصدش این باشد وضو میگیرم یا غسل میکنم که طهارت
حاصل شود

در بیان احکام خلل در وضو

س ۱ کسیکه یقین داشت بوضو بعد شک کرد که باطل شده است ببول کردن مثلاً یا یقین

بوضوء نداشتن داشت بعد شک در وضوء گرفتن دارد چکند ج در اول بنا بر وضوء داشتن بگذارد و در دوم بر وضوء نداشتن و اگر شک در شستن یا مسح عضوی نمود اگر بعد از فراغ از وضوء است اعتنا نکند و اگر در بین وضوء است تدارک نماید و اگر در مسح پای چپ شک کرد اگر داخل در کاری دیگر شده اعتنا نکند س ۲ وضوء از چند چیز واجبست ج از بول و غایط و بادیکه از دبر بیرون بیاید و خواب و استحاضه و هرچه عقل را ببرد از دیوانگی و بیهوشی و مستی و شکسته نمیشود بمذی (بمیم و ذال نقطه دار) و آن آبی ست که بعد از بازی و نگاه و بوسه بیرون میاید و نه بودی (بواو و دال مهمله) و آن آبی است که بعد از بول میاید و نه بوذی (بواو و ذال نقطه دار) و آن آبی است که بعد از منی بیرون میاید س ۳ وضوء از برای چند چیز واجبست ج واجبست از برای نماز و اجزاء فراموش شده آن و رکعتهای احتیاط بلکه سجده سهو و طواف واجب و بنذر و عهد و یمین نیز واجب میشود و واجب است وضوء از برای مس کتابت قرآن و اسمهای خدا و انبیاء و اوصیاء بلکه ملائکه بلکه حضرت زهرا سلام الله علیها علی الاحوط اگر مس واجب باشد و الا حرامست بدون وضوء ::

در بیان غسل است

س ۱ چند غسل واجب است ج شش غسل ۱ جنابت ۲ حیض ۳ نفاس ۴ استحاضه ۵ غسل میت ۶ مس میت س ۲ جنابت بچه چیز حاصل میشود - ج به دو چیز حاصل میشود اول بیرون آمدن منی چه از مرد و چه از زن و در حکم آنست از جهت وجوب غسل رطوبت مشتبهه که بعد از آن و پیش از استبراء ببول بیرون بیاید اگرچه اکتفاء بآن غسل از وضوء محل اشکال است دوم جماع کردن اگرچه منی بیرون نیاید همینکه پنهان کرد حشفه را که سر آلت است در دبر یا قبل غسل واجب است س ۳ -

کیفیت غسل چگونه است ج غسل دو کیفیت دارد ترتیبی و ارتماسی اما ترتیبی سر و گردن را بعد از نیت میشوید بعد طرف راست بعد طرف چپ و عورت و ناف را با هر دو طرف بشوید اما ارتماسی آنستکه بعد از نیت یکدفعه در آب فرو رود که در یک آن آب تمام بدن احاطه نماید س ۴ چند چیز توقف بر غسل دارد ج شش چیز اول طواف واجب و نماز چه واجب و چه مستحب و اجزاء فراموش شده و رکعات احتیاط و سجده سهو دوم روزه که باید عمداً تا صبح بی غسل نماند اما اگر بعد از صبح مثلاً محتلم شد ضرر بروزه ندارد سوم مس کتابت قرآن و اسمهای خدا و اسمهای انبیاء و ائمه بلکه ملائکه و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها علی الاحوط چهارم داخل مسجد ها شدن مگر بمجرد عبور و در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله عبور هم جایز نیست و مشاهد شریفه ملحق بمساجد است علی الاحوط پنجم داخل شدن در مسجد بجهت گذاردن چیزی در آنها ششم خواندن سوره های قرآن که سجده واجبه دارد اگرچه بسم الله آنها را بقصد آنها بخواند و آن چهار سوره است و النجم و اقرء و الم تنزیل و حم سجده س ۵ واجبات غسل چند است ج واجبات و شرائط غسل مثل وضوء است مگر اینکه در غسل موالات واجب نیست و غسل جنابت کفایت از وضوء میکند نه غسلهای دیگر علی الاحوط و بهتر آنستکه قبل از غسل وضوء بگیرد س ۶ از برای غسل ترتیبی در کر خارج شدن بجهت هر عضوی میخواهد یا نه ج نمیخواهد

در بیان غسل مس میت

س ۱ کیفیت غسل میت چگونه است و سبب آن چیست ج کیفیت آن مثل غسل جنابت است و سبب آن میت انسانرا مس نمودنست بعد از سرد شدن و پیش از غسل دادن و

و اگر تیمم داده باشند بس آن غسل واجب است علی الاحوط س ۲ غسل جمعه واجب است یا نه ج
مشهور در بین علماء واجب نبودن است ولی اولی و احوط ترک نکردن است اگرچه قضاء آن باشد

در بیان تیمم است

س ۱ مورد تیمم کجا است ج اول آب نداشتن یا باشد ولی میسر نشود برود و بیاورد —
دوم ضرر داشتن بجهت ناخوشی یا زخمی یا چشم دردی و اگر بترسد از ترکیدن دستها و خون
آمدن از آنها که تحمل آن بسیار مشکل است نیز تیمم کند سوم خوف تشنگی خود یا کسی که مربوط باو
باشد چهارم گرفتن از کسیکه منت بسیار بر سر او بگذارد پنجم موقوف بودن تحصیل آب بمبلغی که
ضرر بحال و معاش او دارد ششم تنگی وقت از تحصیل و استعمال هفتم نداشتن آب زیادتر از شستن
نجاست چه تطهیر آن لازمتر است از وضو س ۲ بچه باید تیمم نمود ج بخاک و سنگ
و رمل و گچ و نوره پیش از پختن آنها و خاک مقدم است علی الاحوط س ۳ کیفیت تیمم چگونه
است ج دو دست را بر زمین بزنند و پیشانی و دو جبین و احتیاطاً ابروها را مسح کنند که
جزئی بی مسح نماند از بالا بپائین و پشت دستها را از بند دستها تا سر انگشتان مسح نمایند
بعد از آن مرتبه دیگر دو دست را بر زمین بزنند و دستها را تنها مسح کنند در بدل از غسل
و اقوی کفایت یک ضربت است در وضو اگرچه احوط در وضو نیز دو ضربت و واجب است
در آن موالات و خود مباشر بودن مگر در حال ضرورت س ۴ احکام تیمم چیست ج
تیمم پیش از دخول وقت صحیح نیست و بعد از آن اگر امید زوال عذر دارد نمیتواند اول وقت
تیمم کند بلکه باید منتظر آخر وقت باشد س ۵ چه چیز تیمم را باطل میکند ج هرچه وضو و غسل را
باطل میکند بعلاوه یافتن آب که تمکن از استعمال آن باشد و اگر در بین نماز آب پیدا شد
اگر پیش از رکوع رکعت اول است تیمم باطل نماز هم باطل است و اگر بعد از آن پیدا شد تیمم

و نماز صحیح است و اگرچه احوط در وسعت وقت اتمام و اعاده است با وضوء

در بیان نجاسات است

س ۱ چند چیز نجس است ج نه چیز اول و دوم بول و غایط از حیوان حرام گوشت
که خون جهنده داشته باشد پس بول و فضله حلال گوشت پاک است و در طهارت بول و
غایط حیوانیکه خون جهنده ندارد و گوشت دارد تأمل است سوم منی از هر حیوانیکه خون جهنده
دارد و اگرچه حلال گوشت باشد چهارم مرده حیوانیکه خون جهنده دارد و چیزهائیکه از
مرده جدا میشود و حیوة در آنها حلول نموده و اما مثل ناخن و شاخ و استخوان و مو و پشم و کرک
و امثال آنها که حیوة در آنها حلول ننموده پاک است س ۲ چیزهائیکه از حیوان زنده جدا شود چه حکم
دارد ج اگر چیزهائی است که متعارف است انفصال آنها از بدن و زمان انفصال آنها رسیده
مثل پوست روی زخم یا نافه مشک که موقع جدا شدن آنست پاک است و اما چیزهائیکه موقع
انفصال آنها نیست و آنها را جدا میکنند نجس است علی الاقوی پنجم کافر و سگ و خوک غیر
دریائی و اجزاء آنها اگرچه حیوة در آنها حلول نکرده نجس است ششم خون از هر حیوانیکه خون
جهنده دارد پس خون ماهی و پشه پاک است چنانچه خونی که باقی میماند بعد از ذبح در شکم حیوان
حلال گوشت پاک است هفتم هر چیزیکه اصالةً روان و مست کننده است مثل شراب و اما آب
انگور که بجوش بیاید و غل نزند پس اگر بخودی خود بجوش بیاید نجس میشود و در این صورت رفتن
دو قسمت هم فایده ندارد بلکه طاهر نمیشود مگر آنکه سرکه شود و اگر با آتش بجوشد اقوی حرمت و احوط
نجاست است و بعد از ذهاب ثلثین حلال میشود هشتم فقاع و آن شرابی است که
از جو میگیرند نهم عرق جنب از حرام بنا بر احوط و همچنین احوط اجتناب از عرق شتر نجاست
خوار است س ۳ احکام نجاسات را بیان نمائید ج احکام نجاسات پنج چیز است اول

بدن و لباس در نماز و طواف چه واجب و چه مستحب باید نجس نباشد و همچنین لباس مشتبه بنجس نباشد مثل دو جامه که میداند یکی از آنها نجس است بلی اگر بعد از نماز معلوم شود که لباس او نجس بوده و پیش نمیدانسته اعاده و قضاء آن لازم نیست دوّم باید چیزیکه میخورد و میآشامد پاک باشد سوّم محل سجود باید پاک باشد چهارم مسجدها و حرمها و رواقها و ضریحها و قرآنها و هرچه تعظیم آنها در شرع لازم است باید پاک باشد و نجس نشود پنجم خرید و فروش عین نجسها و متنجسها که قابل پاک شدن نیست جایز نیست مگر روغن نجس بجهت سوزانیدن و سگهای معلّم بجهت شکار کردن س ۴ عفو از نجاست در نماز چند مقام است ج چهار است اوّل خون زخم و دمّل و مثل آن چه در بدن و چه در لباس مادامیکه خوب نشده بنحویکه خون منقطع نشود و خون بواسیر که دانه های آن بیرون میاید معفو است دوّم خون در بدن یا لباس بقدر پهنای یک اشرفی تقریباً اگرچه متفرق باشد و لکن از حیض و نفاس و استحاضه و نجس العین عفو نیست سوّم لباسی که ساتر عورت نمیشود مثل جوراب و بند زیر جامه اگر نجس شده باشد چهارم زنیکه تربیت پسر کوچکی میکند و یکجامه بیشتر ندارد و یا دو جامه که هر دو محل احتیاج است اگر این جامه نجس باشد همیشه در شب و روز یکدفعه بشوید کافی است و اگر بعد از آن نجس شود از بول آن طفل عفو است و احوط آنستکه لباس را در آخر روز بشوید که چهار نماز را بطهارت بجا بیاورد

در بیان مطهرات است

س ۱ مطهرات چند چیز است ج مطهرات یازده چیز است اوّل آب و آن پاک میکند میت آدمی را بغسل دادن و هر نجس شده را حتی خودش را اگر نجس شده باشد باتصال بکر یا جاری و احوط اعتبار امتزاج است و آب مضاف و مثل آن قابل پاک شدن نیست

مگر آنکه مستهلک شود در آبی که بملاقات نجاست نجس نمیشود و بآب قلیل دو دفعه بشوید در متنجس ببول و در غیر بول یکدفعه کافیست و امّا در کرّ و جاری بمجرّد فرو بردن و زوال نجاست پاک میشود و محتاج بتعدد نیست و ظرفیکه سگ از آن خورده یا لیسیده و مثل آن یکدفعه خاک مالی کنند و دو دفعه بشویند و در آب خوردن خوک و مردن موش صحرائی هفت مرتبه و در خمّ مست کننده نیز هفت مرتبه احتیاطاً و اگر خمیر و نان نجس را خشک کنند و در آب جاری و مثل آن بگذارند که آب در تمام اجزاء آن نفوذ کند پاک میشود س ۲ کیفیات تطهیر متنجسات را با آب قلیل و کرّ و جاری و باران را بیان فرمائید ج اگر متنجس ببول است در آب قلیل دو مرتبه شستن احوط است و غساله اوّل نجس است مطلقا و در ثانیه احوط اجتناب است و در آب کرّ و جاری یکمرتبه کفایت میکند و در متنجس بغایط و منی یا خون بآب قلیل بعد از زایل شدن عین نجاست یکمرتبه شستن کافی است و بهتر شستن دو مرتبه است و امّا در کرّ و جاری بعد از زوال عین نجاست پاک است و آب باران زمان باریدن حکم آب جاری دارد بشرط آنکه جریان داشته باشد س ۳ هرگاه بدن نجس باشد و داخل در آب کرّ مثل خزینه یا جاری مثل چشمه شود بعد از ازاله نجاست بیرون آمدن از آب میخواهد یا نه ج ازاله نجاست از بدن کافی است و محتاج به بیرون آمدن از آب نیست ولی اولی بیرون آمدن است س ۴ تطهیر اشیاء متنجسه مثل لباس و غیره در آب قلیل یا کرّ یا جاری فشار میخواهد یا نه ج در تطهیر بآب قلیل فشار لازم است و در جاری و کرّ فشار لازم نیست اگرچه احوط است س ۵ لباسیکه به نیل یا نقم یا بغیر آنها رنگ شده نجس شود مادامیکه رنگ پس میدهد آیا پاک میشود یا نه ج اگر آب رنگین بیرون آید که از خود نیل در آن نباشد و آب را مضاف نکند پاک میشود و اگر از خود نیل در آن باشد پاک نمیشود و همچنین اگر آب را از اطلاق بیرون نماید و مضاف کند س ۶ پسر شیرخوار که هنوز غذا خور نشده و شیر خنزیر و کافر نخورده بجائی بول کند مثل فرش یا لباس یا زمین یا غیر آنها آیا بمجرّد ریختن آب بر آن بنحویکه غلبه کند پاک میشود یا نه ج بلی کافیست و احوط تعدد است س ۷

چیزهائیکه قابل فشار نیست مثل چوب و برنج و گندم و نحو آنها اگر نجس شوند یعنی آب نجس بجوف آنها
برود چطور پاک میشود ج ظاهر آنها پاک میشود و تطهیر باطن آنها مشکل است مگر با علم
بنفوذ آب در اجزاء آنها نه رطوبت فقط س ۸ حب یا کوزه و نحو آنها اگر آب نجس بجوف
آنها برود چه نحو پاک میشود ج اینها را نیز بخشکانند بعد از آن در آب کر یا جاری بگذارند
تا آب در آنها نفوذ کند پاک میشود س ۹ فرش یا لحاف یا حصیر که ریسمان دارد اگر نجس شود
و داخل آب کر یا جاری کنند بعد از ازاله نجاست از آنها آیا در تطهیر محتاج بفشار و لگد هست یا نه
ج بعد از ازاله عین نجاست محتاج بفشار نیست س ۱۰ ظرف اگر نجس شود چطور پاک میشود
ج داخل ظرف را سه دفعه آب قلیل در آن بگردانند و بریزند پاک میشود و تعدد در آب کر
و جاری لازم نیست و اگرچه احوط است س ۱۱ تطهیر با آب کر یا جاری اگر تعدد نخواهد در
زمین خزینه و حوض و نهر و امثال آنها اگر نجس باشد یا نجس شود چه باید نمود و چیزیکه فشرده میشود
فشار آن لازم است یا نه و چه قدر باید فشرد ج اما در تطهیر با آب کر و جاری تعدد لازم نیست
و اقوی در کر و جاری عدم لزوم فشار است اصلاً س ۱۲ غساله در آب جاری و کر چه
حکم دارد ج غساله در هر دو پاک است س ۱۳ در این اوقات بواسطه چیزهای
نجس که اجمالاً بلکه بعضی از آنها تفصیلاً غالب مردم با اختلاف مذهب و اجتهاد و تقلید
از بیمبالاتی با یکدیگر معاشرت دارند و اجتناب از آن بسیار مشکل است تکلیف چیست
ج چنین است که ذکر شده لکن با کسی که بعض اوقات نجس و بعض اوقات پاک است و در وقت
معاشرت نمیداند در آنحال نجس بودن او را معاشرت و ملاقات او ضرر ندارد و شرعاً محکوم
بطهارت است و همچنین است حال زمینهای مختلف از حمام و امثال آن که وقتی پاک و وقتی
نجس است اگر وقت ملاقات نجاست آنرا شرعاً نداند پاک است و اجتناب از آن لازم
نیست و این اشکالات و امثال آن غالباً از ندانستن مسئله میشود و شاید در بعض زمینه تنین و

ضعفاء منجر بوسواس گردد س ۱۴ گرفتن چیزی از کفار چه صورت دارد و حکم مسلم و سوق
مسلمین چیست ج آنچه حیوانی نباشد یا حاجت بتذکیه شرعاً نداشته باشد مثل اقمشه و
حبوبات و جواهرات و امثال آنها ما دامیکه علم بحرمت آنها و نجاست آنها نیست اگرچه احتمال
ساختن آنها بخارج بوده باشد که ملاقات کافر با آن معلوم نباشد گرفتن و خریدن از کفار
عیبی ندارد و بظاهر شرع انور حلال و پاک است اما آنچه حیوانی و محتاج بتذکیه باشد
مثل پوست و پیه و گوشت و نحو آنها که از کافر بگیرد محکوم بحرمت و نجاست است
س ۱۵ اگر دو ظرف آب یکی از آنها نجس باشد و مشتبه شود طاهر بنجس و یکی از آنها بریزد یا
مفقود یا پاک شود آیا آب ظرف دیگر چه حکم دارد محکوم بطهارت است و میتوان از آن
ظرف وضو گرفت یا نه ج آن ظرف باقیمانده لازم الاجتناب است نیاشامد و
وضو با آن نگیرد س ۱۶ پوستی که از بلاد کفر میاورند و تذکیه شرعیه آن معلوم نیست آیا علم
بتذکیه آنها لازم است یا عدم علم بنجاست کافیست ج اگر از دست مسلم یا سوق مسلم ولو
از مجهول الحال بگیرد عدم علم بنجاست کافیست اگرچه بداند که از دست کافر بیرون آمده و احتمال
بدهد که مسلمیکه از دست کافر گرفته فحص از حال آن نموده باشد و اگر این احتمال را ندهد مشکل است

دوم از مطهرات

دوم از مطهرات زمین است و آن پاک میکند کف پا و ته عصا و ته کفش و امثال آن بواسطه راه رفتن
بر آن یا مالیدن بآن و اگر عین نجاست دارد ازاله کند و باید زمین پاک و فی الجمله خشک باشد

سوم از مطهرات

سوم از مطهرات آفتاب است و آن پاک میکند هر چیز منصوب را مثل دیوارها و چوبها و درها
و میخهای عمارات که اینها رطوبت دار باشند و با آفتاب بخشکند بعد از اینکه عین نجاست که داشته
زائل شده باشد چهارم چیزی مستحیل بچیز دیگر شد مثل عذره کرم و سگ نمک و شراب

گردد پنجم انتقال مثل خون انسان خون پشه و کیک شدن و مثل آن ششم اسلام و آن پاک میکند هر کافر را هفتم تبعیت مثل طفلی که یکی از پدر و مادرش مسلم باشند و شیره پز و آلات و ادوات بعد از پاک شدن آب انگور و رفتن دو قسمت آن پاک میشود. بر نجاست آن لکن طهارت ظرفهای او بتبعیت محل اشکال است هشتم رفتن عین نجاست از ظاهر حیوانات و از باطن انسان نهم غایب شدن کسیکه بداند خودش یا لباسش و فرش و ظرفش و مثل آنها نجس است و غایب شود و احتمال برود که در غیاب تطهیر کرده باشد و کاری هم بکند که مسلمین با چیز طاهر میکنند بعد که حاضر شود پاک است دهم استبراء حیوان نجاست خوار

یازدهم دو ثلث رفتن آب انگور بنا بر نجاست

در بیان ظرفهای طلا و نقره است

س ۱ چه ظرفی از طلا و نقره حرام است خوردن و آشامیدن در آن و نگاه داشتن ج قلیان و فنجان و قوری و قاشق و قهوه جوش و دیگ و دیگبر و چلو صافی و کفگیر و دوری و بشقاب و پیاله و آفتابه و امثال آنها حرام است و اما سبیل و سرشطب و جلد خنجر و چاقو و شمشیر پس حرمت آنها معلوم نیست بلکه عدم آن خالی از قوة نیست و اما ظرفهای کوچک مثل انفیه دان و سرمه دان و قوطی تریاک احوط در آنها اجتناب است و حرام است از برای مردان زینت نمودن بطلا مثل زنجیر طلای ساعت را بگردن خود بیاویزد

س ۲ استعمال بادگیر نقره جایز است یا نه ج جایز نیست

کتاب الصلوة در اوقات نماز است

س ۱ وقت نمازهای پنجگانه شب و روز کدام است ج اول وقت نماز ظهر و عصر

رسیدن آفتاب بنصف النهار که نصف روز از طلوع آفتاب تا غروب آنست اگر چوب سر باریکی را باستقامت در زمین همواری نصب کنند که آفتاب بر آن عبور نماید هر وقت که سایه آن بآخر رسید و سایه پیدا کند یا سایه آن رو بزیادتی نماید اول ظهر است و اگر رو بنقطه جنوب بایستد و آفتاب میل بطرف ابروی راست نماید نیز اول ظهر است و وقت مغرب و عشا غروب آفتاب است یا رفتن سرخی شرقی از بالای سر و اگر قرص آفتاب پنهان شد و نماز ظهر و عصر یا یکی از آنها را نخوانده باشد البته پیش از رفتن سرخی مشرق از بالای سر بخواند و نیت ادا و قضا نکند علی الاحوط الاولی و وقت صبح از فجر صادق است که طرف مشرق متصل بافق مثل نهری شود که آب سفید داشته باشد که روی آن نهر را سیاهی گرفته باشد و آخر وقت ظهر و عصر غروب آفتاب و آخر وقت مغرب و عشا نصف شب است ولی با تأخیر البته بخواند تا پیش از فجر و نیت ادا و قضا ننماید و نافله های شب و روز سی و چهار رکعت است هشت رکعت پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر چهار رکعت بعد از مغرب و دو رکعت وتیره نشسته بعد از عشا و یازده رکعت نماز شب از نصف شب تا صبح که دو رکعت بعد از هشت رکعت شفع است و یک رکعت بعد از شفع وتر است و دو رکعت نافله صبح و در این نافله ها سوره لازم نیست و نشسته هم میتوان خواند س ۲ دخول وقت باید معلوم شود یا مظنه کفایت میکند یا نه ج باید علم بدخول وقت داشته باشد ولکن اگر ابر باشد و علم نتواند پیدا کند تأخیر اندازد تا معلوم شود احوط است اگر چه اقوی جواز اکتفا بظن اطمینانی است در هوای ابر س ۳ شخص در وقت مختص بنماز عصر عمداً قضاء نماز صبح کند بعد شروع نماید بنماز عصر که دو رکعت نماز عصر در وقت و دو رکعت آن در خارج وقت واقع میشود چه صورت دارد و همچنین آیا فرقی هست مابین اینکه قضاء صبح همان روز باشد و دیگر قضائی بر ذمه نداشته باشد یا آنکه قضاء سابق باشد بیان فرمائید ج معصیت نموده ولی قضاء نماز

صحیح است چه از همان روز یا از سابق باشد

در قبله و احکام آن

س ۱ قبله کدام است و استقبال چگونه میباشد ج قبله کعبه است در میان مسجد الحرام
در مکه معظمه که باید نزدیک و دور روبروی آن نماز بخوانند ولی کسیکه دور است کفایت میکند
که بگویند رو بکعبه نماز میخوانند س ۲ آنها که از مکه معظمه دورند چگونه تشخیص قبله نمایند ج
از محرابیکه یکی از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین در آن نماز خوانده اند و شهرت در میان
مردم و آنچه در شرع وارد است مثل ستاره جُدی در عراق عرب در پشت شانه راست
باشد و از بعض علامات دیگر در بعض ولایات دیگر میتوان علم پیدا نمود و اگر علم پیدا نشد ستاره
جُدی و محرابهای مساجد و قبور مسلمین عمل نمایند و بعد از آن مظنه از هر جا شود کافیست س ۳ اگر در
جائی که هیچ آثار و علامات قبله از هیچ طرف نباشد چکنند ج چهار نماز از چهار طرف
مساوی بخوانند س ۴ استقبال قبله در هر نماز در هر حال است یا تفصیل دارد ج در هر نماز
واجبی مادامیکه ممکن است واجب است و در نماز مستحبی در حال سواری و راه رفتن مثلاً
استقبال لازم نیست و کسی که به پشت خوابیده نماز بخواند باید کف پای او بقبله باشد و کسیکه
بدست راست یا چپ خوابیده نماز میخواند پیش روی او بقبله باشد س ۵ متحیر قبله در ضیق وقت
هرگاه بقدر دوازده رکعت بیشتر وقت ندارد نماز ظهر او قضا است یا نه و بر فرض عدم قضا چه قسم
باید نماز بخواند ج دو نماز ظهر اولاً و یک نماز عصر بعد از آن بخواند

در بیان ستر و ساتر است

س ۱ مرد چقدر در نماز واجب است بپوشاند خود را و زن چقدر ج مرد بشره عورت را که آلت

و دو بیضه و دبر است و زن تمام بدن را غیر از صورت و دو دست تا بند دست و دو پا تا پنج
استخوان ساق و احوط پوشانیدن کف پاها است و موهای خود را واجب است بپوشاند
اگرچه نگاه کننده نباشد س ۲ در ساتر چند شرط است ج پنج شرط است اول طهارت
مگر مثل جوراب و عرقچین دوم مباح بودن و غصبی نبودن سوم اگر پوست یا پشم
یا کرک است از حیوان حلال گوشت باشد و اگر شک کند که از حلال گوشت است یا از
حرام گوشت احوط اجتناب است چهارم از مرده نباشد و مذکی باشد یعنی آنرا بطریق شرع
کشته باشند و لکن آنچه از بازار مسلمین یا از دست مسلم گرفته میشود حلال و پاک است و با آن نماز بخواند
اگر چنانچه ندانی مذکی است یا از مرده اگرچه علم داشتی که از کافر بوده با آنکه احتمال بدهی
که مسلم از آن فحص نموده باشد و الا از کافر گرفتن جایز نیست و حرام و نجس است اگرچه در بازار
مسلمین باشد و لباس از پشم و مو و کرک مرده حلال گوشت ضرر ندارد پنجم لباس مردها از طلا باف بلکه زیور
و انگشتر و مثال آنها طلا نباشد که در غیر نماز نیز بر ایشان جایز نیست س ۳ ساعت طلا و
زنجیر طلا شرعاً چه حکم دارد ج ساعت طلا و نقره که در این زمان متعارف است حرام نیست
و زنجیر طلا نیز حرام نیست لکن اگر بگردن اندازد یا بسینه بیاویزد که اسباب تجمل باشد بر مردان
حرام است س ۴ دندان مصنوعی در دهان نمازگذار باشد جهت قرائت چه صورت دارد
ج ضرر ندارد س ۵ صدف همراه نمازگذار باشد نمازش صحیح است یا نه ج احوط ترک است
ششم لباس مردها ابریشم یا کج خالص نباشد بلکه در غیر نماز هم جایز نیست و اگر ده یک آن
مثلاً پشم یا ریسمان باشد ضرر ندارد س ۶ لباس سیاه چه حکم دارد ج مکروه است و معروف است
که لباس عباسیین بوده بلی در چکمه و مثال آن و عمامه و عبا و در عزای حضرت سید الشهداء
علیه السلام
باکی ندارد

در بیان مکان نماز است

س ۱ کدام مکان نماز در آن جایز نیست ج محلی یا فضائیکه از دیگری است و علم برضایت آن ندارد نماز در آن باطل است چه نماز واجب و چه مستحب ولکن در جاهائیکه اذن شاهد حال هست مثل مهمانخانه‌ها و عزاخانه‌ها و صحراها مادامیکه علم براضی نبودن ندارد جایز است س ۲ کدام مکان نماز در آن بهتر است ج مسجد الحرام نماز در آن معادل هزار هزار نماز است و شاید از مفاخرت کربلای معلّی با مکّهٔ معظمه ظاهر شود که نماز در حرم حضرت سید الشهداء ارواحنا له الفداء بیش از هزار هزار نماز باشد و نماز نزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بدویست هزار نماز و سایر مشاهد و مساجد در کتب مفصله مرقوم است ولکن بهتر در حق زنها برای نماز خواندن در خانه‌ها و اطاقها بلکه صندوقخانه‌ها میباشد

در بیان اذان و اقامه است

س ۱ اذان و اقامه واجب است یا مستحب ج مستحب است اذان و اقامه س ۲ شهادت بامیر المؤمنین علیه السلام و ولایت آن حضرت در اذان و اقامه چگونه است ج اگر بقصد قربت بگوید نه بقصد جزئیت بی اشکال است

در بیان واجبات و مستحبات نماز است

س ۱ واجبات نماز چیست ج نیّت و تکبیرة الاحرام و قرائت و رکوع و سجود و ذکر و تشهد و سلام و موالات و ترتیب اوّل نیّت و آن قصد خواندن نماز است از برای حق جلّ و علا مثلاً نماز ظهر میگذارم قربةً الی الله تعالی و تعیین ادا و قضا لازم است و همچنین نیّت وجوب و استحباب در صورتیکه تعیین عمل موقوف بآن باشد مثل فریضهٔ صبح و نافلهٔ آن

و لازم نیست گفتن آن بزبان و خطور آن بلکه همین قدر که در خیال و ذهن او باشد کافیست و نیّت نماز احتیاطاً بزبان نگوید و ریا که از برای غیر خدا بجا آورد و یا غیر خدا را شریک نماید باطل میکند عبادت را س ۲ محل عدول کجاست ج هر نماز بعد یکه پیش شروع شد مثل عصر را سهواً پیش از ظهر هر جا که در بین نماز عصر فهمید عدول بظهر مینماید و ظهر حساب میشود و بعد نماز عصر را بخواند و اگر محل عدول گذشته باشد مثل رکوع رکعت چهارم عشاء عدول بمغرب نمیکند بلکه نماز عشاء را تمام میکند و بعد مغرب را میخواند و نمازش صحیح است و همچنین اگر در بین نماز نداند نیّت نماز پیشی را کرده یا بعدی را عدول نماید بنماز پیشی مادامیکه محل عدول باقی است در صورتیکه نماز پیشی را نکرده باشد یا شک داشته باشد که نماز پیشی را کرده است دوم تکبیرة الاحرام و آن الله اکبر است که بعد از نیّت نماز همین لفظ عربی بدون کم و زیاد باید گفت سوم قیام و آن واجب است در حال تکبیرة الاحرام و قرائت و باید از قیام برکوع رود و باید تکبیر بجهری نکند و راست ایستاده باشد و استقرار داشته باشد س ۳ اگر عاجز از ایستادن باشد چکند ج اگر از هر قسمی از ایستادن عاجز شد اگر چه تکیه دادن بدیوار باشد نشسته نماز بخواند و اگر از هر گونه نشستن عاجز شد بدست راست رو بقبله بخواند و اگر عاجز شد بدست چپ رو بقبله و اگر از این هم عاجز شد بپشت بخواند کف پاها رو بقبله کند چهارم قرائت در رکعت اوّل و دوّم و آن خواندن سورهٔ حمد است و یکسورهٔ دیگر بعد از تکبیرة الاحرام و مردان و زنان نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند و در مغرب و عشاء و صبح مردان بلند بخوانند و زنان مختارند ولکن اگر مرد اجنبی صدای ایشانرا بشنوند بلند نخوانند س ۴ هرگاه در وقت بسمله گفتن در نماز تعیین سوره نکند چه باید کرد ج اگر عادت بقرائت سورهٔ معینهٔ دارد و مثل قل هو الله تعیین ارتکازی کافی است و الّا بسم الله را اعاده کند برای سورهٔ معینه س ۵ بلند خواندن چگونه است و آهسته کدام است ج بلند جوهر صوت داشتن است و آهسته جوهر صوت نداشتن س ۶ در رکعت سوم و چهارم چه باید

قرائت نمود ج مختار است حمد تنها بی سوره یا تسبیحات اربعه بخواند س۷ چقدر حروف را
باید از مخارج ادا کرد تا قرائت و مثل آن صحیح باشد ج همین قدر که حرفها از هم جدا شوند
و تفاوت داشته باشند که ضاد از ظاء الف دار ممتاز شود و ذال از زاء و صاد و ثاء از سین نگویند
مثلاً کفایت میکند پنجم رکوع و آن خم شدن است از قیام بقدریکه دست بزانو برسد و یک دفعه
سُبحانَ رَبّیَ العَظیمِ وَبِحَمدِه بگوید و یا سه مرتبه سبحان الله و در بین حرکت نکند س۸ کسیکه از
رکوع عاجز است چکند ج اگر ممکن است بتکیه دادن رکوع کند اگرچه ممکن نباشد هر قدر که ممکن است
خم شود ششم سجود و آن پیشانی و دو کف دستها و دو زانو و دو انگشت بزرگ پاها را بر
بر زمین گذارد و در هر رکعتی دو سجده واجب است س۹ واجبات سجده را بیان فرمائید ج
چند چیز است اوّل گذاردن پیشانی بر زمین است مثل سنگ و خاک و ریگ و آنچه از زمین روئیده شود
مثل درخت و حشیش و گیاهائیکه خوردنی و پوشیدنی نباشند بشرط آنکه پاک باشند دوّم ذکر سُبحانَ
رَبّیَ الاَعلی وَبِحَمدِه یا سه مرتبه سُبحانَ الله گفتن در حال استقرار سوم سر برداشتن از سجده چهارم
نشستن میان دو سجده با طمأنینه بلکه بعد از دو سجده علی الاحوط پنجم مساوی بودن محل پیشانی با محل ایستادن
و اگر چهار انگشت تفاوت باشد بقدر گلفتی یکخشت باکی ندارد س۱۰ هرگاه شخصی استقرار در قیام را بعمل
آورد و در حین خم شدن بجهة رکوع که بدن در حرکت است پاها را حرکت میدهد ضرر بنمازش دارد یا نه ج
ضرر ندارد س۱۱ کسیکه عاجز است از سجود چکند ج هر قدر ممکن است خم بشود و آن چیزیکه
بر آن سجده میکند بلند کرده پیشانی را بگذارد و ذکر در حال استقرار بگوید و شش جای دیگر را بر
زمین بگذارد هفتم تشهد و آن نشستن و گفتن اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ
وَاَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّد بعد از دو سجده است یکمرتبه در نماز
دو رکعتی و دو مرتبه در نمازهای دیگر است هشتم سلام که اَلسَّلامُ عَلَینا وَعَلی عِبادِ اللهِ الصّالِحین
وَالسَّلامُ عَلَیکُم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُه است اگر دوّم را گفت گفتن اوّلی لازم نیست ولکن

اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا النَّبیُّ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُه مستحب است پیش از آنها نهم ترتیب یعنی واجبات
نماز بترتیبی که ذکر شد بجا آورد و پس و پیش ننماید دهم موالات یعنی فاصله زیاد میان آنچه ذکر شد
نشود و تاخیر نیندازد که از صورت قرائت یا نمازخوان بیرون رود س۱۲ در نماز نشسته سَمِعَ اللهُ
لِمَن حَمِدَه گفتن چه صورت دارد ج ضرر ندارد س۱۳ در نماز مستحبی شخص سوره را ترک کند ولی
قنوت را بخواند چه صورت دارد ج ضرر ندارد

در بیان چیزهائیکه نماز را باطل میکند

اوّل حدث اصغر مثل بول کردن و خوابیدن و حدث اکبر مثل جنب شدن که در وضو و غسل گذشت
دوّم تکفیر و آن دست بر روی دست گذاشتن است سوم التفات است و آن برگردانیدن
صورت از قبله است بنحویکه بتواند پشت سر را ببیند و آن مبطل است در حال عمد بنا بر اقوی و در
حال سهو بنا بر احوط چهارم کلام اگرچه بدو حرف باشد و آنچه از سرفه کردن از حلق بیرون آید
و پف کند بطوریکه متعارف است عرفاً کلام نیست و ضرر ندارد ولکن سلام کردن در بین
نماز کلام است و نماز باطل میشود ولی اگر کسی بنمازگذار سلام کرد واجب است جواب بگوید
بهمانطور که او سلام گفته و نمازش صحیح است س۱ هرگاه کسی بنمازگذار سلام کرد و سلام
غلط نمازگذار میتواند جواب دهد یا خیر ج اگر سلام غلط طوری است که از سلام بودن
بیرون رفته جواب دادن جایز نیست و اگر طوری است که از سلام بودن بیرون نرفته جواب
دادن واجب است س۲ هرگاه در قنوت نماز وتر که چهل مؤمن را دعا میکند بفارسی اذن
میفرمائید دعا کند مثلاً بگوید خدایا حاج میرزا محمود را بیامرز یا نه ج ضرر ندارد پنجم
قهقهه که خنده صدادار است ششم گریه کردن از برای امور دنیا و اگر از خوف خداوند
جلّ و علا باشد بسیار خوبست هفتم کاریکه از صورت نمازگذار بیرون برد هشتم

خوردن و آشامیدن نهم آمین گفتن بعد از قرائت سوره حمد دهم شک در عدد بعض رکعتهای نماز چنانچه خواهد آمد یازدهم چیزی در نماز زیاد یا کم کردن دوازدهم در نماز واجب علاوه برآنکه باید بخواند سوره دیگر خواندن بنابر احوط:

در بیان نماز آیات است

س ۱ نماز آیات از برای چند چیز واجب است ج از برای زلزله و آفتاب و ماه گرفتن اگر چه سبب ترس غالب مردم نشود و از برای بادهای سرخ و سیاه و تاریکی و صاعقه و آتشی که در آسمان پیدا شود و جائی از زمین شکافتن یا فرو رفتن اگر اینها سبب ترسیدن غالب مردم شود س ۲ وقت نماز آیات چه وقت است ج در آفتاب و ماه گرفتن از اول گرفتن تا باز شدن و احوط آنستکه پیش از شروع بباز شدن نماز را بجا آورد و در باقی دیگر هر قدر طول بکشد و اگر فرصت نشود بقدر نماز بعد از آن نماز را بخواند و نیت اداء و قضا نکند س ۳ کیفیت نماز آیات چگونه است ج و آن دو رکعت است در هر رکعت پنج رکوع و دو سجود و تفصیلش آنستکه نیت میکند و تکبیر میگوید و بعد از آن حمد و سوره میخواند و برکوع میرود و ذکر رکوع میگوید و سر از رکوع بر میدارد و حمد و سوره را میخواند و برکوع میرود و ذکر رکوع بعد از آن سر بر میدارد باز حمد و سوره میخواند و برکوع میرود و بعد از سر برداشتن از آن باز حمد و سوره میخواند و برکوع میرود و بعد از قیام از آن باز حمد و سوره میخواند و برکوع میرود و بعد از قیام از آن دو سجده بجا میاورد و بر میخیزد حمد و سوره میخواند باز برکوع میرود و همچنین تا پنج رکوع تمام شود و بعد از قیام از رکوع پنجم دو سجده بجا میاورد و تشهد میخواند و سلام میگوید

س ۴ آیا قنوت در نماز آیات مستحب است یا نه

ج بلی قنوت قبل از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم مستحب است و اگر پیش از رکوع اول

حمد بخواند و بعد از حمد بسم الله الرحمن الرحیم بقصد سوره قل هو الله احد مثلاً بگوید و برود برکوع و بعد از سر برداشتن از این رکوع قل هو الله احد را بگوید و برکوع رود و بعد سر بردارد الله الصمد را بگوید و برکوع برود و بعد از این رکوع لم یلد و لم یولد بگوید و برکوع رود و بعد از سر برداشتن از رکوع و لم یکن له کفوا احد بگوید و بعد برکوع پنجم برود و بعد از سر برداشتن بسجده برود و بعد از دو سجده برخیزد و رکعت دیگر را مثل رکعت اول بجا آورد که نیت میکند س ۵ هرگاه کسی شخصی را خبر دهد که روز گذشته زلزله شد و این شخص تصدیق کند که راست است لکن در وقت زلزله مطلع نشده بود آیا نماز آیات برا و واجب است یا نه ج البته بخواند س ۶ زید یقین دارد که فردا شب خسوف واقع میشود و در وقت خسوف خواب رفت و مطلع نشد بعد معلوم شد که خسوف واقع شده و تمام نگرفته آیا قضاء نماز آیات لازم ست یا نه ج بلی احوط است

در بیان خللیکه در نماز واقع میشود و احکام آن

بدانکه کسی اگر شک کند که آیا نماز خوانده یا نخوانده اگر وقت آن نماز باقی باشد باید بخواند و اگر چه مظنه داشته باشد که خوانده است و اگر بعد از وقت باشد قضا واجب نیست اگر چه مظنه داشته باشد که نخوانده است س ۱ چند مقامست که شک اعتبار ندارد ج سه مقام است غیر از شک امام و ماموم با حفظ دیگری که وظیفه هر یک رجوع بحفظ دیگر است اول شک بعد از نماز اعتبار ندارد چه در رکعات چه در غیر آن مگر آنکه هر دو طرف شکش باطل باشد مثل سه و پنج باصدور منافی دوم کسی که شک بسیار میکند چه در رکعات و چه در اقوال و چه در افعال اعتبار ندارد و بنا بر صحت میگذارد مثلاً شک میکند میان سه و چهار بنا را بر چهار و شک چهار و پنج بنا را بر چهار گذارد سوم کسیکه کلمه را مثل الحمد گفت و بعد از دخول در کلمه دیگر شک کرد که درست بجا آورد حتی گفت یا بها هوز اعتبار ندارد و اگر داخل کلمه بعد نشده تکرار کند که درست گفته شود همچنین در کلمه بوده که شک نمود که کلمه پیشتر را گفته یا نگفته اعتبار ندارد و چنین است شک در

تکبیرة الاحرام در حال خواندن حمد یا شک در حمد در حال خواندن سوره و مثال آن و همچنین اگر در سجود شک کند که رکوع کرد یا نکرد و یا در رکوع شک نمود که قرائت خوانده یا نه و هر چه مانند آنها باشد اعتبار ندارد و اگر شک کرد که سلام نماز را گفته یا نه اگر داخل چیز دیگر شده مثل تعقیب یا قرآن یا خوابیدن یا راه رفتن اعتبار ندارد و الا باید سلام را بگوید **س ۲** چند شک در رکعات باطل است و چند شک صحیح است **ج** شک در نماز دو رکعتی و سه رکعتی مطلقا باطل و در چهار رکعتی پیش از اکمال سجدتین رکعت دوم باطل و کسیکه نداند اصلا چند رکعت خوانده هم باطل است اما شک صحیح دارای نه مقام است اول شک میان دو و سه بعد از اکمال سجدتین بنا را بر سه میگذارد و یک رکعت دیگر بجا میاورد و بعد از سلام یکرکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا میاورد دوم شک میان سه و چهار در هر جا که باشد بنا را بر چهار میگذارد و بعد از سلام یکرکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا میاورد سوم شک میان دو و چهار بعد از اکمال سجدتین بنا را بر چهار میگذارد و بعد از سلام دو رکعت ایستاده بجا میاورد چهارم شک میان دو و سه و چهار بعد از اکمال سجدتین بنا را بر چهار میگذارد و بعد از سلام دو رکعت ایستاده و بعد از آن دو رکعت نشسته بجا میاورد پنجم شک میان چهار و پنج بعد از سجدهٔ آخر نماز بنا را بر چهار میگذارد و تشهد و سلام را میگوید با دو سجدهٔ سهو ششم شک میان چهار و پنج در حال ایستادن قبل از رکوع بنشیند بعد از تشهد و سلام یکرکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا میاورد با دو سجده سهو هفتم شک میان سه و پنج در حال ایستادن قبل از رکوع بنشیند بعد از سلام دو رکعت ایستاده بجا میاورد با دو سجدهٔ سهو هشتم شک میان پنج و شش در حال ایستادن پیش از رکوع بنشیند بعد از تشهد و سلام دو مرتبه سجدهٔ سهو بجا میاورد و شکهای دیگر هر چه بالا رود باطل است **س ۳** حکم شک دو و پنج و سه و پنج را بعد از سلام بیان فرمائید **ج** اگر منافی بعمل آورده باطل است و الا دو رکعت در صورت اول و یکرکعت در صورت دوم بجا آورد و دو سجدهٔ سهو هم بجا بیاورد

و احتیاطاً نماز را اعاده نماید **س ۴** شک بعد از گفتن السلام علینا و علی عباد الله الصالحین چه حکم دارد **ج** احوط عمل نمودن بموجب آن شک است **س ۵** مظنه در رکعات و افعال و اقوال لازم است عمل بآن یا نه **ج** - مظنه در رکعات نماز مطلقا اعتبار دارد و در اقوال و افعال محل شک است و شکی که دو طرف مساوی دارد همین که یکطرف احتمالش قدری بیشتر باشد مظنه میشود و اگر شک داشت اول بعد مظنه شد عمل بمظنه میکند و اگر مظنه داشت بعد شک شد بموجب شک عمل نماید **س ۶** اگر نتواند تشخیص دهد که شک دارد یا مظنه چکند **ج** معامله شک بر آن کند

در بیان رکعات احتیاط و سجدهٔ سهو است

س ۱ رکعات احتیاط که در شکها ذکر شد باید بخواند چگونه است **ج** بعد از نیت الله اکبر میگوید و سورهٔ حمد تنها آهسته میخواند و رکوع و سجده و تشهد و سلام میگوید چه یکرکعت چه دو رکعت چه ایستاده چه نشسته **س ۲** سجدهٔ سهو چگونه است **ج** بعد از نیت سر بسجده میگذارد و بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ میگوید بعد سر را بر میدارد و می نشیند و دو مرتبه بسجده میرود و همین ذکر را میگوید و بعد می نشیند و میگوید اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ که همه اینها را بنیت قربت مطلقه بجا آورد و بعد از آن اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ بگوید **س ۳** سجدهٔ سهو در چند مقام واجب است **ج** در پنج مقام کلام بیجا سلام بیجا تشهد فراموش شده سجدهٔ فراموش شده شک میان چهار و پنج و همچنین در قیام در محل قعود یا قعود در محل قیام علی الاحوط و در هر زیاد و کمی که در نماز سهواً واقع شود بنا بر احوط اگرچه اقوی عدم وجوب است در آن

در بیان نماز جماعت است

که در نمازهای شب و روز تأکید بسیار و ثواب بیشمار دارد

س ۱ در نمازهای مستحبی جماعت هست یا مخصوص بواجب است ج در نمازهای مستحبی
جماعت نیست مگر نماز استسقا که دعا کردن از برای باران آمدن است و نماز عید و کسی که
نماز تنها خوانده باشد مستحب است که دوباره با جماعت بخواند س ۲ بچند نفر جماعت منعقد
میشود ج بدو نفر یکی امام و یکی مأموم و مأمومیت منعقد میشود باینکه بعد از تکبیرة الاحرام
امام نیت جماعت کند و تکبیرة الاحرام بگوید در حال قرائت امام یا در حال رکوع امام
تکبیرة الاحرام بگوید و برکوع امام برسد پس اگر مأموم برکوع امام رسید نماز جماعت میشود و اگر
رکوع کرد وقتیکه امام از رکوع بلند شده بود یا شک کرد که برکوع امام رسیده یا نه نماز مأموم
صحیح نیست و اگر تکبیرة الاحرام گفت بخیال اینکه برکوع امام میرسد و رکوع نکرده امام سر از
رکوع برداشت باید فرادی بکند یعنی نماز را خودش بخواند جماعت نباشد یا اگر امام رکعت دیگر
دارد و رکعت آخرش نیست صبر کند تا در آن رکعت بعدی بامام ملحق شود س ۳ شرط نماز جماعت
چیست ج نماز جماعت هشت شرط دارد اوّل آنکه امام باید عادل باشد یعنی واجبات را
بجا آورد و محرمات را ترک کند که اگر اشخاصی که با او معاشرت دارند یا همسایهٔ او هستند
یا در محلهٔ او منزل دارند احوال او را بپرسی بگویند ما بغیر از خوبی از او ندیده‌ایم دوّم آنکه امام
مرد باشد اگر مأموم مرد یا مرد و زن باهم باشند و اگر زن تنها باشد زن میشود امام جماعت
ایشان باشد سوّم ایستاده بودن امام هرگاه مأمومین ایستاده باشند چهارم مکان نماز
امام بلندتر از مکان مأموم نباشد مگر قدر کمی که عیب ندارد ولکن مأموم بلندتر باشد بی‌عیب
است پنجم میان امام و مأموم و مأمومها بعضی با بعضی دیگر حائل مثل پرده و دیوار نباشد
مگر مرد و زن ششم از جای ایستادن امام تا سر مأموم در حال سجده زیادتر از یک
ذرع شاه نباشد هفتم امام باید صحیح القرائة باشد اگر غلط بخواند کلمه یا حرفی یا اعرابی را اگرچه

معذور باشد بآن امام اقتدا نمیتوان کرد هشتم امام باید قدری پیش از مأموم باشد
که مساوی نباشد علی الاحوط و در مثل رکوع و سجود مأموم بعد از امام رکوع و سجود کند س ۴ اگر سهواً
پیش از امام برکوع یا سجود رود و ببیند که امام در حال قیام است چکند ج اگر با متابعت
میتواند امام را در حال قیام درک بکند متابعت کند و نماز را با امام تمام کند و احتیاطاً نماز را
اعاده نماید س ۵ هرگاه امام و مأموم هردو مشغول رفتن از قیام برکوع یا سجود شوند ولکن مأموم
زودتر از امام برکوع یا سجود برسد تکلیفش چیست ج صبر کند تا امام هم برکوع یا سجود
برسد و نمازش درست است انشاءالله س ۶ اگر مأموم سهواً سر از رکوع یا سجود برداشت
پیش از امام پس دید امام در رکوع یا سجود است چه کند ج اگر میداند که متابعت نماید بامام
نمیرسد در رکوع یا سجود بایستد تا امام باو برسد و اگر میداند متابعت کند بامام میرسد در
رکوع یا سجود باید متابعت کند و نماز را با امام تمام کند و نمازش درست است

در بیان احکام نماز مسافر است

س ۱ باچند شرط در سفر نماز شکسته و روزه خورده میشود ج شش شرط دارد
اوّل هشت فرسخ رفتن یا چهار فرسخ رفتن و چهار فرسخ برگشتن بشرط آنکه در همان روز یا در
شب آن روز برگردد و رفتنش از چهار فرسخ کمتر نشود دوّم از اول قصد هشت فرسخ داشتن
و اگر دو راه باشد یکی هشت فرسخ و دیگری کمتر مختار است اگر از هشت فرسخی رفت شکسته
نماز بخواند و روزه را افطار و اگر از کمتر رفت نماز تمام و روزه برقرار است و کسی که بتبعیت
دیگری سفر میکند مثل عیال و نوکر و غلام قصد ایشان تابع قصد کسی است که بمتابعت او سفر کرده‌اند
بشرط اینکه عالم باشند باینکه بقدر مسافت خواهد رفت سوّم مستمر بودن قصد پس اگر
در بین راه رفتن را موقوف کرد یا مردد شد یا قصد ماندن ده روز نمود یا بوطنش

عبور کرد باید تمام نماید س ۲ وطن کجا و اصلی و عارضی کدام است ج محلّی که قصد ماندن با دوام العمر
را دارد وطن است اصلی مثل جائیکه پدر و مادر او بوده اند و آنجا بزرگ شده و جای مسکن
همیشه ایشان بوده و عارضی آنست که مثلاً در کربلای معلّی مجاور شود بعد از آنکه قصد ماندن همیشه
ماندن دارد وطن اوست شش ماه ماندن لازم نیست بلکه بمقداریکه در عرف بسبب آن وطن
صدق نماید اگرچه یکماه باشد شاید لازم باشد چهارم باید سفر معصیت نباشد مثل اینکه
بجهة دزدی یا ظلم کردن یا شراب خوردن برود باید نماز را تمام بخواند پنجم سفر شغل و عمل
او نباشد مثل مکاری و کشتی بان و قاصد که در سفر اوّل شکسته میخوانند و در دوّم و سوّم تمام
واحوط جمع است و اگر در وطن ده روز ماند بعد سفر اوّل شکسته و دوّم و سوّم تمام است و اگر
در سفر غیر شغل خود برود مثل سفر زیارت شکسته بخواند ششم آنکه بمحل حدّ ترخص برسد یعنی
از محلیکه سفر میکند دور شود بقدریکه دیگر تشخیص عمارات متعارفه آنجا را ندهد و اذان متعارف
آنجا را نشنود علی الاحوط س ۳ اگر در جائی نمیداند چند روز توقّف میکند چه کند ج اگر
در جائی مردد باشد که ده روز میماند یا نمیماند شکسته میخواند تا سی روز و بعد از آن تا آنجاست
تمام میخواند مثل آنکه اگر قصد ده روز نمود و یک نماز تمام خواند دیگر تا آنجا است باید تمام
بخواند اگرچه مردد شود یا عازم رفتن شود س ۴ هرگاه شخص مسافر نماز عشا را نخوانده خوابش
برد تا بعد از نصف شب آیا فردا را روزه بگیرد یا صبر کند جائیکه قصد اقامه میکند کفاره
عشا را بگیرد ج احوط آنست که قصد اقامه کند و آن روز را روزه بگیرد و اگر معذور از قصد اقامه
باشد لزوم قضا معلوم نیست

در بیان احکام میّت است

از غسل و حنوط و کفن و نماز و دفن او است س ۱ وصیّت کردن بچه واجب و بچه مستحب است
ج اگر قرض دارد و امانت پیش او است و حقوق مثل زکوة و خمس و کفارات و امثال آنها

اگر در ذمّه او باشد واجب است و خیرات و صدقات و صله ارحام مستحب است و بعضی ورثه را
محروم نمودن خوب نیست س ۲ تکلیف در حال احتضار چیست ج واجب است در
حال احتضار بر پشت خوابانیدن شخص محتضر که کف پاهای او رو بقبله باشد و مستحب است تلقین
شهادتین و ائمه علیهم السلام و کلمات فرج و قرآن نزد او خواندن مثل سوره یس و الصافات
و آیة الکرسی و چشمهای او را بستن و پاها و دستهای او را کشیدن و تعجیل بر داشتن و برادران
دینی را خبر کردن س ۳ غسل میّت چگونه است ج غسل میّت بر هر مکلف واجب است
مثل کفن کردن و نماز خواندن و دفن نمودن و شوهر اولی و مقدم تر است بر سایر ورثه اناث
بعد از آن مردان اولی از زنان میباشند و میّت را سه غسل باید داد مثل غسل جنابت اوّل از سدر
دوم از کافور سوم از آب خالص و اگر محرم بحج یا عمره باشد غسل بکافور ندهند و
عوض آن غسل دوّم را با آب خالص بدهند س ۴ غسل کدام میّت واجب است ج
غسل هر مسلم واجب است و آنهائیکه در حکم مسلمند مانند صغیرها و دیوانه ها س ۵ اگر سدر
و کافور نباشد چکنند ج با آب خالص سه غسل بدهند و اگر آب هم نباشد یا چنانچه ضرر داشته
باشد تیمم بدهند و احوط آنست که یک تیمم هم بقصد مجموع بدهند س ۶ دیگر چه شرط دارد
ج مرد را مرد و زن را زن باید غسل دهد بلی در اطفال تا سه سالگی مماثلت لازم نیست و اگر مماثل
نباشد ارحام غسل بدهند از روی جامه و جایز است غسل دادن شوهر زن را و همچنین زن شوهر را
س ۷ کیفیت کفن چگونه و شرایط آن چیست ج کفن سه پارچه باید باشد لنگ
از ناف تا زانو و پیراهن از دوش تا نصف ساق از دو طرف یعنی جلو و عقب را بپوشاند
و پارچه که از سر تا قدم میّت را بپوشاند و غصبی نباشد و باید در حال اختیار نجس و ابریشم نباشد اگرچه زن
باشد و از اجزاء گوشت نباشد بلکه پوست هم نباشد علی الاحوط س ۸ کفن دادن بر که واجب است
ج کفن واجب از اصل مال میّت بیرون کرده میشود یعنی از مال میّت رد میشود و هرچند که مدیون باشد

مگر زن که کفن او با شوهر است هرچند که زن مالدار باشد مگر شوهر فقیر باشد و نتواند کفن از مال خود
تهیه نماید س ۹ حنوط واجب کدام است ج حنوط کافور است که باید در هفت موضع میت
بگذارند و آن هفت موضع سجده که عبارتست از پیشانی و دو کف دست و دو سر زانو و دو
شصت انگشتان پا که در حال سجود اینها روی زمین قرار میگیرند و مستحب است ریختن کافور
روی بینی ولکن اگر محرم باحرام حج یا عمره باشد حنوط نکنند س ۱۰ میت را در حال نماز چه قسم
باید خوابانید ج میت را به پشت بخوابانند و نمازگذار نزدیک او بایستد بطوریکه سر میت
بسمت راست و پای او بسمت چپ نمازگذار باشد س ۱۱ نماز میت چگونه است ج نماز
میت پنج تکبیر دارد و بعد از استقبال قبله و قیام و نیت و تکبیر اول بگوید اَشْهَدُ
اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰهِ و بعد از تکبیر دوم اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و بعد از تکبیر سوم اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
و بعد از تکبیر چهارم اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَیِّتِ و بتکبیر پنجم تمام میشود س ۱۲ کیفیت دفن
میت را بیان فرمائید ج باید میت را در زیر زمین پنهان کنند بقدریکه از جانوران محفوظ
بماند و بوی او بیرون نیاید و چنانچه اگر در دریا باشد و نتوانند او را بساحل آورند غسل و حنوط
و کفنش میکنند و نماز بر او میخوانند و او را در صندوقیکه سنگین باشد و در زیر آب فرو رود میگذارند
و اگر ممکن نشد چیز سنگینی بپایش بسته و در دریا می اندازند و واجب است که میت را در قبر بطرف
راست بخوابانند بطوریکه صورت او بطرف قبله باشد س ۱۳ نبش قبر چه حکم دارد ج نبش قبر حرام است
پیش از مندرس شدن میت بلکه قبر کسانیرا که در شرع انور بزرگ هستند باقی بدارند و تعمیر نمایند و چند جا
است که نبش قبر جایز است دفن در زمین غصب یا کفن غصبی یا مال متعدبه که در قبر مانده باشد یا شهادتی که
متوقف بر دیدن میت باشد باید بدهند س ۱۴ هرگاه در شکم میت طفل زنده یا در شکم زنده طفل مرده باشد
چه باید نمود ج در اول طرف چپ میت را می شکافند و طفل را بیرون میآورند

آن شکافته را میدوزند و در دوم اگر در بودن در شکم خوف بر مادرش هست بهر قسمی بتوانند سقط نمایند
و الا زنها بیرون بیاورند و اگر ممکن نشود مردهای محرم و اگر نشود اجنبی اگرچه بدست داخل کردن باشد

در بیان روزه و احکام آن

س ۱ روزه واجب کدام است ج مثل روزه ماه رمضان و روزه کفاره و روزه
قضا و روزه نذر و عهد و یمین و روزه روزیکه در شب آن پیش از خواندن نماز عشا خوابیده
و بیدار نشده تا بعد از نصف شب س ۲ روزه حرام کدام است ج مثل روز عید فطر و
قربان و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی حجه برای کسیکه در منی است ÷
س ۳ نیت روزه و احکام آن چگونه است ج پیش از فجر قصد کند که از فجر تا مغرب
مفطری بعمل نیاورد قربة الی الله تعالی و اگر در شهر رمضان یا روزهای معین دیگر نیت از او فوت شود
و مفطری بعمل نیاورد تا پیش از ظهر ملتفت شود نیت کند کفایت میکند ولی در ماه رمضان
بعد از ظهر اگر ملتفت شد که نیت نکرده آن روز را تا غروب امساک نموده و بعد قضا
میکند و باید نیت مستمر باشد اگر دقیقه بنا گذاشت که روزه نباشد یا مردد شد صحت روزه
او محل تامل است س ۴ مفطرات روزه چند چیز است ج نه چیز است اول خوردن
و آشامیدن چه متعارف و چه غیر متعارف مثل سنگ ریزه چه از دهن چه از دماغ چه غیر آن مثل دوا در چشم
ریختن که بداند بحلق میرسد دوم جماع چه مرد چه زن چه حیوان چه در قبل چه در دبر سوم دروغ نسبت دادن
بحضرت حق جل و علا و حضرت پیغمبر ص و ائمه اطهار و سایر انبیا و اوصیاء بلکه حضرت زهرا سلام الله علیها بنا بر احتیاط
اما اگر چیزی را اعتقاد بصدق آن داشت و نسبت داد بعد معلوم شد که دروغ است مفطر نیست و در صورت
احتمال و تردد احوط ترک است چهارم تمام سر در آب فرو بردن چه بدن بیرون باشد چه نباشد بلکه در آب
مضاف مثل گلاب نیز روزه اش باطل میشود و در سایر مایعات احوط ترک است

پنجم غبار غلیظ بحلق فرو بردن بلکه غبار غیر غلیظ و بخار و دود بنا بر احوط و کسانیکه طباخ هستند و با طبخ میکنند اگر در موقع طبخ دهان خود را ببندند تا از بخار و دود او محفوظ بمانند بسیار خوبست ششم باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا صبح هفتم انزال منی نمودن ببازی با خود یا غیر خود هشتم اماله بچیزهای روان ولی شیاف نکروه است نهم قی کردن و تمام آنچه ذکر شد عمداً اختیاراً مفطر است و کفاره دارد مگر در قی که کفاره احتیاط است و اقوی عدم وجوب است اما چنانچه سهواً یا مجبوراً باشد مفطر نیست و کفاره ندارد بلی اگر کسی جنابت را فراموش کند چه در یک روز یا زیادتر قضا کند س ۵ کفارهٔ شهر رمضان که باید شصت مسکین را اطعام دهد چنانچه هرگاه قیمت یک مد گندم را بدهد کفایت میکند یا نه ج کفایت نمیکند س ۶ هرگاه شخص روزهٔ ماه رمضان را عمداً افطار کرد و بعد از آن قبل از ظهر سفر کرد آیا کفاره ساقط میشود یا نه ج احوط کفاره است بلکه خالی از قوّة نیست س ۷ هرگاه روزه دار مأکول و مشروب را ممزوج کند و بخورد یا آنکه یخ را در دهان گذاشته قدری آب آنرا فرو برد و بعد خود یخ را که مابقی است بلع نماید آیا کفاره دو تا تعلق میگیرد و یا یک کفاره کفایت میکند ج یک کفاره کافی است س ۸ در ماه رمضان کذب بر خدا و رسول موجب کفاره جمع میشود یا نه ج اقوی عدم وجوب کفارهٔ جمع است س ۹ جاهائیکه قضا تنها دارد بی کفاره کجاست ج شش جاست اوّل در جائیکه احتمال صبح شدن میدهد و میتواند بفهمد که صبح شده یا نه و تفحص نکرده مفطری بعمل آورد و بعد معلوم شد که صبح بوده دوّم کسی باو خبر داد که صبح نشده و میتوانست معلوم کند تفحص نکرده مفطری بعمل آورد بعد معلوم شد که صبح بوده سوّم آنکه کسی باو خبر داد که صبح شده اعتنا نکرد و بخیال اینکه شوخی میکند مثلاً مفطری بعمل آورد بعد معلوم شد که صبح بوده چهارم عکس آن کسی خبر داد که شب شده است و او افطار نمود در صورتیکه تقلید آن خبر دهنده برایش جایز باشد مثل شخص کور و الّا اقوی وجوب کفاره است

پنجم آنکه هوا خیلی تاریک شده قطع کرد که شب شده افطار کرد و بعد معلوم شد که شب نبوده اگر در آسمان علتی نبوده ششم آب بدهان یا دماغ از برای خنک شدن کشیدن یا غیر آن که بدون اختیار فرو رفت بحلق مگر در مضمضه و استنشاق از برای وضوء واجب یا مستحب که قضا ندارد س ۱۰ و دیگر چیزهائیکه روزه بآن باطل میشود کدام است ج اگر در میان روزه مرتد یا مست یا دیوانه یا بیهوش شد آن روزه باطل است ولکن خوابیدن ضرر ندارد

س ۱۱ برکه روزه واجب است ج بر هر بالغ عاقل که مسافر نباشد و خالی از حیض و نفاس باشد و دیوانه و بیهوش و مست نگردد اگرچه یک دقیقه از روز باشد و روزه ضرر باو یا طفلی که در شکم است نزند ولکن مسافر اگر پیش از ظهر ببلد خود یا ببلد اقامه برسد و افطار نکرده باشد روزه براو واجب خواهد بود مثل کسیکه بعد از ظهر مسافرت کند

در بیان زکوة و احکام آن

س ۱ زکوة برکه و در چند چیز واجب است ج واجب است زکوة بر بالغ عاقل آزاد که متمکن باشد تصرف کردن در آن ملک زکوی و واجب است بر کافر ولکن اگر در حال کفر بدهد صحیح نیست و اگر اسلام اختیار نمود زکوة گذشته او ببرکت اسلام از او ساقط میشود و در نه چیز واجب است شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره و گندم و جو و خرما و مویز کشمش و مویز یکی است س ۲ نصاب گوسفند چند و چقدر میشود ج پنج نصاب دارد اوّل چهل که یک گوسفند است دوّم صد و بیست و یک دو گوسفند سوّم دویست و یک سه گوسفند چهارم سیصد و یک چهار گوسفند پنجم چهار صد و هرچه بالا رود هر صد گوسفند یک گوسفند بدهند و باید آن گوسفندها یکسال تمام در ملک باشند و در تمام سال در صحرا چریده باشند اگر در تمام سال یا بعض سال علف دستی بآنها بدهند زکوة واجب نیست

و در گاو دو نصاب و در شتر دوازده است س ۳ نصاب طلا و نقره چه قدر است ج
نصاب طلا پانزده مثقال صیرفی است و بعد از آن سه مثقال سه مثقال بالا رود و از پانزده
مثقال کمتر در نصاب اول و همچنین از سه مثقال کمتر در نصاب دوم زکوة ندارد و نصاب نقره
صد و پنج مثقال صیرفی است و بعد از آن بیست و یک مثقال صیرفی است و کمتر زکوة ندارد
و زکوة طلا و نقره در چهل یک است و بین دو نصاب زکوة ندارد س ۴ شرط زکوة طلا و نقره
چیست ج باید سکه که بر آن معامله شود داشته باشد و یکسال هم باین معنی
که یازده ماه تمام شد و داخل در ماه دوازده شود بماند و تغییر و تبدیل نشود و اگر از مسکوک
زیور درست کنند اگر در آن حال میتوان با آن معامله نمود زکوة واجب است و الا مورد
اشکال است و احوط دادن زکوة است و اگر بقصد فرار از زکوة شمش کنند و یا سکه آنرا ببرد
باید زکوة بدهد بنا بر احوط اگرچه اقوی عدم وجوبست س ۵ نصاب غلات چقدر
و شرایط آن چیست ج نصاب صد و چهل و چهار من است الا چهل و پنج مثقال بمن
شاه هزار و دویست و هشتاد مثقال صیرفی و شرط است بزراعت مالک نصاب
شود و اگرچه زمین هم از او باشد و دیگری تخم نماید بطریق مزارعه یا زراعت را بخرد که بقدر
نصاب از آن عاید گردد و اگر پیش از دانه بستن گندم و جو و پیش از غوره شدن در انگور و پیش از
زرد شدن و سرخ شدن در خرما باشد زکوة بر خریدار است و اگر بعد از آن باشد بر فروشنده
است و در غلات همینکه زکوة آنرا دادند دیگر زکوتی نیست اگرچه نصاب باقی باشد س ۶
واردات و مخارج زراعت از کجا محسوب است ج خراج سلطان خارج میشود
و بعد از آن زکوة را اخراج کند و همچنین بذر و اجرت زمین اگر اجرت داشته باشد و اما سایر
مخارج را خارج نکنند علی الاحوط اگرچه اقوی جواز اخراج جمیع مخارج است س ۷
خراج هر سلطانی خارج است یا بعض از آنها ج اظهر تعمیم است و در اینجا چند مسئله

هست اول آنکه هر زراعتی از گندم و جو و انگور و خرما که از آب باران یا رودخانه یا نهر
آب میدهند یا ریشه های آن در زیر زمین سیراب میشود مثل درخت خرما باید بقدر نصاب که باشد
ده یک آنرا زکوة بدهند و اگر آب دادن آنها محتاج کشیدن و مثل آن باشد بیست یک آن
زکوة است و اگر زراعتی بعض از اوقات از باران یا رودخانه یا نهر سیراب میشود و بعضی
اوقات دستی بکشیدن مثلا آب میدهند اگر مساوی اند عرفاً سه ربع عشر بدهند و الا اگر
بیشتر با آب نهر سیراب میشود ده یک بدهند و اگر بیشتر با آب چاه سیراب میشود نیم عشر
بدهند علی الاحوط دوم زراعت و درخت در جاهای متعدده اگر از هم دور باشند و حاصل پس و
پیش باشد همه را روی هم حساب نمایند در حکم یکجا بودن است سوم در انگور که غوره شده
و خرما که زرد و سرخ شده کسی که اهل خبره باشد بیاید چند درختی را ملاحظه میکند که چقدر از
آن کشمش یا مویز یا خرما میشود بعد از آن همه را تخمین میکند مالک که قبول کرد همان قدر زکوة
بدهد جایز میشود در او هر تصرفی را بخواهد در او بکند

در بیان کسانیکه بایشان زکوة میرسد و صرف بآنها میشود

س ۱ مستحقین زکوة چند فرقه اند ج هشت فرقه اند اول و دوم فقرا و مساکین
و فقرا کسانی هستند که مؤنه بقدر سال خود و عیال و واردات برای ایشان ندارند نه فعلاً
و نه قوةً و مساکین کسانی هستند که از فقیر دست تنگ ترند سوم عاملون علیها و ایشان
هستند که زحمت میکشند و زکوة را جمع میکنند چهارم مؤلفة قلوبند و ایشان کافرانی هستند
که بزکوة احسان بایشان میکنند که از برای اسلام و مسلمانان جهاد کنند یا کارهائی کنند
که شبیه بجهاد باشد و یا تازه مسلمانانیکه بدادن زکوة اسلام در دل آنها تثبیت میشود پنجم

فی الرقاب و آن بنده ایستکه عاجز باشد از آنکه مال الکتابه خود را بدهد یا در شدت و سختی باشد سیما اگر مولای او غیر مؤمن باشد و اگر فرضاً مستحق زکوة پیدا نشود هر بنده را میتوان از زکوة خرید و آزاد کرد ششم غارمون و ایشان کسانی هستند که قرض کرده اند بدون اسراف و بدون اینکه در فعل حرام صرف شود و تمکن ادای آنرا ندارند اگرچه مؤنهٔ سال خود را داشته باشند هفتم فی سبیل الله و آنچه طریق خیر است شرعاً که راجع باشد بمصالح عامهٔ دینیه مثل ساختن مسجد و مدرسه و کاروانسرا از برای زوار و حجاج هشتم ابن سبیل و آن کسی است که در ولایت خود محتاج نیست و اکنون در غربت حاجت دارد بشرط آنکه سفرش معصیت نباشد و قرض هم برای او میسر نیست س ۲ شرط مستحقین زکوة چند چیز است ج اول مؤمن دوازده امامی بودن در غیر مؤلفه بلی از سهم سبیل الله میتوان در بعض جاها بغیر مؤمن داد دوم اینکه بیمبالات در دین و متجاهر بفسق و فجور نباشد سوم آنکه واجب النفقه بر دهندهٔ زکوة نباشد و اما واجب النفقه بر غیر دهندهٔ زکوة پس اگر زوجه باشد و زوج باذل نفقه باشد ممنوع از زکوة است و اگر باذل نفقه نیست و ممکن هم نیست گرفتن از او ولو بتقاص جایز است دادن زکوة باو و در غیر زوجه پس با عدم بذل نفقه زکوة میتوان باو داد و با بذل محل اشکال و اظهر عدم جواز است چهارم آنکه سید بنی هاشمی نباشد اگر زکوة دهنده سید نباشد و اگر سید است عیب ندارد و بسید بدهد س ۳ چقدر زکوة میتوان بیک نفر فقیر داد ج بقدریکه غنی شود یعنی مؤنهٔ سال خود و عیال و واردات او را کفایت نماید س ٤ تعلق زکوة بر اموال زکویه چه وقت است ج در گندم و جو میزان صدق اسم است و در مویز غوره شدن و در خرما زرد یا سرخ شدن است و اما در شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره که سال معتبر است در آنها همینکه یازده ماه تمام گردید واجب است زکوة اگرچه بعض آنها در ماه دوازدهم تلف شود یا از ملک او بیرون رود و اگرچه ماه دوازدهم از سال اول محسوب شود

در بیان زکوة فطره است

س ۱ زکوة فطره بر کدام شخص واجب است ج بر هر مکلف آزاد و غنی واجب است و بر فقیر مستحب است اگرچه با عیالات دستگردان نماید س ۲ اشخاصی که زکوة ایشان را واجب است و باید بدهند کیانند ج برای زوجه دائمه بدهند و منقطعه بشرطی که از عیالات او محسوب شوند و کسیکه پیش از غروب آفتاب شب اول ماه شوال مهمان او باشد بلکه هر که در این وقت عیال او باشد زکوة او واجب است س ۳ زکوة فطره چقدر است ج یک صاع است و آن ششصد و چهارده مثقال صیرفی و ربع مثقال است که تقریباً نیم من شاه میشود

در بیان خمس و شرایط آنست

س ۱ در چند چیز خمس واجب است ج در هفت چیز اول مال کفار که در جهاد باذن امام بدست مسلمین میاید چه نقد چه جنس و همچنین مال کافر حربی که بسبب مجوز شرعی بدست بیاید خمس آن واجب است علی الاحوط دوم معدن مثل طلا و نقره و مس و یاقوت و فیروزه و قیر و نفط و زرنیخ و نمک و مثال آنها بلکه آهک و گچ بشرط بلوغ نصاب که در زکوة طلا و نقره گذشت علی الاحوط اگر با این قیمت یا زیاده رسید خمس واجب است و اگر کمتر باشد خمس واجب نیست س ۲ سنگ گچ و آهک از معادن است یا نه ج بعض افراد سنگ معدن است مثل مرمر و نحو آن ولی گچ و آهک از معادن بودن معلوم نیست هرچند بآنها خمس تعلق میگیرد از باب ارباح مکاسب س ۳ در معادن که خمس تعلق میگیرد و کفاریکه متصدی امور معدن هستند اخراج خمس نمیکنند و اجناسی که از ارباح مکاسب میباشد در نزد آن اشخاصی هستند که اعتقاد بخمس ندارند و مسلمانانیکه عصیاناً خمس نمیدهند در هر صورت تکلیف کسانیکه

باین اموال مبتلا هستند چیست ج اظهر آنست که هر کسی که مبتلا میشود بآن خمس واجب نیست
لکن احوط در قسم اخیر اخراج خمس است سوم گنج که آنهم اگر بقدر نصاب طلا یا نقره رسید
واجب است خمس و اگر در ملک اجاره و عاریه پیدا کرد باید بترتیب از ایشان خبر بگیرد اگر
گفتند که از ما نیست یا معلوم شد نبودن از ایشان از پیدا کننده است باید خمس آنرا بدهد و مثل
گنج است بنابر احوط چیزیکه در شکم حیوانات یا ماهی یافت شود اگر آنرا خریده از فروشنده
خبر بگیرد در غیر ماهی و اما در آن خبر گرفتن لازم نیست بلکه از خود یابنده است باید خمس آنرا بدهد
چهارم چیزیکه بفرو رفتن در آب بیرون میاید از مروارید و غیر آن بشرطیکه قیمت آن بقدر
بقدر هیجده نخود طلا یا زیاده باشد و اگر آب چیز را بیرون انداخته باشد یا بآلت بیرون آورند
خمس آنرا نیز بدهند و خمس عنبر را نیز بدهند چه از آب بیرون آورند چه از روی آب
بگیرند بدون آنکه ملاحظه نصاب آن که هیجده نخود است نمایند بنابر احتیاط و مخارج معدن
و گنج خارج است خمس در آن مقدار نیست پنجم آنچه از زراعت و صناعت و تجارت و کسب که از
مؤنه سال خود و عیالات و واردات زیاد باشد اگر چه سقائی و پینه دوزی و تون تابی
و قاصدی و مثال آنها باشد که از کسب محسوب است و همچنین هیزم از جنگل یا عسل از کوهها
آوردن بخیال خرید و فروش و همچنین است زیاد شدن قیمت و هر منفعتی که از چیزهای
معده از برای کاسبی است خمس واجب است و از مؤنه است ادای دین سالهای گذشته اگر موجب
آن قهری باشد مثل غرامات و کفارات و ارش جنایات یا اینکه استدانه کرده باشد برای
حوائج خودش نه برای تکثیر مال و فرقی نیست علی الظاهر بین آنکه در سابق قدرت بر ادا داشته باشد
یا نداشته باشد و از مؤنه است تزویج خود و دیگران که متعلق باو باشند بلکه تزویج کسانیکه
در شرع خوب است و خانه سکنی بقدر حاجت و باغچه و خانه و مثال آن خریدن و سفر مکه معظمه و زیارت
مشاهد مشرفه نمودن و روضه خوانی و میهمانی و عطیه و هدیه یا نذر و عهد و یمین یا کفاره آنها را

یا کفاره های دیگر و یا دیه و جریمه و مثال آزاد دادن یا خرج ناخوشی و ختنه نمودن و مثال آنها که مختلف میشود
باختلاف اشخاص و زمانها و حالها و لکن باید زیاده روی نباشد و بآنچه لایق بحال اوست رفتار نماید
ششم زمینیکه بکافر ذمی از مسلم منتقل گردد بخریدن و در مطلق انتقالات و معاوضات احتیاط را ترک ننمایند
چه زمین زراعت باشد و چه مثال خانه و حمام و کاروانسرا که آن ذمی باید خمس آنرا بدهد اگر چه اسلام
آورد پیش از دادن هفتم مال حلالیکه با مال حرام مخلوط شده و نمیتوان تمیز داد و صاحب و
مالک آن حرام را نمیتوان پیدا نمود و قدر آن حرام معلوم نیست خمس آنرا که بیرون نمود چهار خمس
آن حلال میشود و احوط آنست این قسم از خمس را در تمامی سهام باذن فقیه بدهند س ۴ خمس بعین تعلق
میگیرد یا بذمه ج مثل زکوة تعلق میگیرد بعین بعد از استقرار وجوب جایز نیست تصرف در
آن تا خمس و زکوة آنرا عیناً یا قیمةً بدهد یا عذر شرعی داشته باشد یا حاکم شرع او را
اذن تاخیر دهد و اگر با آن مال کاسبی کرده و منفعت نمود معامله نسبت بمقدار خمس فضولی است
محتاج باجازه ولی امر خمس است و اگر ضرر کرد در عهده خود اوست س ۵ خمس بر غیر مکلف هست
یا نه ج در خمس تکلیف و آزادی شرط نیست بلکه بر طفل و دیوانه هست اگر چه ولی ایشان متصدی
اخراج و دادن آن میشود بلی در زیادتی از مؤنه سال معلوم نیست و بعید نیست در آن نیز تکلیف
شرط نباشد س ۶ شخص مؤنه سال خود را بطریق متعارف از ملک یا از مستمری و نحو آنها میتواند بگذراند
لکن چون در مؤنه زیاده روی میکند در آخر سال محتاج خواهد شد آیا فعلاً بچنین کسی میتوان
از وجوهات داد یا نه و نمیدانند که مقتضای ذی آن شخص چه اندازه است ج پیش از آخر سال
که محتاج شود نمیتوان از وجوهات باو داد و مسئله زنی او اگر از کسانیکه با آن شخص معاشرت دارند
و از احوالات او باخبرند و غرضی از مثل رفاقت و دوستی و ملاحظات دیگر ندارند بگویند فلانی در
امور معاش خود زیاده روی نمیکند کافیست و هر جا که شک دارند و نمیدانند احتیاط نمایند
س ۷ خمس چند قسمت میشود ج خمس در این زمان بدو سهم بر میگردد یک سهم از سادات

و محتاجین و یک سهم از حضرت امام همام علیه افضل الصلوة و السلام در زمان غیبت آن بزرگوار
ارواح العالمین له الفدا ارجوع بمجتهد جامع الشرایط نمایند س ۸ وجوهیکه دست وکیل حاکم
شرع است از بابت سهم امام علیه السلام و غیره مادامیکه نرسانیده است بحاکم شرع
بدون رجوع و استناد میتواند با آن وجه معامله کند که نفعی عاید شود یا نه در صورت عدم جواز
اگر معامله نمود و نفعی عاید شد چه صورت دارد ج بدون اذن حاکم اگر معامله نمود نقصان
درعهده اوست و علی کل حال نفع از مستحقین است با اذن حاکم شرع س ۹ وکیل حاکم شرع در اخذ
وجوهات وجهی که میگیرد اگر تبدیل کند عین را بنقد دیگر که زیادتی و تفاوت دارد برای
فقرا آیا واجب است که تبدیل کند یا نه ج واجب نیست بلی احسانی خواهد بود و لکن از حاکم
شرع استیذان کند س ۱۰ ما یحتاجی که لازم دارد و از ارباح مکاسب نمیخرد و میخواهد بعد از سال
بخرد خمس آن وجه را باید بدهد یا نه ج باید بدهد س ۱۱ سادات و فقرا که خمس یا زکوة میگیرند
هرگاه بعد از سال اضافه از مؤنه بیاید خمس آنچه را مانده باید بدهد یا نه ج زیادت از مؤنه
سال نباید بگیرند و اگر گرفتند مالک نمیشوند بلی در زکوة دفعی ضرر ندارد و در خمس دفعی هم بعید
نیست لکن مع ذلک وجوب خمس بر او اضافه از مؤنه سال معلوم نیست س ۱۲ هرگاه زیدی مبلغ
دویست تومان سرمایه تجارت دارد و در یکسال مبلغ بیست تومان از سرمایه صرف
مؤنه خود کرده و در سالهای بعد مبلغ بیست تومان از مؤنه اضافه آمد آیا جایز است خمس آنرا
ندهد تا آنکه سرمایه او همان دویست تومان شود یا نه ج احوط آنست که خمس آنرا بدهد
و بعد جزء سرمایه سال بعد قرار دهد مگر آنکه با دادن خمس نقصانی در سرمایه حاصل شود که نتواند
زندگی خود را با آن سرمایه اداره کند

در بیان بیع و اقسام و احکام آن

س ۱ بیع چیست و چه حکم دارد ج بیع عبارتست از فروختن کسی مالی را بدیگری بعوض
معین و فروشنده را عرب بایع و خریدار را مشتری و مال فروخته شده را مبیع و عوض آنرا
ثمن میگویند و حاصل میشود بیع بایجاب فروختن از طرف بایع و قبول از جانب مشتری و ایجاب
و قبول را عرب صیغه بیع میگویند و معتبر نیست در صیغه بیع اینکه بلغت عرب باشد پس کفایت
میکند در حصول آن اینکه بایع بگوید فروختم این مال را باین عوض و مشتری بگوید قبول کردم اگر قصد
کنند باین دو لفظ انشاء فروختن و خریدن نه اخبار بوقوع آنرا س ۲ آیا بیع معاطات هم
حاصل میشود یا نه باینکه بدهد فروشنده متاع را بخریدار بقصد حصول تملیک بعوض و بگیرد خریدار آنرا
بقصد قبول یا بدهد خریدار عوض را بقصد قبول ج صحت خالی از قوه نیست بلی مشهور بین متأخرین
آن است که مادامیکه عوضین باقی است میتوانند بایع و مشتری رد نمایند مبیع و ثمن را لکن حقیر را
در این حکم تأمل است مگر آنکه در حین دادن و گرفتن قصد تملیک نکرده باشند فقط اراده کرده باشند
اباحه تصرف را بعوض در اینصورت جواز رد عوضین مانعی ندارد س ۳ در بایع و مشتری
چند چیز است و چه شرطی دارد ج پنج چیز اول آنستکه بایع و مشتری هر دو بالغ باشند
پس معامله اطفال صحیح نیست هر چند ده سال داشته باشد بلی هر گاه اطفال در معامله آلت باشند
از طرف فروشنده یا از جانب مشتری که در حقیقت معامله با صاحب مال که بالغ میباشد
باشد صحیح است بشرط آنکه عوضی که بطفل میدهند یقین داشته باشند بصاحب مالیکه در دست
طفل است میرسد تا آنکه معاملات بین دو بالغ واقع شود و بهتر آنست که صاحب مال از طرف
معامله را وکیل کند که هر وقت آن طفل مثلا بیاید برای خریدن وکیل از طرف موکل قبول کند دوم
عاقل بودن بایع و مشتری پس معامله دیوانه صحیح نیست سوم رشید باشند پس معامله سفیه
جایز نیست و سفیه کسی است که خیر و شر خود را در اموال تشخیص ندهد و تضییع اموال خود کند
چهارم آنکه بایع و مشتری مختار و با قصد و با شعور باشند و معامله ایشان مشوب باکراه

و جبار نباشد مگر در صورتیکه از جانب حاکم شرع مجبور بحق باشد در فروختن مثل کسی که غله را حبس کرده باشد و بطمع گران شدن نفروشد و مردمان محتاج بآن غله باشند پس حاکم او را ملزم بفروش کند بلی هرگاه کسی در معامله مجبور باشد و بعد از وقوع معامله راضی بآن شود و معامله را اجازه نماید از ظاهر اقوال علما صحت آن مستفاد میشود لکن احوط اعاده صیغه است پنجم آنکه بایع و مشتری مالک مالی باشند که خرید و فروش میکنند یا در حکم مالک باشند بآنکه پدر یا جد یا وصی یا حاکم شرع که ولی صغار و مجانین و غائبین و مانند اینها است یا وکیل یکی از اینها پس هرگاه شخصی مال دیگری را بدون اذن مالک و بدون ولایت و وکالت بفروشد این معامله فضولی است پس اگر فضولی از جانب خود بفروشد که ثمن برای خود او باشد و بعد مالک اجازه کند آن معامله را برای بایع غاصب صحت آن برای غاصب محل اشکال است و اگر مالک اجازه کند معامله غاصب را برای خود یا فضولی مال را از جانب مالک بفروشد برای خود مالک و مالک هم اجازه کند معامله را صحت معامله برای خود مالک خالی از قوت نیست و بعد از اجازه محکوم است مبیع بملکیت برای مشتری و ثمن بملکیت برای بایع از حین بیع و نماآت و هم تابع اصل است و اگر اجازه نکند مالک بیع فضولی را باطل است در تمام صور س ۴ شرایط ثمن و مثمن را بیان فرمائید ج معتبر است در مبیع و ثمن چند شرط اول آنکه مقدار هر کدام معلوم باشد بوزن یا کیل یا شماره یا مانند آنها که رفع جهالت کند و بسبب آن فریب نخورند و جایز است که موزون را مثلاً بوزن در کیلی بریزند تا پر شود یکدفعه و ضبط وزن آن را نمایند و بعد از آن آن کیل را خالی نمایند و باز آنرا پر کنند بدون وزن و بحساب وزن کیل اول باقی کیلها را حساب نمایند و اگر ثمن و مثمن از چیزهائی باشند که تعیین مقدار آنها بوزن و کیل نباشد مشاهده کافی است دوم آنکه جنس ثمن و مثمن و اوصاف آنکه موجب تفاوت رغبات است معین باشد و اگر کلی باشد باید اوصاف آنرا که قیمت مال بآن تفاوت میکند درست تعیین کنند سوم

آنکه ملک طلق باشد بآنکه متعلق حق غیر نباشد پس بیع رهن جایز نیست مگر باذن مرتهن و همچنین بیع وقف جایز نیست مگر در بعض موارد که استثنا شده چهارم آنکه تسلیم مبیع و ثمن ممکن باشد س ۵ میوه هائیکه بر درختند و اشباه آنها مثل بادام و گردو حکم خرید و فروش آنها را بیان فرمائید ج اگر خرید و فروش آنها بعد از بدو صلاح آنها باشد جایز است مطلقاً بلا اشکال و همچنین است اگر آنها را بفروشد بشرط آنکه چیده شوند در همان حال و اما پیش از بدو صلاح بترقب آنکه بمانند تا برسد پس اگر منضم کنند بر آنها غیر آنها را از حاصل زمین از قبیل سبزیجات و مثل آن یا آنکه آنها را زاید بر یکسال بفروشند اظهر جواز است نیز و اما بیع آنها بدون ضمیمه در یک سال پیش از بدو صلاح بدون شرط چیدن محل خلاف و احوط ترک است س ۶ بدو صلاح چیست ج بدو صلاح در خرما بزرد شدن یا سرخ شدن آنست و در ثمره مو بغوره شدن آنست و در میوه های دیگر بریختن گل و بسته شدن دانه است س ۷ خرید و فروش امثال بادمجان و خیار شبه آنها که بتدریج بحد کمال میرسند و سالی چند مرتبه چیده میشوند چه حکم دارد ج فروش آنها بعد از ظهور یا تعیین یکدفعه چیدن یا زیادتر مانعی ندارد و هم چنین است سبزیجات و تره بار که در هر سال چند دفعه چیده میشود س ۸ فروش گندم و جو در وقتی که خوشه است چه صورت دارد ج بعد از بسته شدن دانه مانعی ندارد و جایز نیست بیع خرما بر درخت بخرما و بیع خوشه گندم و جو بگندم و جو خواه بهمان گندم و جو بفروشد یا بگندم و جو دیگر مگر یک درخت که از دیگری در خانه یا در باغ کسی باشد که جایز است آنرا تخمین کند و حاصل آنرا بخرد یا قبول نماید بشرط آنکه احد عوضین بر حسب تخمینی که کرده اند زیاده از دیگری نباشد س ۹ انواع بیع را بیان فرمائید ج بر چهار قسم است قسم اول نقد بنقد است یعنی هیچ کدام از مبیع و ثمن وعده نداشته باشد و بایع و مشتری حق گرفتن مبیع و ثمن را بعد از بیع داشته باشد دوم بیع نسیه است

وآن عبارتست از فروختن متاع موجود که بر بایع دادن آن بتعجیل لازم باشد بثمنی که مدت داشته باشد و شرط است در صحت نسیه که زمان لزوم اداء ثمن معیّن باشد که محفوظ باشد از زیاده ونقصان پس اگر تعیین نکنند نسیه صحیح نخواهد بود و بعد از گذشتن مدّت بایع حق مطالبه ثمن دارد از مشتری و اگر متمکّن از ثمن در آنوقت نباشد مثل سایر دیون او را مهلت دهند و اگر بگوید این مال را بتو فروختم بیک تومان مثلاً که وقت خرمن بدهی باطل است زیرا که معیّن نمیشود و اگر مشتری پیش از انقضاء مدت مقرره متمکّن شود از دادن ثمن واجب نیست بدهد اگرچه بایع مطالبه کند قسم سوّم بیع سلم است و آن بعکس بیع نسیه است بآنکه ثمن حاضر یا مثل حاضر باشد و اداء آن بتعجیل لازم باشد و اداء مبیع مدت معیّن داشته باشد وطریقهٔ این معامله باینست که خریدار بگوید پیش دادم پول معیّنی را در عوض فلان مقدار جنس که بعد از ششماه مثلاً اداء کنی و بایع بگوید قبول کردم یا بایع بگوید فروختم فلان جنس را که بعد از ششماه مثلاً اداء کنم بفلان مقدار ثمن نقد و مشتری قبول کند و قدر متیقّن از این بیع آنست که مبیع جنس باشد و ثمن نقد نه جنس پس اگر هردو نقد باشد باطل است بلی اگر هردو جنس باشد جایز است بنابر اقوی درصورتیکه جنسین مختلفین باشد لکن رعایت احتیاط خوب است و در بیع سلم پنج چیز شرط است اوّل ذکر جنس یا وصفی که رفع جهالت کند پس بدون ذکر وصف یا باذکر آن بنحویکه رفع جهالت نشود صحیح نیست مثلاً در گوشت ونان بلکه پوست حیوان که ضبط بوصف ممکن نیست بیع سلم صحیح نیست و مرجع ذکر اوصاف عرف است دوّم قبض تمام ثمن پیش از آنکه بایع و مشتری از مجلس بیع جدا شوند و اگر بعض ثمن را پیش از جدا شدن بدهد و بعض را نه بدهد صحیح است سلم نسبت بآن مقدار که داده شده و در مقداریکه داده نشده باطل است وبرای فروشنده خیار فسخ معامله در همان مقدار داده شده ثابتست بلی اگر همان مقداریکه ثمن قرار داده شده بر ذمّه فروشنده باشد

و همان را عوض ثمن حساب کنند مانعی ندارد سوّم تعیین مقدار مبیع بکیل یا وزن بلی درصورتیکه در بیع نقدی جنسی بمشاهده اکتفا شود و تفاوت میان افراد آن کم باشد بنحویکه در عرف سهل میشمارند مثل بعضی اقسام گردو و تخم مرغ و نحو اینها عیبی ندارد چهارم تعیین مدّت بنحویکه مضبوط باشد پنجم آنکه اداء مبیع بعد از انقضاء مدّت عادتاً میسور باشد باین معنی که در موقع اداء کمیاب نباشد

س ۱۰ احکام سلم را بیان فرمائید **ج** در اینجا مناسب است بیان چند مسئله اوّل جایز نیست فروختن مبیع بسلم را پیش از انقضاء مدت و بعد از آن جایز است که آن متاع را بفروشد اگرچه قبض نکرده باشد لکن در غلّه فروختن آن پیش از قبض گرفتن مکروه است واحوط آنست که بزیاده از آنچه خریده است نفروشد درصورتیکه بهمان جنس که خریده بفروشد دوّم آنکه بعد از انقضاء مدت مبیع را بهمان وصفی که معین کرده بودند بدهند واجب است بر مشتری قبول آن مگر آنکه راضی شود بخلاف آنکه آنچه بایع میدهد پست تر از مقرر باشد که قبول آن واجب نیست و هرگاه جنس بالاتر بدهند در وجوب قبول آن خلاف است ولی وجوب قبول آن خالی از قوت نیست درصورتیکه مصداق آن چیزی باشد که خریده شده سوّم اگر بعد از انقضاء مدت دادن مبیع متعذّر شود مشتری مختار است که بیع را فسخ کند و مطالبه ثمن کند یا صبر کند تا زمان قدرت بایع چهارم اگر بایع غیر جنس مبیع را بمشتری بدهد و او راضی شود عیبی ندارد قسم چهارم بیع دین بدین که زمان اداء هردو مؤخر باشد و آنرا کالی بکالی گویند و در شریعت مطهره محرّم و باطل است

س ۱۱ اهل دیوان اموالی دارند که محتمل است مال حلال در آنها و بعض اوقات معلوم است حلال بودن بعض اموال آنها ولو باینکه در بعض معاملات بذمّه میخرند و بعد وجه را ببایع میدهند چنانچه فعلاً متعارف است نزد مردم اموالیکه معلوم نیست حرمت آنها گرفتن و تصرف نمودن و خریدن و فروختن چه صورت دارد **ج** مادامیکه خصوص این وجه را نمیدانند حرام نیست باحتمال حلیت جایز

وحلال است بحسب ظاهر شرع انور س ۱۲ جوهریات متنجسه را که بعض اوقات شخص
مریض محتاج میشود بیع وشراء آنها جایز است یا نه ج علماء اعلام خرید و فروش اشیاء
متنجسه غیر قابل تطهیر را که سیره بر آن جاری نیست جایز نمیدانند مگر روغن بجهت روشنائی
ولی احتمال نجاست جوهریات معلوم نیست از شکر و قند و چائی زیادتر باشد واگر شخص
عطار قصد خرید و فروش نکند پولی بدهد چیزی بدست بیاورد تا حاجت دیگری را قضا کند
پولی بگیرد ظاهراً مانعی ندارد س ۱۳ ربا چگونه است و چه حکم دارد ج جنسی را که
مکیل و موزون باشد بهمان جنس فروختن بزیادتی رباست مثل یکمن گندم بیکمن و نیم بلکه
یکمن گندم بیک من گندم که یکماه دیگر مثلاً بدهد ربااست بلکه یکمن گندم بیکمن گندم و
یک مثقال نبات مثلاً و گندم و جو و همچنین گوشت گوسفند یا گوشت بز و یا گوشت
گاو و یا گوشت گاومیش و ماست و کشک و پنیر هر حیوانی و سرکه انگور و انگور و امثال
آنها در ربا یک جنس است و یک جنس بودن شیر با روغن محل نظر است س ۱۴
ربا قرضی کدام است ج هر قرضی را که قرار دهند قرض گیرنده نفعی بقرض
دهنده برساند ربا و حرام است اگرچه کم باشد و هر گونه نفعی بوده باشد از پول یا متاع یا عمل
یا غیر آنها ولکن اگر بدون قرار و معهود نبودن آن قرض گیرنده زیادتی بدهد باو
حرام نیست بلکه مستحب است و ربا از محرمات بزرگ و بسیار تشدید در حرمت دارد ※
س ۱۵ فرار از ربا چگونه است ج حضرت پروردگار عالم جلت عظمته از کمال رأفت
وعنایت فرار از چنین گناه کبیره را بر بندگان خود سهل و آسان نموده و طریق خلاص گردیدن
از آنرا فرموده مثل اینکه در طرفیکه کمتر است یک چیزیکه قیمت داشته باشد و مجهول نباشد
از غیر آن جنس بگذارند که معامله با نضمام آن شود مثل یکمن گندم با یک پول سیاه را
بیکمن و نیم المعامله نمایند ربا و حرام نیست س ۱۶ ربا مخصوص بیع است ج ربا

در همه معاملات حتی صلح شرعاً ثابت است س ۱۷ ربا در میان چند نفر نیست ج
چهار نفر اول پدر و فرزند نسبی نه رضاعی دوم شوهر و زن دائمی سوم آقا و بنده
چهارم مسلم و کافر حربی که زیادتی را مسلم بگیرد س ۱۸ زید پولی از عمرو میگیرد برات میدهد
که در فلان ولایت آنوجه را با زیادتی بطرف عمرو بدهد چطور است ج اگر قرض
نمود که در ولایت دیگر بدهد با زیادتی ربا میشود مگر آنکه زیادتی را در مقابل زحمت طرف
عمرو قرار بدهند که در ولایت دیگر سعی کند در تحصیل آنوجه و بفرستند نزد عمرو که طلبکار
است معادل آنچه قرض داده بابت قرض بردارد که برای امثال این گونه زحمات حق
السعی گرفتن عیب ندارد س ۱۹ جواز گرفتن ربا از مطلق کفار است یا مخصوص است بحربی
و کفاریکه در بلاد اسلام هستند و بشرایط ذمه عمل نمیکنند و مسلمانان از ایشان خائف میباشند
آیا حربی هستند یا خیر ج در غیر کفار حربی معلوم نیست و اهل ذمه که در بلاد اسلامند
اگر در امان اسلام باشند حربی نیستند س ۲۰ هرگاه شخص مثلا یکصد تومان قرض کند که منفعت
بدهد بقرض دهنده این یکصد تومان شرعاً ملک این شخص میشود که بیع و شری کند و لباس
بخرد و بپوشد یا غذائی از آن بخرد و بخورد یا نه ج صد تومان ملک گیرنده شرعاً
نشده اگر قطع نظر از معامله مالک راضی بتصرف آن پول بوده جایز است تصرف کند
س ۲۱ وجوهاتیکه بیع و شرا میشود مثل مجیدی و ریال فرانسه دادن و قران گرفتن
چه نوع است که فرار از ربا باشد بیان فرمائید ج در طرف کمتر مثلاً یک پول سیاه
بگذارند س ۲۲ بیع صرف کدام است ج طلا بطلا یا نقره بنقره یا یکی از آنها بدیگری
بیع صرف است و شرط است که پیش از جدا شدن از یکدیگر گرفته و قبض شود والا باطل
است و ظاهر اینست که اگر مصالحه نمایند گرفتن در مجلس شرط نباشد لهذا کار آسان میشود ※
س ۲۳ هرگاه زید و عمرو در بلدی هستند و هریک در بلد دیگر شریک دارند زید بعمرو

میگوید بنویس شریک خود ده لیره از این تاریخ الی یکماه دیگر بده بشریک من و قیمت لیره را
در آنجا قطع مینمایند که چند قران میشود و قرار میدهد یکماه دیگر در اینجا پول سفید از قرار قیمت لیره
که قطع شده بدهد و در موعد هم میدهد جایز است یا نه و اگر جایز نیست آن قسمیکه صحیح است
بیان فرمائید ج ظاهر آنست که اگر ده لیره را مصالحه کنند بپول سفیدیکه میدهد مانعی
ندارد س ۲۴ اگر کسی پول بتاجری داد که در ولایت دیگر کمتر از آن بخود وی یا بشخص دیگر
بدهد این زیادتی که اسمش صرف برات است چه صورت دارد ج اگر قرض داده
بتاجر و شرط نموده که آنوجه را در ولایت دیگر کمتر بدهد آن زیادتی چون از طرف
قرض دهنده میباشد جایز است ولکن احوط اجتناب است و اگر زیادتی در مقابل زحمت رسانیدن
آنوجه بولایت دیگر قرار دهد هیچ عیبی ندارد س ۲۵ بیع نقد و نسیه باهم چگونه است ج
دو صورت دارد یکی آنکه چیزی را میفروشد بنقد یک تومان و تا ششماه مثلا بدو تومان
که هر گاه مشتری نقد بدهد قیمت یک تومان اگر بعد از ششماه بدهد قیمت دو تومان مشکل است
و صورت دیگر آنستکه چیزی را میفروشند بدو تومان مثلا یک تومان را نقد بدهد و یک
تومان دیگر را ششماه دیگر این صحیح است س ۲۶ تنزیل چگونه است ج جایز است چیزی را
که بوعده فروخته بده تومان مثلا نصف موعد که گذشت مثلا دو تومان کم میکند و
هشت تومان میگیرد س ۲۷ قبض و احکام آن چیست ج قبض مبیع را بخریدار و دادن قیمت را
بفروشنده رسانیدن است و آن واجب است بعد از عقد اگر شرط تأخیر در ثمن نشده باشد
که نسیه است یا تأخیر مبیع که سلف است نشده باشد چه قیمت در اول و مبیع در دوم واجب
نیست تسلیم آن مگر بعد از مدتیکه قرار داده اند و قبض هر چیزی بنحوی است علیحده
مثلا قبض زمین و خانه و باغ و امثال آن که منقول نیست دست برداشتن فروشنده است و خریدار را
تمکین در تصرف دادن و مانعی از جانب او نبودن و در پول و متاع و حیوان و سفینه آلات

و امثال آن که منقول است دست مشتری بر آن گذاردن یعنی در حیطه تصرف و مسلط بودن فعلی
او بر منقولات در آوردن است س ۲۸ تفصیل رأس المال گفتن در بیع چیست ج بهتر
آنست که اصلا اسمی از رأس المال نیاورد و بفروشد و اگر بنا بر گفتن شد چه مساوی رأس المال
بفروشد یا کمتر یا زیادتر باید رأس المال را بتمام خصوصیاتیکه در مالیت مدخلیت دارد ذکر کند
از اینکه چه پولی یا چه نحو جنسی بوده یا وعده بوده یا معیوب بوده یا نبوده بهیچوجه دروغ و حیله
نکند س ۲۹ اگر رأس المال را زیادتر گفت چگونه است ج خریدار اختیار دارد آن معامله را
فسخ کند و اختیار دارد که بهمان قیمت که خریده قبول نماید س ۳۰ در این خرید و فروشها از خوردنیها
و پوشیدنیها و غیر آن که مردم با آنها مبتلا هستند بواسطه جهل باحکام شرعیه و بی مبالاتی غالب
ایشان باطل و فاسد است مثل آنکه مجهول است یا نسیه است و مدت آن معلوم نیست و امثال
آن چه باید کرد ج اگر چه معامله بیع و شرائی نیست شرعا ولی تصرف در آنها اگر قطع نظر از
معامله مالکش راضی باشد عیب ندارد چونکه پنیر فروشنده نزد عمرو خریدار است
و پول عمرو نزد زید است و او راضی است در اینحال تصرف پنیر را و این راضی است
تصرف پول را اگر معامله نباشد و این را اباحه بعوض مینامند و چنین است اجاره کاروانسرا
و خانه که غربا روزانه اجاره میکنند و معلوم نیست که چه قدر میمانند میگویند شبی فلان
مبلغ زیرا که موجر راضی است که آن غریب مثلا در آن منزل بماند و آخر حساب کند
و از روی قرار پول بدهد اگر چه اجاره او صحیح نباشد ولهذا هر وقت بخواهد او را بیرون
کند شرعا میتواند س ۳۱ هر گاه زید بعمرو دلالی جنسی بدهد که بقیمت معینی بفروشد
و عمرو بزیادتر از آن قیمت بفروشد آیا زیادتی مال زید است یا عمرو ج مال زید
است س ۳۲ شخصی پول بقصاب میدهد که مخصوصا گوشت نر بمن بده و او در عوض
گوشت ماده بدهد اولا آن پول برای قصاب حلال است یا حرام ثانیا مشتری

اختیار فسخ دارد یا نه ج مسئله صور مختلفه دارد و در بعض صور پول بر قصاب حرام است
و آن پول بر ملک خریدار باقی است معامله باطل است حاجت بفسخ ندارد س ۳۳ هرگاه پارچه را
بصباغ بدهد که رنگ نیلی نماید و رنگ جوهری نماید آیا صباغ بری الذمه است یا نه ج
بری الذمه نیست س ۳۴ اگر زید جنسی بخرد و از برای آن مشروط بر آنکه رنگ آن نرود و او جنسی بدهد
که رنگش برود و این پول بر او حلال است یا نه ج درصورتیکه شخص جنسی را باین وصف
خریده و بعد تخلف وصف آن ظاهر شده از برای خریدار اختیار فسخ است پس اگر فسخ نکند پول
برای بایع حلال است ولکن خیانت کرده و اگر فسخ کند آن پول حرام خواهد شد س ۳۵ -
خیار فسخ در چند مقام است ج ده مقام اول خیار مجلس که فروشنده و خریدار مادامیکه
در مجلس خرید و فروش باقی میباشند هر یک میتوانند معامله را فسخ نمایند بلکه اگر با هم برخیزند
و بروند تا از هم جدا نشده اند باز هم خیار دارند و بعد از تفرق ایشان خیار مجلس نیست دوم
خیار حیوان کسی حیوانی یا غلام و کنیزی بخرد تا سه روز مشتری خیار فسخ دارد و اگر حیوانی
بحیوانی عوض کنند دور نیست هر دو تا سه روز خیار داشته باشند سوم خیار شرطی
که فروشنده و خریدار یا یکی از ایشان در مدت معینی شرط خیار بگذارند برای خود یا از برای
مطلق یا هر خصوصیتی از زمان یا مکان یا اشخاص و مثال آن هر نحو که قرار دهند مثل آنکه مشروط
باشد خیار برد ثمن که بیع شرطهای متعارف چنین است و بی عیب است اگر قصد آنها حقیقت
خرید و فروش است نه مجرد قرض گرفتن و منفعت دادن چهارم خیار تخلف شرط
باینکه در معامله یکی از متعاملین شرط کند بر دیگری وجود وصفی را در مبیع یا ثمن یا عملی را و او
تخلف شود از برای مشروط له خیار فسخ معامله ثابت است پنجم خیار غبن فروشنده یا
خریدار که از اهل خبره نباشند یا غفلت نمایند و چیزی از قیمت عادله زیاد تر بخرد مشتری
خیار غبن دارد و اگر کمتر بفروشد فروشنده خیار دارد و پس اگر فروشنده و خریدار عالم بقیمت

باشند خیار فسخ ندارند و باید زیادتی یا کمی مقداری باشد که عرفاً بآن در این معامله اعتنائی باشد
ششم خیار تأخیر کسی چیزی بفروشد بنقد و مبیع بمشتری و قیمت ببایع نرسیده باشد
تا سه روز بعد از سه روز فروشنده خیار فسخ دارد و اگر چیزی باشد که بماندن یکروز ضایع
و فاسد شود و تا شام قیمت را نیاورد فروشنده نیز خیار فسخ دارد هفتم خیار رؤیت
کسی جنس معینی را بعلامت و وصف خرید یا قیمت را چنین بیان نماید هرگاه بعد از دیدن
معلوم شد چنین نبوده خریدار در اول و فروشنده در دوم خیار فسخ دارد هشتم خیار عیب
کسی چیزی را بخرد و نداند که معیب است بعد معلوم شود که عیب دارد خریدار خیار فسخ دارد و
میتواند فسخ نکند و تفاوت که ارش است بگیرد س ۳۶ میزان عیب چیست ج هر زیادتی بر اصل
خلقت نوع چیزی یا کمی از آن غالباً عیب است اگرچه موجب زیادتی قیمت شود مثل اختگی
غلامان و موی عانه نداشتن کنیزان نهم خیار تدلیس فروشنده در مبیع خریدار در قیمت عملی کند
که در نظر بهتر آید که بآن قیمت زیاد میشود مثل مشاطه گی کنیزان و آرایش حیوان و رنگ و روغن زدن
بعض اجناس یا گاو و شتر و گوسفند را چند روز در شیر آنها را ندوشند که بنظر حیوان پر شیر آید بعد از
مطلع شدن بر آن حیله خیار فسخ دارد دهم خیار شرکت است کسی جنسی را بخرد یا قیمت قرار
دهد بعد معلوم شود که بعض از آن از غیر است میتواند فسخ نماید و میتواند قبول نموده و شریک
با آن غیر شود و آنچه وجه در مقابل مال آن غیر بوده بگیرد و همچنین اگر دو چیز را با هم بفروشند یا قیمت
قرار دهند و یکی از آن دو مال غیر باشد یا قیمت نداشته باشد نیز خیار دارند و این را خیار تبعض
صفقه میگویند یازدهم خیار تعذر تسلیم است کسی بنده بفروشد مثلاً و پیش از آنکه تسلیم مشتری نماید
بنده بگریزد که مالک نتواند او را پیدا نماید خریدار خیار فسخ دارد و برای خیارات احکام
چندی است که این مختصر گنجایش بیان آنرا ندارد و در رسائل مفصله مسطور است س ۳۷ بیع
شرطهائیکه معمول است باین قسم که خانه هزار تومانی را میفروشند به بیع شرط بمبلغ

دویست تومان ولی نه بایع قصد فروش دارد و نه مشتری قصد خریدن بلکه بعض اوقات میشود
که مشتری میگوید یکصد تومان زیادتر در بیع قرار بده من نمیخواهم خانه ترا تصاحب کنم بایع میگوید
همینقدر بس است منکه نمیخواهم خانه خودم را بفروشم این معامله صحیح است یا نه ج در بیع شرط
اگر قصد خرید و فروش نکنند بی شبهه باطل است لکن اگر قصد دارند ولی از یکدیگر مطمئن نمیباشند که هرگاه
اگر عمل بشرط هم نشود ملک را باو رد خواهد نمود مانعی ندارد و بایع در اینصورت بداند که اگر فرضاً
بعد از لزوم پیش از رد مشتری بمیرد حرام است مطالبه نماید مگر خصوصاً اگر ورثه مشتری صغیر
باشند س ۳۸ اقاله چیست ج فسخ نمودن دو طرف معامله را و بهم زدن برضایت یکدیگر
اقاله است و آن در بیع و اجاره و رهن و امثال آن ثابت است

در بیان رهن و احکام آن است

س ۱ رهن چه و کجا است ج رهن گرو گذاشتن مدیون است نزد طلبکار چیزی را که
وثیقه دین او باشد و شخص گرو گذارنده را راهن و گرو گیرنده را مرتهن گویند و حاصل میشود بایجاب
از طرف راهن و قبول از طرف مرتهن بهر لفظی که دلالت بآن کند خواه عربی باشد یا فارسی یا
غیر اینها رهن باید عین آن قابل فروش باشد مثل خانه و حیوان و طلا و نقره و مخصوص قرض
نیست در مبیع سلف و قیمت نسیه و امثال آن نیز ثابت است و باید مرتهن قبض نماید اگر در قبض
او نباشد و برضایت راهن مقبوض شود و ملک خود راهن لازم نیست مال دیگر را باذن او
میتواند رهن دین دیگری گذارد و رهن از طرف راهن لازم است یعنی تا دینی که بازاء آن رهن
داده ندهد نمیتواند فسخ نماید و اگر مدت مقرر شود بعد از آن مدت مرتهن براهن رجوع میکند
اگر دین او را ادا داد رهن را باو میدهند و اگر شرط نمود که وکیل در فروش باشد مرتهن میفروشد
و استیفای دین خود را مینماید حتی اگر مال دیگری بوده و باذن او رهن گذارده شده و در فروش

عین مرهونه رجوع بحاکم نماید با امکان و در صورت عدم امکان میتواند خود مرتهن بفروشد س ۲
کسی که طلبی از کسی داشته باشد میتواند مالی از او گرو نگاه دارد یا بدون رضایت او بگیرد تا طلب
او را بدهد یا نه ج گرو برداشتن بدون رضای مالک صحیح نیست مطلقاً بلی اگر مدیون ممتنع
باشد از اداء دین بعد از حلول آن و ممکن باشد و زاید بر مستثنیات دین اگر بدست داین بیاید
از باب تقاص میتواند تملک نماید بتفصیلی که در محل خود مذکور است س ۳ رهن باید همیشه
نزد مرتهن باشد یا نه ج نباید همیشه باشد یک لحظه قبض در صحت رهن کافیست و منافع
رهن از مالک آن است و تصرف هر دو در رهن که ضرر برهن داشته باشد جایز نیست مگر
برضایت دیگری

در بیان صلح و مصالحه است

س ۱ حقیقت صلح چیست ج صلح با هم برآمدن و سازش نمودن و از یکدیگر
گذشتن است و لازم نیست بعد از نزاع و گفتگو باشد و عقدی است علیحده در مقام
بیع و اجاره و هبه و ابراء و نحو آن جاری است و فایده آنها را دارد و بعضی احکام
آنها را مثل قبض در مجلس در بیع صرف ندارد و بعضی احکام علیحده دارد مثل اینکه مجهول باشد
ضرر ندارد ولی اگر معلوم نمودن مشقتی ندارد معلوم نمایند و با اقرار و انکار هم صلح میشود
بلکه در مجرد دعوی صلح صحیح است ولی بسیاری از صلحها در دنیا فایده دارد اما در آخرت
اگر بری الذمه نمود خواهد از او گرفت بلی صلح محاباتی که غرض مصالح بخشیدن است مثل پدر و
پسر که یک خانه را بجزئی چیزی صلح میکنند اشکالی ندارد س ۲ غبن در صلح
جاری است یا نه ج بلی جاری است ولی نه بحد بیع مثلاً اگر وارثی بوارث دیگر ارث خود را
مصالحه نماید بصد تومان یا طلب خود را از کسی باین مبلغ و نداند در واقع چقدر است هر قدر

احتمال بدهد زیاد تر از پانصد تومان مثلاً احتمال نمیدهد بعد معلوم شد هزار تومان بوده مثلاً
خیار غبن از برای مصالح ثابت است س ۳ دو شریک میخواهند تفریق شراکت نمایند صلح
آن چگونه است ج هر گونه باهم صلح کنند ضرر ندارد حتی اگر راضی شود که یکی از آنها فقط
رأس المال خود را بردارد س ۴ خواستن مدعی علیه صلح را از مدعی قرار بادعاء او است
یا نه ج اقرار نیست و بسیاری صلح را به بیع اشتباه کرده اند چون اگر بگوید بمدعی
بمن بفروش علما میفرمایند اقرار است س ۵ صلح قهری کدام است ج در مقامی که
طریق شرعی منحصر بصلح باشد یا اگر صلح نکنند فساد و فتنه و ضرر خواهد رسید بنظر حاکم
شرع انور صلح واقع میشود اگر چه رضایت نباشد

در بیان ضمان است

س ۱ ضمان چگونه است ج ضمان آنستکه ضامن شود که طلب زید را از عمرو بدهد
چه قرض چه سلف چه نسیه چه دیه و چه مثال اینها و بضمانت دین بذمه ضامن قرار میگیرد
و ذمه مدیون بری میشود و باید منجزاً بگوید و اگر بگوید اگر او نداد من میدهم ضمانت باطل است
ولی بیچاره را مغرور نمایند و در ضمانت رضایت مدیون شرط نیست ولی رضایت
طلبکار شرط است و ضامن از مدیون پس از اداء وجه تضمانه آنوجه را مطالبه میتواند نمود
مگر آنکه بخواهش خود مدیون ضامن شده باشد

در بیان حواله است

س ۱ شرایط حواله چیست ج اول رضایت محیل که آن کسی استکه حواله میکند دوم
رضایت محتال و آن کسی استکه حواله را قبول میکند که آنچه از محیل طلب دارد و محیل او را حواله

نموده که از دیگری بگیرد راضی باشد که از آن دیگری بگیرد و قبول حواله را نماید سوم رضایت محال علیه و
آن همان دیگری استکه دادن طلب باو حواله شده بود در صورتیکه مدیون محیل نباشد بآنچه باو حواله شده
والا رضایت او لازم نیست و بعد از تحقق حواله ذمه محیل بری میشود و ذمه محال علیه مشغول بمحتال میشود و
شرط نیست مشغول الذمه بودن محال علیه از برای محیل بلکه حواله بر بری بعد از قبول سایر شرایط لازم است
و هیچکدام نمیتوانند فسخ نمایند مگر اینکه معین شود بعد از حواله که محال علیه فقیر و معسر بوده

در بیان کفالت است

س ۱ کفالت چیست ج کفالت آنست که شخصی متعهد شود که هر وقت طلبکار مدیون خود را
خواست او را حاضر نماید و هم چنین اگر ادعائی بکسی دارد متعهد شود هر وقت بخواهد مرافعه نماید او را
حاضر سازد و کفالت مثل حواله لازم است با شرایط آن و اگر مکفول خود حاضر شد از کفیل ساقط میشود و
اگر بسفر رفته کفیل را مهلت میدهند بمقداریکه بنحو متعارف از آن سفر بیاید و او را حاضر کند س ۲ اگر
کسی مدیونی را از دست طلبکار رها نمود چگونه است ج اگر دیگر طلبکار دسترسی باو ندارد
باید رها کننده مدیون را حاضر نموده بطلبکار بدهد

در بیان اجاره است

س ۱ اجاره بچه متعلق میشود ج متعلق بعین است مثل خانه و حیوان و زمین و فایده
آن ملکیت منفعت است برای مستاجر و آنچه اجاره داده میشود مدت اجاره آن باید معلوم باشد
و اگر عمل باشد مانند خیاطة ثوب مدت لازم نیست و منزل بر متعارف است و بعد از تحقق اجاره وجه
اجاره منتقل بموجر و منفعت منتقل بمستاجر میشود و بموت باطل نمیشود اگر شرط استیفاء بنفسه نشده
س ۲ عین مستاجره را میتوان بدیگری اجاره داد یا نه ج اگر شرط استیفاء بنفسه نشده

در همان وجه اجاره بدهند بی شبهه است و الا تفصیل دارد س ۳ اجاره عبادات چگونه است
ج صحیح است مثل یکسال نماز بجهت قرآن و یک حجه بجهت تومان مثلا س ۴ بچه اشخاص باید داد
ج باشخاصی که وثوق و اطمینان بعمل آوردن ایشان هست میتوان داد ولی اگر وصی باشد
و قرینه نبوده مهما امکن بعادل بدهند س ۵ اجیر عبادت را بدیگری میتواند داد یا نه ج اگر
چنانچه اجیر شده است برای ایجاد عمل بالمباشره نمیتواند و اگر اجیر شده برای تحصیل عمل اعم
از اینکه خود بجا آورد یا غیر میتواند ولی درصورت اطمینان باتیان آن غیر س ۶ کرایه منزل
شبی یک قمری یا یکقران که معمول زوار و غربا است چگونه است ج صحیح است اگرچه اجاره
نیست و لزوم ندارد و هر وقت هر یک بخواهند بهم بزنند میتوانند ولی هر دو طرف که فعلاً
راضی میباشند تصرف جایز است س ۷ مستاجر ضامن در تلف هست یا نه ج
مستاجر اجیر حمل متاع یا مثل آن از مکاری و کشتی بان و غیر آن تلف ضامن نیستند مگر آنکه
بر ایشان شرط کنند اداء مقدار معینی در صورت تلف نه بعنوان ضمان بلی اگر بغیر
قرار داد صاحبخانه یا متاع عمل نمایند ضامن خواهند بود حضرت پروردگار عالم عز اسمه
توفیق تعلیم و تعلم مسائل دینیه و احکام شرعیه عنایت فرماید چه در اخبار و آثار وارد
شده که طلب علم واجبست بر هر مسلم و مسلمه والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

در بیان وصیت است

س ۱ معنی و کیفیت وصیت را بیان فرمائید ج وصیت عبارت است از
سفارش کردن کسی بشخصی یا اشخاصی که امور مربوطه باو را بعد از او انجام دهند خواه متعلق باشد
بخود وش از قبیل آنکه مرا در کجا دفن کنید یا آنکه بر من که نماز بخواند یا غسل دهد و نحو اینها یا بمال
او مثل آنکه بگوید چیزی از مال مرا بفلان بدهید یا چیزی از مال من بعد از من مال فلان باشد

یا باشخاصی که امر آنها بید او است مثل آنکه بگوید امر اولاد من بعد از موت من با زید باشد
پس این سفارش را وصیت گویند و سفارش کننده را موصی گویند و چیزیکه سفارش باو شده
موصی به و شخصی را که باو سفارش کرده این مطلب را وصی گویند و چنانچه سفارش او
بنفع کسی باشد او را موصی له گویند و حاصل میشود وصیت بانشاء موصی سفارش مذکور را
بهر لفظی که باشد خواه عربی باشد یا فارسی و احتیاج بقبول کسی ندارد بلی اگر وصیت کرده
باشد باینکه از مال من چیزی را بکسی بدهید یا اینکه چیزی از من ملک کسی باشد بعد از موت
من مالک شدن آن شخص آن چیز را محتاج است بقبول و لکن پیش از قبول هم حق مالک شدن
او را دارد بنفس سفارش موصی پس اگر پیش از قبول بمیرد حق قبول و مالکیت منتقل بورثه میشود
اگر قبول کردند مالک میشوند فعلاً و الا فلا و نیز شخصی که سفارش باو شده قبول او در
وصی بودن برای میت و وجوب عمل بر وصایای او معتبر است پس اگر قبول کند واجب
است عمل کند بوصایا و اگر قبول نکند واجب نیست بلی اگر مطلع نشود بوصیت مگر بعد از موت موصی
یا قبل از موت او در حالیکه متمکن از وصیت کردن بدیگری نیست بواسطه شدت مرض نمیتواند
رد وصیت نماید س ۲ هرگاه موصی وصیت کند بواجب مالی مثل اداء دین و حج و
خمس و زکوة و مظالم یا وصیت نکند و وارث مطلع باشد که بر ذمه او است آیا از اصل
مال باید داده شود یا از ثلث ج از اصل مال باید داده شود اما در حج کفایت میکند حج
میقاتی اگر وصیت بحج نکرده باشد و الا باید حج بلدی برای او بگیرند س ۳ هرگاه
شخصی در مرض موت خود مالی را بدیگری ببخشد یا بفروشد بکمتر از قیمت چه صورت دارد ج
منجزات مریض و معاملات محاباتیه اش صحیح است و مقدار ثلث و زائد بر آن احوط مصالحه
با ورثه است س ۴ هرگاه کسی وصیت کند در واجب مالی و غیر واجب و ثلث مال او
وفا نکند بوصیت او چه کنند ج واجب را بر غیر واجب مقدم دارند اگر وصیت کرده

که همه را از ثلث بدهند و همچنین واجب مالی را بر واجب بدنی مقدم دارند س ۵ اگر کسی وصیت کند بعد از آن برضد وصیت اول وصیت کند تکلیف وصی چیست ج باید بوصیت ثانیه عمل کند س ۶ آیا وصی که ولی صغیر باشد میتواند مال و را قرض بردارد یا نه ج خالی از اشکال نیست مگر آنکه صلاح صغیر باشد بشرط آنکه وصی مالدار باشد بلکه وثیقه هم بگذارد بنابر احوط

در بیان احکام ارث است

س ۱ کیفیت و احکام ارث را بیان فرمائید ج ارث یا بنسب است یا بسبب وارث نسب سه مرتبه دارد که احدی از مرتبه تالیه با وجود یکنفر از مرتبه سابقه که مانع شرعی نداشته باشد ارث نمیبرد مرتبه اولی پدر و مادر و همچنین فرزند میت است الاقرب فالاقرب مرتبه دوم جد و جده است هر قدر بالا رود و خواهر و برادر و هرگاه برادر و خواهر مرده باشند اولاد آنها الاقرب فالاقرب بجای ایشان ارث میبرند مرتبه سوم عمو و عمه و خالو و خاله و با نبودن ایشان اولاد ایشان الاقرب فالاقرب و بعد از ایشان اعمام و عمات پدر و مادر و اخوال و خالات پدر و مادر و با نبودن ایشان اولاد ایشان الاقرب فالاقرب و سبب ارث دو چیز است اول زوجیت یعنی زن میت یا شوهر او و اینها با جمیع طبقات وارث نسبی و سببی ولائی جمع میشوند و ارث میبرند دوم ولاء و ولاء سه مرتبه دارد مرتب که با وجود مرتبه سابقه لاحقه ارث نمیبرد اول ولاء عتق دوم ولاء ضامن جریره سوم ولاء امامت س ۲ سهام ارث که در کتاب خدا ذکر شده و آنها را فرایض گویند چند است ج شش است اول نصف دوم ربع سوم ثلثان چهارم

ثلث پنجم سدس ششم ثمن اما نصف پس آن سهم زوج است بشرط آنکه میت اولاد نداشته باشد و ولد ولد بجای ولد است و نیز سهم بنت واحده است درصورتیکه میت پسر نداشته باشد و نیز سهم خواهر پدر مادری است یا خواهر پدری تنها با نبودن پدر مادری و اما ربع سهم شوهر است با وجود فرزند برای زن اگرچه فرزند از شوهر دیگر باشد و نیز سهم زوجه است با نبودن فرزند برای میت چه از آن زوجه یا زوجه دیگر و اما ثلثان سهم دختران متعدد است دو نفر یا زیادتر درصورتیکه پسر نداشته باشد و سهم خواهران پدر مادری یا پدری تنها با نبودن خواهر پدر مادری و اما ثلث سهم مادر است درصورتیکه والدین تنها وارث باشند و حاجبی برای او نباشد چنانکه می آید و نیز سهم اخوه مادری متعدد است دو نفر یا زیادتر اعم از آنکه همه مذکر باشند یا همه مؤنث باشند یا بعضی مذکر و بعضی مؤنث و اما سدس سهم هر یک از ابوین است با بودن ولد برای میت و ولد ولد بجای ولد و نیز سهم مادر است با بودن حاجب که اخوه میت باشد و نیز سهم یکی از برادر یا خواهر مادری که او را کلاله گویند و اما ثمن سهم زوجه است با بودن ولد برای میت اگرچه از غیر آن زوجه باشد و فرق نیست میان آنکه زوجه یکی باشد یا متعدد پس اگر میت زنهای متعدد داشته باشد ثمن بالسویه مابین ایشان تقسیم میشود س ۳ در مرتبه اولی اگر وارث منفرد یا متعدد باشد چه میبرد ج اگر یکنفر است تمام مال را بقرابت میبرد و اگر دو پسر یا زیادتر است مال را بالسویه تقسیم نمایند و اگر یک دختر باشد نصف مال را بفرض میبرد و نصف دیگر را بقرابت و اگر دو دختر یا زیادتر باشد دو ثلث را بفرض میبرند و تتمه را بقرابت و اگر اولاد ذکور و اناث باشند لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ قسمت کنند و اگر وارث او منحصر بپدر است همه را بقرابت میبرد و اگر منحصر بمادر است ثلث مال را بفرض میبرد و تتمه را بقرابت و اگر وارث منحصر بپدر و مادر باشد مادر ثلث را بفرض میبرد درصورت نبودن حاجب و درصورت وجود حاجب مادر سدس میبرد و تتمه را پدر میبرد

ومراد بحاجب که مانع از ثلث بردن مادر باشد آنستکه میّت دو برادر یا یک برادر و دو خواهر
یا چهار خواهر داشته باشد که همه پدری باشند که با وجود اخوه ارث مادر منحصر بسدس است
بالفرض ولکن اخوه تتمه را ارث نمیبرند پس اگر در طبقهٔ اوّلی غیر مادر کسی نباشد مادر تتمه را بقرابت
نیز میبرد و اگر پدر میّت هم باشد تتمه را پدر میبرد و اگر وارث او پدر و مادر و پسر باشد هر کدام
از پدر و مادر سدس میبرند و تتمه از پسر است و اگر دختر هم داشته باشد تتمه را پسر و دختر
لِلذَّکَرِ مِثلُ حَظِّ الأُنثَیَین قسمت کنند و اگر با ابوین دو پسر داشته باشد سدسان را
والدین و تتمه را اولاد بالسّویه قسمت کنند و اگر زوج یا زوجه با ابوین باشد بدون اولاد زوج
یا زوجه نصف یا ربع میبرند که نصف و ربع نصیب اعلای آنها است و ثلث مال
مادر و بقیه مال پدر است و اگر اولاد هم داشته باشد زوج یا زوجه ربع یا ثمن میبرند
و سدسان از ابوین و تتمه از اولاد است و اگر با ابوین یکدختر داشته باشد ابوین سدسان
و دختر نصف را میبرد بالفرض و تتمه را که سدس است بقرابت اخماساً قسمت کنند باینکه سه
خمس سدس را بدختر دهند و دو خمس سدس مال ابوین است بالسّویه و اگر احد ابوین با بنت
واحده باشد سدس از پدر یا مادر است و نصف از دختر و تتمه را که ثلث مال است بقرابت
ارباعاً قسمت کنند یک ربع ثلث از احد ابوین و سه ربع ثلث از دختر و اگر ابوین و دو دختر
یا بیشتر داشته باشد سدسان از ابوین و تتمه که دو ثلث مال باشد بین دختران قسمت
شود بالفرض و اگر احد ابوین و دو دختر یا بیشتر داشته باشد احد ابوین سدس میبرد
و دو ثلث بین دو دختر است و سدس باقی مال بقرابت اخماساً قسمت شود یک خمس
از احد ابوین و چهار خمس بین دختران بالسّویه و اگر زوج یا زوجه با ابوین یا احد ابوین باشد و بنت
یا بنتین فصاعدا باشد زوج یا زوجه نصیب ادنی یعنی ربع یا ثمن را میبرند و ابوین یا احدهما
سدسان یا سدس را می برند و باقی از بنت یا بنات است و در صورت حصول نقص از حق

بنت یا بنات کم میشود و در صورت وجود حاجب مادر ممنوع از ردّ است و اگر حاجب نباشد ردّ
میشود بر بنت یا بنات و احد ابوین یا هر دو و زوج یا زوجه ردّ نمیبرد و اگر زوج یا زوجه با
ابوین وارث باشند زوج یا زوجه نصیب اعلا میبرند و مادر ثلث را با عدم حاجب و تتمّه مال پدر راست
و هرگاه وارث او ابوین یا ولد ولد باشد ولد ولد بجای ولد است و اگر وارث او ولد و ولد
ولد باشد میراث بولد میرسد و بولد ولد نمیرسد و کیفیّت قسمت ارث اولاد اولاد همان قسمت بین
اولاد صلبی است اعمّ از آنکه اولاد پسر صلبی او باشند یا اولاد دختر صلبی او یعنی ولد پسر نصیب پسر را
میبرد و ولد دختر نصیب دختر را پس اگر جدّ بمیرد و یکدختر از پسر داشته باشد و یک پسر از دختر خود دو
ثلث مال را میدهند بدختر پسر و یک ثلث را به پسر دختر س ۴ احکام میراث طبقه دوّم را
بیان فرمائید ج اگر کسی بمیرد و از طبقه اوّلی که اولاد و والدینست هیچکدام نداشته باشد
حتّی ولد ولد لکن برادر پدر مادری داشته باشد تمام میراث را میبرد و همچنین خواهر پدر مادری چه
واحد باشد یا متعدّد پس اگر یک خواهر باشد نصف را بفرض میبرد و تتمه را بقرابت و در صورت تعدّد
خواهر دو ثلث را بفرض میبرند و تتمّه را بقرابت و در صورت تعدّد و با تساوی در ذکوریّت
و انوثیّت بالسّویه قسمت کنند و در صورت اختلاف باختلاف لِلذَّکَرِ مِثلُ حَظِّ الأُنثَیَین و هرگاه
با آنها برادر و خواهر پدری هم داشته باشد اخوهٔ پدری تنها میراث نمیبرد بخلاف آنکه اخوه
پدر مادری نداشته باشد که اخوه پدری میراث را میبرند چه واحد باشد و چه متعدّد و با تساوی
در ذکوریّت و انوثیّت بالسّویه قسمت کنند و با اختلاف لِلذَّکَرِ مِثلُ حَظِّ الأُنثَیَین امّا اخوه
مادری تنها اگر یکنفر است سدس را وارث است بالفرض و تتمّه را بقرابت و اگر متعدد باشند
تمام ایشان شریک میباشند در ثلث بالسّویه بین الذکور و الاناث بفرض و در تتمّه شریکند
بقرابت و اگر اخوه پدر مادری داشته باشد یا اخوه پدری تنها و اخوه مادری تنها حق
اخوه پدری ساقط است چنانچه گذشت و حقّ اخوه مادر را که سدس یا ثلث است میدهند

وتتمه را اخوه پدر مادری میبرد و هرگاه جد و جده پدری یعنی پدر و مادر پدر میت باقی باشند مال منقسم میشود بینهما دو ثلث را جد میبرد و یک ثلث را جده بخلاف آنکه جد و جده مادری او باقی باشند یعنی پدر و مادر مادر میت که اظهر انقسام مال است بینهما بالتسویه و هرگاه اجداد مختلف باشند بآنکه مثلاً پدر و مادر پدر میت و پدر و مادر مادر او موجود باشند اقرب آنست که ثلث مال میت از متقرب بمادر است اعم از اینکه یکنفر باشد یا متعدد باشند و با تعدد بالتسویه میبرند و دو ثلث از متقرب بپدر است اعم از اینکه یکنفر باشد یا متعدد و با تعدد لِلذَّکَرِ مِثلُ حَظِّ الاُنثَیَین میبرند و هرگاه با احد اجداد زوج یا زوجه هم باشد پس هر کدام از زوجین باشند نصیب اعلای خود را میبرند و ظاهر آنستکه ثلث اصل مال را بمتقرب بمادر دهند و باقی مال متقرب بپدر است و هر گاه جد ادنی با جد اعلی هر دو باشند جد اعلی ارث نمیبرد با وجود جد ادنی و هرگاه جمع شوند بین اخوه و اجداد ظاهر آنست که جد و جده پدری مثل خواهر و برادر پدری میباشند و جد و جده مادری مثل برادر و خواهر مادری هر کدام ارث خود را میبرند و اگر اخوه نداشته باشد لکن اولاد اخوه داشته باشد اولاد ایشان قائم مقام مورث خود میباشند در ارث اگرچه پائین روند لکن ترتیب شرط است در استعلا چنانچه شرط است در تنزل یعنی مادامی که طبقه اقرب میت موجود باشد ابعد میراث نمیبرد و کیفیت قسمت میراث بین اولاد اخوه مادری بالتسویه است بین الذکر والانثی بخلاف قسمت بین اولاد اخوه پدری که لِلذَّکَرِ مِثلُ حَظِّ الاُنثَیَین است

س ۵ حکم طبقه سوم ارث را بیان فرمائید

ج حکم آن این است که اگر در این طبقه وارث منحصر بعم یا عمه فقط باشد تمام مال را میبرد و اگر اعمام متعدد داشته باشد بالتسویه قسمت کنند چنانچه عمات اگر متعدد باشند بالتسویه قسمت کنند و هرگاه اعمام و عمات باشند پس اگر همه از جانب ابوین باشند یا از جانب پدر تنها کیفیت تقسیم مال لِلذَّکَرِ مِثلُ حَظِّ الاُنثَیَین است و اگر همه از جانب مادری تنها باشند اقرب آنستکه بالتسویه تقسیم کنند ذکوراً و اناثاً و اگر بعضی از ایشان

از جانب پدر و مادر هر دو باشند یا از جانب پدر و بعض دیگر از جانب مادر سدس مال را باید بمتقرب بمادر داد در صورت وحدت و ثلث را در صورت تعدد و چون در کیفیت قسمت میان ذکور و اناث ایشان بالتسویه یا بالتفاضل محل اشکال است احتیاط بصلح ترک نشود و باقی ترکه را بمتقرب بپدر و مادری دهند و متقرب بپدر ساقط است با بودن متقرب بپدر و مادری بمتقرب بپدر تنها دهند و در همه حال قسمت میانه ایشان بر سبیل تفاضل است و هرگاه وارث او منحصر بخال باشد همه مال را میبرد و همچنین خاله منفرده و هرگاه جمع شود اخوال و خالات پس اگر تمام پدر و مادری باشند یا همه پدری تنها یا همه مادری تنها باشند کیفیت قسمت میانه ایشان بالتسویه است اگرچه احوط در اینصورت و صورت آتیه صلح است و اگر بعض ایشان پدر و مادری باشند و بعض دیگر مادری فقط و بعض دیگر پدری فقط متقرب بپدری تنهائی ساقط است با وجود متقرب بابوین و با عدم متقرب بابوین متقرب بپدری قائم مقام ابوینی خواهد بود پس سدس مال از متقرب بمادر است در صورت انفراد و ثلث است در صورت تعدد ذکوراً و اناثاً بالتسویه قسمت کنند و باقی از متقرب بابوین است با وجود آنها و از متقرب بپدر فقط است با عدم ایشان و کیفیت تقسیم میانه ایشان احوط رجوع بصلح است از حیث تسویه و تفاضل ذکور و اناث و هرگاه اعمام و اخوال جمع شوند ثلث مال از اخوال است و اگر اخوال از جهت قرابت متحد باشند بین ایشان بالتسویه قسمت شود و اگر مختلف باشند بآنکه بعضی متقرب بپدر باشند سدس ثلث از متقرب بمادر است اگر یکنفر باشد و ثلث ثلث اگر متعدد باشند بالتسویه بینهم و باقی از متقرب بپدر یا ابوین است با احتیاط بصلح که سابقاً ذکر شد و ثلثین میراث اعمام است سدس ثلثین از متقرب بمادر اگر یکنفر باشد و ثلث ثلثین در صورت تعدد بالتسویه بینهم و باقی میراث اعمام اگر متقرب بپدر است بتفاضل و اگر مجتمع شود با اعمام و اخوال زوج و یا زوجه پس زوج یا زوجه نصیب اعلی را میبرد و اخوال خواه یکی باشد خواه متعدد

ثلث میبرد و باقی را اعمام میبرند پس اگر برای میّت زوج و خال و عمّ باشد نصف مال را که سه سدس است
زوج میبرد و ثلث مال را که دو سدس است خال میبرد باقی میماند برای عمّ یک سدس و در صورتیکه
برای میّت هیچ یک از اعمام و اخوال نباشد ولکن اولاد اعمام یا اولاد اخوال یا هر دو باشند قائم مقام
کسی که تقرّب اینها بسبب او است از اعمام یا از اخوال میباشند و با وجود اعمام یا اخوال اولاد
ایشان وارث نیستند مگر در یک صورت که ابن عمّ پدر و مادری مقدّم بر عمّ پدری است س ۶ طبقات
اعمام و اخوال و احکام ایشان را بیان فرمائید ج بدانکه اعمام و اخوال چند طبقه است اوّل طبقهٔ اعمام
و عمّات و اخوال و خالات میّت است و اگر نباشند اولاد ایشان و بعد از ایشان اولاد اولاد ایشان
علی الترتیب طبقهٔ دوّم اعمام و عمّات پدر میّت و اعمام و عمّات مادر میّت و اخوال و خالات ایشان
و بعد از ایشان اولاد ایشان و بعد اولاد اولاد ایشان علی الترتیب طبقهٔ سوّم اعمام جدّ و جدّه
و عمّات ایشان و خالو و خالات ایشان و بعد اولاد ایشان علی الترتیب پس اگر مجتمع شوند عمّ پدر میّت
و عمّهٔ او و خال و خالهٔ پدر میّت و همچنین از جانب مادر همهٔ ایشان وارث میباشند نظر باتّحاد طبقه
امّا کیفیّت میراث ایشان ثلث نصیب اقربای اربعهٔ میّت که متقرّب بمادر باشد ارباعاً تقسیم میشود
و دو ثلث از اقربای پدر میّت میبرند و ثلث این دو ثلث از خال و خالهٔ او بالسّویه و دو ثلث این
دو ثلث از عمّ و عمّهٔ او است بتفاضل و اولاد هر بطنی نصیب کسی را که متقرّب باو است میبرد
بنا بر این ولد عمّ یا عمّه ثلثین را میبرد اگرچه دختر باشد و ولد خال یا خاله
ثلث را میبرد اگرچه پسر باشد پس ابن عمّه ثلث را و بنت عمّ ثلثین را میبرد و پسر خال مثل
پسر خاله و دختر خال مثل دختر خاله میبرد س ۷ میراث زوج و زوجه را بیان فرمائید ج زوج و زوجه
با جمیع طبقات ارث میبرند و احدی از ایشان محجوب از ارث نمیشوند بسبب وراث دیگر پس زوج
ارث میبرد از زوجهٔ خود نصف ترکهٔ او را در صورتیکه آن زن ولد غیر ممنوع الارث نداشته باشد
و اگر زوجه ولدی داشته باشد چه از این شوهر و یا شوهر دیگر ربع ترکه را ارث میبرد و زوجه

ارث میبرد از شوهر خود ربع ترکهٔ او را در صورتیکه آن میّت اولاد نداشته باشد نه از آن زن
و نه غیر از او بخلاف آنکه اولادی داشته باشد پس ثمن ترکهٔ او را ارث میبرد س ۸ آیا زوج و زوجه از
جمیع اعیان ترکه و دیگری ارث میبرند یا نه ج امّا شوهر از جمیع ترکهٔ زوجه ارث میبرد و امّا
زوجه پس مشهور بین علماء امامیّه آنستکه از زمین ارث نمیبرد مطلقاً چه زمین زراعت باشد یا زمین
مساکن یا غیر آنها نه از عین و نه از قیمت و از اعیانی که ثابت در زمین هستند از قبیل هوائی خانه و اشجار
و زراعات ارث نمیبرد از اعیان آنها ولکن از قیمت آنها ارث میبرد لکن حرمان زوجه از زمین
غیر مساکن عیناً و قیمتاً و از اعیان مشتبه در آن عیناً لا قیمتاً محلّ تأمّل و اشکال است و احوط تخلّص
بصلح است و این در صورتیست که زوجه ولد از زوج نداشته باشد و امّا اگر دارای ولد از زوج
باشد پس حرمان او از بعض متروکات زوج مطلق محلّ خلاف و اشکال است و طریق قیمت کردن
آنها چنین است که بنا و درخت را قیمت کنند با وصف استحقاق بقاء آنها در آن زمین مجّاناً
بدون اجرت تا وقتیکه فانی شود و هرگاه زوجه زیادتر از یکنفر باشد ربع یا ثمن ترکه بین ایشان
بالسّویه قسمت شود و فرق نیست در این حکم اینکه مدخوله باشد یا نه و توارث بین زوجین ثابت است
مادامیکه محکوم بزوجیّت باشند اگرچه او را طلاق داده باشد بطلاق رجعی و در اثناء عدّهٔ رجعیّه
بمیرد بخلاف آنکه بعد از انقضاء عدّه بمیرد که توارث بین ایشان منقطع میشود بانقضاء عدّه و مثل
عدّهٔ بائنه که توارث در آن منقطع است و اگر شوهر در حال مرض موت زوجهٔ خود را طلاق دهد
اگرچه بطلاق بائن باشد و بآن مرض بمیرد زوجه از او ارث میبرد تا یکسال از وقوع طلاق
بگذرد و بشرط آنکه آن زن شوهر دیگر نکرده باشد و طلاق بخواهش زن نباشد پس این حکم
در مختلعه و مبارات جاری نیست و هرگاه مرد تزویج کند زنی را در حال مرض موت و پیش از
دخول با او بمیرد آن نکاح باطل میشود نه مهر دارد و نه میراث س ۹ موانع ارث را بیان فرمائید
ج موانع ارث چند چیز است اوّل کفر پس کافر ارث نمیبرد از مسلمان اگرچه پسر یا پدر باشد

بخلاف عکس دوّم قتل پس اگر کسی مورّث خود را بکشد بناحق ارث از او نمیبرد ولی اگر بخطا او را
بکشد ارث میبرد از اموال او غیر دیه و امّا از دیه پس مسئله محلّ اشکال است
سوّم رقیّت که غلام یا کنیز باشد و فرق نیست بین مملوک خالص یا مدبّر
یا مکاتب که چیزی از مال الکتابه را نداده باشد یا امّ ولد س ۱۰ ارث
بسبب ولاء را بیان فرمائید ج بر سه قسم است اوّل ولاء
عتق دوّم ولاء ضامن جریره سوّم ولاء
امامت و تفصیل آن مناسب
این مختصر نیست

در مسائل متفرقه است

س ۱ آیا خرید رادیو را جهت منزل و استماع آنرا شرعاً جایز میدانید یا خیر ج اگر چه
استماع بوسیله این آلت بنفسه مانعی ندارد و باین لحاظ از آلات مشترکه بین حلال و حرام است
و باین جهت در جواب بعضی استفتاآت جواز خرید و فروش آنرا نوشته ام لکن نظر باینکه این
آلت در هر خانواده باشد موجب سهولت دسترسی بلهویات و استماع اصوات لهویه است
و غالب اهالی خانواده ها بواسطه ضعف دیانت و قلّت دانش متمایل باین معانی هستند و بودن آن
این آلت در هر خانه موجب فساد اخلاق اکثر آن خانواده هاست لذا لازم است مسلمین از
خریدن آن تجنّب نمایند س ۲ معروف شده از حضرت عالی لباسی که از خارجه وارد میکنند
پوشیدن آنرا جایز نمیدانید آیا این مطلب صحّت دارد یا نه ج ابداً این مطلب اصلی
ندارد لباس اگر از اجزاء حیوان نباشد یا از اجزاء حیوان حلال گوشت غیر میته باشد

پوشیدن آن و نماز خواندن در آن جایز است خواه از داخله باشد یا از خارجه و
امّا اگر از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد و میته نباشد پوشیدن آن جایز است و نماز در
آن صحیح نیست خواه از داخله باشد یا از خارجه و اگر از اجزاء حیوان غیر میته باشد و مشکوک
باشد که از حرام گوشت است یا حلال گوشت پوشیدن آن جایز است لکن صحّت نماز
در آن محلّ خلاف و اشکال است و احوط ترک نماز است در آن و امّا اجزاء حیوان میته
پس اگر از قبیل پوست باشد جایز نیست پوشیدن آن و اگر از قبیل کرک یا پشم باشد پوشیدن
آن جایز است و صحّت نماز در آن بتفصیلی است که گذشت س ۳ هرگاه زید طلبی از
شخصی دارد و آن مدیون فوت کرده آیا در صورت فقیر بودن مدیون از بابت زکوة یا مظالم میتواند
حساب نماید و اگر بقدر اداء دین دارد و لیکن ورثه اداء نمینمایند آیا باز هم میتواند از زکوة ذمّه
مدیون را بری نماید یا نه ج اگر بقدر اداء دین ترکه ندارد میتواند از باب زکوة حساب
کند آنرا و در فرض داشتن ترکه و امتناع ورثه مشکل است احتساب و امّا مظالم پس
مشکل است مطلقاً بلی بفقیر بدهد و او اداء کند دین میّت را شرعاً ضرری ندارد س ۴ هرگاه
گرگی در میان گله گلوی گوسفندی را گرفت و حلقوم و اوداج را کنده و رفته است و گوسفند
جان دارد بچه قسم او را ذبح نماید که حلال باشد ج اگر چه اوداج اربعه تماماً کنده نمیشود
زیرا مری ممتد است تا فم معده و حلقوم ممتد است تا ریه و ودجان اتّصال و امتداد در آنها
واضح تر است لکن محلّ ذبح در باحه حلق است پس اگر تمام آنچه از اوداج اربعه در حلق واقع است
کنده شده موضوعی برای ذبح و تذکیه باقی نمانده و حرام است س ۵ معاملات سلفیه
که در این زمان متداول است با غیر نقدین واقع میشود صحیح است یا نه ج معتبر در صحّت
سلف نقد بودن ثمن است بالمعنی المقابل للنسیه نه بودن ثمن از نقدین تا مشکل شود صحّت
آن در این زمان س ۶ در رسائلی که حواشی فرموده اید در اکثر آنها بقاء بر تقلید میّت را

جایز ندانسته اید و در رسائلیکه جدیداً طبع شده جواز بقاء دیده میشود کیفیت مطلب را بیان
فرمائید **جواب** حقیر سابقاً قائل بوده ام بعدم بقاء بر تقلید میت مطلقا و بعد از تجدید
نظر جواز آن در مسائلی که اخذ شده و عمل بر آنها شده در حال حیات و بعد از موت هم عدول
بسوی حی نشده خالی از قوة نیست اگرچه خلاف احتیاط است و اما مسائلی که اخذ نشده از میت در حال
حیات یا عمل بآنها نشده یا آنکه بعد از موت عدول بحی شده بقاء را در آنها جایز نمیدانم س ۷ اگر
شرکت سهامی شرکت چند نفر تأسیس شد بنا بر اینکه هر یک مبلغی بدهند نصف نقداً و بقیه در
موقع احتیاج شرکت داده شود و بعد از چندی از این مقدمه از طرف شرکت پیشنهاد شد بر اینکه بقیه در
فلان تاریخ معین پرداخته گردد و هر کس تأخیر بیندازد هر روزی صدی چند در باره او محسوب است
آیا این قسمت چه صورت دارد و معامله با چنین شرکتی چه حال دارد ج شرکت نسبت بمقداری که
نقد پرداخته و مخلوط کرده اند صحیح و محقق است و معامله با آن اشکال ندارد و اما اعلام بر اینکه
صدی چند در صورت تأخیر محسوب دارند الزام شرعی نمی آورد س ۸ در غیبت آیا آن کسیکه
غیبت او را کرده اند بر غیبت کننده حقی پیدا میکند یا خیر و آیا فرق میکند خبر باو رسیده یا نرسیده
باشد یا استحلال و استغفار وجهی دارد ج درصورتیکه فسادی بر آن مترتب نشود احوط استحلال است
با امکان و با عدم امکان استغفار است برای کسیکه غیبت کرده و اگر نقصی بر او وارد شده و رفع آن
میسر باشد لازم است رفع آن س ۹ درصورت فوت یکی از زوجین قبل از دخول آیا مهر زوجه تنصیف
میشود یا همه مال زوجه میشود ج اظهر عدم تنصیف است و احوط تخلص بصلح است س ۱۰ آیا مراد
از موقف مصلی که میفرمائید باید با مسجد آن مساوی باشد مگر بقدر چهار انگشت تفاوت که ضرر ندارد
چه چیز است محل رکبتین است یا محل دو کف پا است وقت ایستادن ج ظاهر آنستکه محل دو کف
پا است و احوط آنست که محل رکبتین هم با محل پیشانی متفاوت نباشد س ۱۱ اگر شخصی چیزی بعنوان
قرض بگیرد یا چیزی را ببیع کلی بخرد و بنا داشته باشد که عوض آنها را از حرام اداء نماید آن چیز را و حلال است

یا خیر ج اگر چنانچه صیغه قرض و بیع خوانده شده است ظاهر آنستکه قرض و بیع صحیح
باشد نهایت آنکه دادن حرام مبرء ذمه نیست س ۱۲ درختان از قبیل بید و چنار و قلمه و غیره
خمس آنها در وقت فروش است و یا اینکه قبل از فروش چطور داده میشود ج بعید
نیست که این قسم اشجار از فوائد سنه کمال نمو و فرا رسیدن اوان فروش آنها باشد مگر
آنچه استفاده میشوند از آنها قبل از آن س ۱۳ شکر آبشده درصورتیکه نجس شود دانه شیره را
قند کنند و نخشکانند و آن قند خشک را در آب کر یا جاری داخل کنند که آب پاک در تمام
آن نفوذ کند آیا پاک میشود یا خیر ج استیلاء آب باقیاً علی الطلاقة بتمام اجزاء قند و تشبه
آن معلوم نیست و وصول نداوة بآن کفایت نمیکند در تطهیر پس محکوم است ببقاء نجاست
س ۱۴ جو را میدهیم نسیه که راس خرمن گندم بدهد بعوض ده من جو مثلاً ده من گندم بیاوریم
راس خرمن گندم ج جایز نیست زیرا جو و گندم در باب ربا جنس واحدند و تأجیل احدهما
مستلزم زیاده حکمیه است س ۱۵ هرگاه کسی قبل انعقاد جماعت حاضر باشد و پس از حضور او جماعت
منعقد شود اذان و اقامه از او ساقط است یا سقوط مخصوص است بکسیکه وارد شود در حال انعقاد جماعت
تنها ج هرگاه بخواهد بعد از انعقاد جماعت نماز بخواند اذان و اقامه از او ساقط است تأخر ورود او از
انعقاد جماعت مدخلیتی در سقوط ندارد س ۱۶ درصورت علم بفسق حاکم مترافعین بحکم چنین حاکمی اخذ حقوق
مینمایند با عدم انحصار حاکم و عدم انحصار اخذ حقوق برجوع باین حاکم چه حال دارد تصرف در آن مال مأخوذ از برای محکوم
له و از برای غیر محکوم له در صورت مخفی بودن ج اگر مأخوذ عین مال محکوم له بوده
باشد تصرف جایز است و الا حرام است س ۱۷ در این زمان وضع تجار بر آن شده که عنوان
کمپانی برقرار نموده اند باینکه جمعی شریک میشوند و مبلغی وجه ممر و ج مینمایند و مشغول تجارت
میشوند و سایرین صد تومان هزار تومان میدهند باین چند نفر که مدار شراکت و تجارت
با آنها است بدون اینکه قراری در منافع و مصارف و ضرر و نفع بدهند این چند نفر در

آخر سنه حساب میکنند بعد از وضع مخارج و ضرر آنچه نفع حاصل گردیده بهر کسی بحسب نقدیکه
داده است نفعی میدهند آیا این عنوان شرکت است یا مضاربه یا عنوان دیگر مشروع است یا نه
ج علی ای حال جایز و بی ضرر است انشاء الله تعالی و اگر خدای نخواسته خسرانی روی دهد تجار
مسطور ضامن نیستند اگر بدون تفریط باشد س ۱۸ مؤنه زوجه از ادویه و اغذیه غیر متعارفه و اجرت
طبیب بر زوج است و از نفقه است یا نه و مخارج سفر نمودن زوجه سفر زیارت یا غیر زیارت
باذن خود مخارجی که زائد بر وطن است هم از جهت کرایه و هم از جهت اغذیه بر زوج است یا نه
و کذلک مخارج مکه معظمه از اغذیه و اطعمه که زاید بر حضر است ج درصورت اولی بعید نیست
بر زوج باشد و درصورت دیگر بر زوج نیست بلی اگر زوج خواسته بودن زوجه را در سفر و
ملاحظه خود را نموده اگرچه میل زوجه نیز با این بوده بعید نیست س ۱۹ وکیل از قبل حاکم شرع
من باب تحصیل وجوهات مخارجی مینماید مثلاً ضیافت میکند من باب اینکه در ضیافت مردم را
ارشاد کند بدادن وجوهات اگر چنین شد و ثمری مترتب شد و وجهی بواسطه آن مجلس عاید شد
میتوان مخارج ضیافت را محسوب نمود از وجوهات یا نه ج مظان اشتباه و وقوع در
خلاف واقع است البته ترک نمایند مگر اینکه اذن بخصوص از حاکم شرع بخواهد س ۲۰ شخصی
از قبل حاکم شرع اخذ وجوه مینماید و حواله میدهد ببلدی و نقودی که گرفته است تفاوت
دارد در بلدین مثلاً در اصفهان لیره گرفته است بقیمت پنج تومان و حواله کند ببلدی که حاکم شرع
میباشد پنج تومان بدهد بحاکم شرع و اگر عین لیره حواله کند تفاوت دارد مثلاً در بلد حاکم قیمت
لیره پنج تومان و دو قران است تکلیف چیست باید عین لیره را که گرفته است حواله کند تا تفاوت
و زیادی عاید فقراء شود یا لازم نیست ج باید عین لیره را بحاکم برساند یا دستورالعمل گیرد
هرچه فرمود باید عمل کند س ۲۱ وصی عالم است بدیون موصی و ورثه منکرند دیون را میگویند
باید ثابت شود و قسم یاد کنند آیا وصی میتواند بعلم خود عمل کند یا نه و آیا جایز است از ثلث بدهد

در صورت عدم جواز دادن از اصل ترکه بدون ثبوت و قسم یا نه ج وصی عالم بدین بینه و یمین
ربه میتواند وفا نماید ولی اگر گرفتار مرافعه ورثه شود باید جواب بدهد بمجرد علم داشتن ثمری در مرافعه ندارد
و از ثلث نمیتواند زیاده بر مقدار ثلث دین بدهد مگر بوصیت یا مختار بودن در ثلث س ۲۲ شخصی
عالم است که زید وجوهات بر ذمه دارد و عاصی است نمیدهد آیا جایز است برای آن شخص که از اموال او
بردارد بقدریکه نقد ورثه میشود و بحاکم شرع برساند و آیا در صورت جواز یا عدم جواز فرقی
میان وکیل از قبل حاکم شرع و غیره هست یا نه ج جایز نیست مگر باذن حاکم شرع انور و فرقی
میان وکیل و غیر او نخواهد بود س ۲۳ یک قطره یا دو قطره باران بیاید از آسمان آیا نجس میشود
بملاقات نجس و آیا پاک کننده است یا نه ج یکقطره یا دو قطره معلوم نیست آنرا باران بگویند
پس باید قطرات پی در پی عرفاً بیاید که آنرا عرفاً باران بنامند بلکه احوط آنستکه انقدر باشد که اگر
بر روی سنگ یا زمین سخت ببارد قدری جاری شود س ۲۴ تطهیر آب کر یا جاری اگر تعدد
بخواهد زمین خزینه و حوض و نهر و مثال آنها اگر نجس باشد یا نجس شود چه باید نمود و چیزیکه فشرده میشود فشار
آن لازم است یا نه و چه قدر باید فشرد ج تعدد در آب جاری و کر لازم نیست پس بعد از زوال عین نجاست
بمجرد احاطه آب جاری یا کر بمحل متنجس پاک میشود و اقوی عدم لزوم فشار است در کر یا جاری س ۲۵
غساله در آب کر و جاری چه حکم دارد ج غساله در هر دو پاک است س ۲۶ طریق تطهیر آب نجس
چگونه است ج آبی که بملاقات نجاست نجس میشود مثل باران و کر و جاری وارد بر آن شود
اگرچه از منبع زور بیاورد بواسطه فواره ولکن روی فواره را بگیرد چه غالباً آب فواره متصل
بحوض نیست یا کاری بکنند که آب فواره متصل بحوض شود مثلاً مقدار یک کر از آب نجس و آب
وارد ممزوج شود عرفاً پاک و باقی بممزوج شدن با آن ممزوج نیز پاک میگردد و اما اکتفا بمجرد
اتصال آن بکر بنجس نمیشود بملاقات نجس محل اشکال است س ۲۷ تریاک کشیدن بهر جور و
بهر قسم جایز است یا حرام ج مداومت بر کشیدن تریاک بهر جور و بهر قسم از برای

نوع بی شبهه حرام است برخود ترحم فرمایند و دین و دنیای خود را حفظ نمایند و خود را در مهلکه
نیندازند س ۲۸ آواز خواندن چه صورت دارد ج آوازیکه مخصوص مجلس لهو و لعب است
و مختص اهل طرب و بازیگری است غنا و حرام است اگرچه در غیر مجلس لهو بخوانند یا در نوحه
و روضه و قرآن خوانده شود و اگر کسی بوجدان خود رجوع نماید و از بعض دانایان سؤال
کند بسیاری از افراد بر او ظاهر گردد س ۲۹ هرگاه شخص نفقه عیال و خرج خودش را از وجوهاتش
مقاطعه داده باشد بمبلغ معینی چند سال بهمین قسم بوده حال شوهر وفات کرده ضعیفه قدری
از این وجوهات را اضافه آورده این وجه ملک ضعیفه میشود یا نه ج اگر آن مقاطعه شرع
پسند بوده آن وجه مال ضعیفه است بشرط اینکه وجه باقیمانده متعلق بزمان حیات شوهر باشد
و زمان بعد از وفات جزء مقاطعه نباشد س ۳۰ از برای غسل ترتیبی در آب کر خارج شدن
بجهت هر عضوی میخواهد یا نه ج معتبر است در غسل ترتیبی شستن سر و گردن اولاً و طرف راست
ثانیاً و طرف چپ ثالثاً ولو بفرو رفتن در آب باشد س ۳۱ زید وفات نموده بدون وصیت
چند اولاد صغیر و یک کبیر دارد و مال صغیر هم نزد امینی ضبط است و عمرو بر دی مدعی
طلب است و طلب خود را نزد حاکم شرع ثابت کرده و قسم هم خورده این شخص امین
میتواند از مال صغیر بردارد بقدر حصه ایشان قرض میت را ادا نماید یا آنکه باید صبر کند
تا بلوغ صغیر بیان فرمائید ج نمیتواند بلکه باید مراجعه بولی امر میت نمایند س ۳۲ هرگاه شخص نماز قضاء استیجاری
را یکمرتبه تسبیحات اربعه بخواند کفایت میکند یا نه ج مشکل است و احوط سه مرتبه است س ۳۳
هرگاه زن اجنبیه بنمازگذار سلام کند یا آنکه یهودی یا یهودیه سلام کند تکلیف چیست
ج زن اگر سلام کند بنمازگذار سلام اصح جواب در سلام علیک با وقف گوید و اگر یهودی
یا یهودیه سلام کند بعید نیست جواب آنها لازم نباشد س ۳۴ هرگاه شخص زوجه دائمی خود را مطلقه
ساخت بدون اطلاع زوجه تا عده اش گذشت باو اطلاع نداد تا یکسالی گذشت

و بطریق سابق هم نفقه میداد حال اطلاع داده که یکسال قبل طلاق داده ام آنچه نفقه داده ام
علاوه از زمان عده را باید بدهی آیا حق مطالبه دارد یا نه ج بعد از تحقق دعوای زوج شرعاً
آنچه اعیان موجود است مطالبه اش را حق دارد و آنچه زوجه در حال بیخبری صرف نموده یا تلف
کرده حق المطالبه ندارد س ۳۵ در ماه رمضان کذب بر خدا و رسول موجب کفاره جمع میشود
یا نه ج معلوم نیست س ۳۶ هرگاه کسی بنمازگذار غلط سلام کند نمازگذار میتواند یک آیه از
قرآن که سلام در آن هست بخواند بقصد قرآن و سلام آن شخص ج قصد قرآنیت
با جواب سلام شدن ظاهراً منافات دارد س ۳۷ هرگاه نذر کرد اگر مرضش را خداوند شفا
عنایت فرماید وجهی معین بفقیر بدهد هنوز مرضش شفا نیافته میتواند نذرش را تغییر دهد یا نه
ج نمیتواند س ۳۸ هرگاه شخصی بگوید نذر کردم که اگر حاجتم برآورده شود چنین خواهم کرد آیا
بگفتن همین لفظ که نذر کرده باشد چیزی بر او شرعاً لازم میشود یا نه ج لازم نمیشود ولی خوبست
عمل کند س ۳۹ عرض میشود اذن بفرمائید در اراضی مجهول المالک که شخصی رسیده و میخواهد نماز
بخواند یا توقف کند قدری در آنجا یک وجهی در نظر بگیرد و نماز کند بعد از آن وجه را بفقرا بدهد
ج ماذون میباشد س ۴۰ هرگاه شخص در مرض موت وصیت کند که زید مثلاً دو تومان
طلبکار است از من و من مدیون او هستم بعد از وفات آیا آن شخص خدمت حاکم شرع
ثابت کند و قسم بخورد یا لازم نیست باید ورثه بدهد بیان فرمائید ج اگر اقرار آن شخص
محقق است و منکری ندارد مجری و از اصل خواهد بود مگر آنکه متهم باشد در اقرارش که غرض او
اضرار بورثه است پس از ثلث خواهد بود
س ۴۱ زن کبیره را بعقد انقطاعی طفل صغیر بمدت دو ساعت در میاورند آیا صغیره را بمدت دو ساعت
بعقد کبیره چه صورت دارد ج اظهر جواز است اگرچه احوط و اولی است مقداری از زمان
استمتاع اجنبی کند س ۴۲ مشهور است در چراغ اسراف نیست اصل دارد یا نه مثلاً در مجلس
هرگاه یک چراغ کافی باشد پنج یا ده چراغ روشن مینمایند و همچنین شخص خوابیده چراغ را

خاموشش میکند جایز است یا نه ج آنچه را غرض عقلائی در صرف آن باشد اسراف نیست
س ۴۲ هرگاه زید هزار تومان مثلاً میدهد بعمرو و میگوید حواله میکنم متدرجاً بهر کسی هر قدر حواله کردم
بده در تصرف هم مأذون میباشی و زید قرار میدهد که تومانی صد دینار حق العمل بدهد شرعاً
این حق العمل صحیح است یا نه ج صحیح است س ۴۴ در نماز نشسته سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَهُ
گفتن چه صورت دارد ج ضرری ندارد س ۴۵ در نماز مستحبی شخص سوره را ترک کند
ولی قنوت را بخواند چه صورت دارد ج ضرری ندارد س ۴۶ هرگاه شخص در وقت مختص بنماز
ظهر مثلاً مشغول شود بنماز قضاء یقینی یا احتیاطی قبل از اتیان بفریضه جایز است یا نه ج در اول
وقت جایز بلکه مستحب بلکه احوط است س ۴۷ روضه خوانی در مسجد باین نحو که مسجد را سیاه
پوش نمایند و چراغها از قبیل چهل چراغ و جار میگذارند و زمین مسجد را فرش میکنند و اسباب قهوه خانه
بجهت چای و قلیان مهیا مینمایند و چادر میزنند و منبرها میگویند آیا جایز است اینگونه تصرفات
در مسجد و تعزیه داری یا نه و از برای مستمعین جایز است رفتن در آن مجلس یا نه ج ظاهر اینست که
آنچه از تصرفات که موجب ضرر بر مسجد نشود عرفاً و مانع از نماز گذاردن نباشد مانعی ندارد س ۴۸
هرگاه مأموم عالم است بر اینکه امام فسقی کرده که موجب حد شرعی بوده ولی خدمت حاکم شرع ثابت
نشده بعد نادم شده و توبه کرده است آیا جایز است باین امام اقتدا کردن یا نه ج اگر در حال محسوب بودن
از ائمه جماعت بوده چنین فسقی از او صادر شده مناسب ترک او است مطلقاً پروردگار عالم همه را
حفظ فرماید انشاء الله تعالی س ۴۹ هرگاه شخصی استقرار در قیام را بعمل آورد و در حین خم شدن
بجهت رکوع که بدن در حرکت است پاها را حرکت میدهد ضرر بجهت نمازش دارد یا نه ج
ضرر ندارد س ۵۰ شخص روزه ماه مبارک رمضان را عمداً افطار کرد بعد قبل از ظهر مسافرت اختیار
کرد کفاره ساقط میشود یا نه ج اقوی وجوب کفاره است س ۵۱ هرگاه حاجی در میقات
که محرم میشود از اول تقصیر میکند مثل اینکه سر را میپوشاند ولی در بین راه و در منزل گاهی

سر را برهنه میکند و گاهی میپوشاند تا وقت طواف آیا یک قربانی کفایت میکند یا بجهت
هر دفعه که سر را برهنه کرده و بعد پوشیده یک قربانی باید بکند و همچنین مکرراً اگر درخت
از زمین کنده باشد ج در سر پوشانیدن بنحو مذکور که عرفاً یک پوشانیدن نباشد کفایت
یک کفاره محل تأمل است ولی در تکرار درخت کندن مکرر میشود س ۵۲ استعمال دگیر نقره جایز است
یا نه ج جواز بعید نیست س ۵۳ هرگاه شخص نماز قضاء بسیار بر ذمه اش باشد میتواند تسبیحات
و ذکر رکوع و سجود را یک دفعه بخواند یا نه ج محل اشکال است س ۵۴ اگر شخصی قرائتش
صحیح باشد و معنی صیغه را بداند ولی صرف و نحو نخوانده باشد مثل اینکه زن
بگوید زوجتک نفسی مرد بگوید قبلت صحیح است یا نه ج صحیح است اگر هر لفظی را
در معنی خود استعمال کرده باشد نه مجموع را در مجموع معنی س ۵۵ هرگاه مرد خودش در
این صورت طرف ایجاب و قبول بشود چه صورت دارد ج معلوم نیست عیب
داشته باشد لکن بعد از آن زن را هم تلقین کند که او هم بگوید یعنی احوط اینست
که در ایجاب و قبول اکتفا بخودش نکند والله العالم س ۵۶ زوار وارد میشود بر خانه یا
کاروانسرا بدون تعیین وجه اجاره یا مدت چگونه است سکنای ایشان و عبادتشان
ج معامله و اجاره نیست موقوف برضایت است با رضا سکنی و عبادت جایز
است س ۵۷ هرگاه بکسی وجهی دادند که این نذر را در حرم حضرت ابا الفضل ع بگذار
تکلیف این زائر چیست با وجود اینکه در راه زوارهای پیاده محتاج زیاد است یا در
کربلای معلی فقرا و زوارهای دیگر محتاج را می بینند و بسیاری از خدام که مطلع میشوند میخواهند
از او اخذ نمایند و حال ایشان بزوار معلوم نیست تکلیف او را معین فرمائید ج نذر هر
مشهدی از مشاهد باید صرف ضریح و حرم و رواق و صحن و نحوها بشود و اگر ممکن نباشد
بزوار فقیر این مشهد بدهند و باید در آن مشهد بیاید و با اذن مجتهد باشد احتیاطاً س ۵۸

بنا بجهت عمله جات اجرت مثلاً کمتر از ان میگیرد و با ایشان کمتر میدهد و دهنده که او را امین میداند
بعد معلومش شد که کمتر داده اولاً این زیادتی نزد بنّا چه حکم دارد ثانیاً مطالبه زیادتی را
میتواند بکند یا نه ج اگر بنّا اجیر شده از برای مالک که ایجاد بنا نماید اعم از مباشرت
و تسبیب بیک اجرت معینه و خودش اجیر میکند عمله را پس زیادتی از بنّا است و اگر خودش
اجیر نشده از برای مالک و وکیل شده از طرف او در گرفتن عمله پس زیادتی مال مالک است
س ۵۹ اشیاء متنجسه را بدون اطلاع مشتری فروختن چه صورت دارد و آیا اعلام لازم
است یا نه ج در فروختن متنجس قابل تطهیر اعلام نمایند علی الاحوط س ۶۰ فرش یا ظرفیکه
عاریه میدهند اعلام نجاست آن لازم است یا نه ج احوط اعلام است س ۶۱ بسیاری
از کتاب و قران آثار وقفیت در آنها میباشد و بایع میگوید وقف نیست تکلیف مشتری را
بیان فرمائید ج مجرد اثری که شرعاً معلوم نباشد اثری ندارد س ۶۲ منفعت ملک
رهن مال مالک آن ملک است یا نه ج مال مالک است ربطی بمرتهن ندارد مگر آنکه
بعقد دیگر منتقل بمرتهن گردد س ۶۳ اجناس مکیل و موزون را بدون وزن و کیل و
مصالحه فروختن چه صورت دارد و بر فرض مصالحه نمودن محتاج بصیغه عربی است یا
فارسی کفایت میکند ج معامله نمیشود و صیغه فارسی در همه عقود کافی است مگر نکاح والله
العالم س ۶۴ گندم خریده برای خوردن و فعلاً زیاد آمده آیا خمس آن زیاده بقیمت
حال است و یا قیمت وقتی که خریده چون خمس را از عین باید بدهد و قیمت سوقیه چند
مقابل شده ج بعید نیست وجوب تأدیه قیمت حالیه س ۶۵ کسی که حمل بر صحت در باره
او جاری است فعلاً مشکوک الحرمه از او ظاهر میشود و اگر کسی نسبت بآن فعل حرفی باو بزند
اذیت میشود جایز است گفتن باو یا خیر ج در صورت مفروضه که حمل بر صحت دارد
گفتن موجب اذیت او میشود داعی بگفتن نیست بلکه جایز نیست س ۶۶ کسی باعتقاد

آنکه فلان کلمه اعراباً و بناءً چنین است مدتی همانطور در نمازش خوانده بعد کشف خطا شد
سُبحانَ رَبّیَ العَظیمِ وَبِحَمدِه را بحمد بدون هاء مضاف الیه حمد خوانده آیا
نماز او صحیح است یا نه ج اگر در اجزاء مستحبه این کار اتفاق افتاده صحیح است و اما
در اجزاء واجبه پس با غفلت و عدم تفطن اقوی صحت است ولکن مردم باید اذکار نماز را
یاد بگیرند که غلط نماز نخوانند س ۶۷ کسی که یقین بنجاست تمام مردم دارد چکند ج
این وسواسی است اعتنا نکند باین معنی آثار طهارت بر متیقن النجاسة نزد خودش
ترتیب دهد والله العالم

س ۶۸ ریش تراشیدن یا ماشین کردن بتمام اقسامش حرام است یا نه و بر فرض
حرمت نسبت باشخاصی که اول تکلیفشان است حرام است یا نه و دیگر اشخاصیکه
ملاحظه هم صنفی خود شان را میکنند بخیال آنکه اگر نتراشند چنانچه میگویند اگر نتراشیم یا ماشین
نکنیم ما را مسخره میکنند چه طور است ج تراشیدن ریش حرام است و کذا ماشین
نمودن بنحویکه از صدق عرفی خارج باشد و فرقی در اشخاص نیست ولو اینکه اول تکلیفشان باشد
و حکم خدا بواسطه استهزاء تغییر نمیکند والله العالم

س ۶۹ حیوانیکه بزراعت و غیره اذیت رساند کشتن او جایز است یا نه و آیا حیوان غیر موذی را
برای غرضی بکشد یا نه ج اول جایز است اگر مملوک غیر نباشد در ثانی داعی بر کشتن
حیوانات غیر موذی نیست مگر آنکه غرض عقلائی در آن باشد
س ۷۰ چیزهائیکه در نزد ارباب صنایع میآورند برای اصلاح و دیگر صاحبان او نمیآیند بطوریکه
صنایع مأیوس از آمدن آنها میشود حکم لقطه را دارد یا خیر و بر فرض نداشتن چه باید کرد ج
در صورت یأس از پیدا کردن مالک بعد از جستجو کردن تصدق نمایند
س ۷۱ اگر کسی وصیت کند باین نحو که ثلث من باید مصرف شود برای خودم اما نفروشید

ثلث را منافع آنرا اخذ نموده وصرف من نمائید این چه عنوان است وحکمش چیست ج
بسمه تعالی وصیت بمنفعت عین است تا مقداریکه لفظ دلالت برآن دارد
س ۷۲ اشعار مرثیه که بسیرت اهل منبر شده میخوانند بعنوان آنکه زبان حال است وخبر
مطابق آن نیست جایز است یانه ج اگر بگوید زبان حال است وحال هم مقتضی
گفتن آن بوده ضرر ندارد
س ۷۳ شخصی درسال حساب میکند وخمس میدهد ولی شریک او خمس نمیدهد چه باید بکند
ج اگر درسال بعد عین مال غیر مخمس را جزء مال الشرا که کند تصرف در آن جایز نیست و
اگر مال دیگر را سرمایه شرکت قرار دهند یا بذمه بخرند امتعه را و بفروشند مانعی ندارد
س ۷۴ قسمهائیکه آدم وسواس میخورد مثل اینکه بگوید والله الان شروع میکنم در نماز وبعد
بواسطه پاره از شبهات که بذهنش میاید وبدین واسطه نمیتواند نیت نماز کند وتاخیر میافتد شروع
در نماز آیا مخالفت اینگونه قسمها موجب کفاره میشود یانه ج اگر از تحت اختیار خارج باشد
بعید نیست عدم وجوب
س ۷۵ آیا خمس وسهم امام علیه الصلوة والسلام را بغیر سادات از شیعیان فقیر وارحام فقیر از
غیر سادات میتوان داد یانه وآیا پس از دادن شخص بری الذمه میشود از حقوق سادات یا
خیر ج سهم امام علیه الصلوة والسلام را بغیر اذن فقیه جامع الشرایط دادن با تمکن از
آن کفایت نمیکند وسهم سادات را هم بغیر سید فقیر دادن کافی نیست وموجب برائت
ذمه وتخلیص مال از خمس نمیشود س ۷۶ بقاء بر تقلید میت را جایز میدانید یا خیر ج در مسائلیکه
مقلد عمل بآنها کرده در خصوص آنها بقاء بر تقلید میت را جایز میدانم س ۷۷ اگر کسی رجوع بحضرتعالی
کرده ویک مسئله هم از فتوای حضرتعالی عمل کرده آیا میتواند دومرتبه رجوع بفتوای میت بکند یا خیر
ج در مسائلی که اینجانب فتوی داشته ام ومقلد عمل کرده رجوع در آن مسائل بفتوای میت دیگر

جایز نیست واگر در آن مسئله فتوی نداشته بلکه احتیاط کرده بودم رجوع مانعی ندارد س ۷۸ راجع بعزاداری
از حیث اثاث از قبیل بیرق وچیزهائیکه جلو جمعیت عزادار در کوچه وبازار میبرند واز حیث سینه زدن در
معابر با عبور زنان درصورتیکه اشخاص سینه زن پیراهن سیاه پوشیده باشند چه میفرمائید ج عزاداری
باین طریق که نوشته شده مانعی ندارد ولکن استعمال آلات لهو نشود والله العالم س ۷۹ کسیکه نماز قضا
بسیار غیر از نماز یوم حاضر دارد میتواند نماز اداء را در اول وقت بخواند یا خیر ج مانعی ندارد س ۸۰ معاملات
با نابالغ ممیز وغیر ممیز چه صورت دارد ج معامله با غیر بالغی که ممیز نباشد بطلان آن بلا اشکال است
ودر ممیز نیز بطلان اقوی است مگر در معامله آلت ایصال باشد س ۸۱ مایعات خارجه مثل صابون والکل
روغن عطریات چه صورت دارد ج با احتمال طهارت محکوم بطهارت است س ۸۲ خرید و
فروش اشیاء صدفی واستعمال در نماز چه صورت دارد ج خرید وفروش آن جایز است ولی
استعمال آن در نماز خالی از اشکال نیست واحوط ترک است س ۸۳ دندانهای مصنوعی طلا
یا روکش طلا بر آنها چه صورت دارد ج درصورتیکه عنوان تزیین نداشته باشد
برای مرد مانعی ندارد واما برای زن مطلقاً جایز است س ۸۴ عکاس وعکس
برداشتن چه صورت دارد ج جواز خالی از قوه نیست س ۸۵ هبه
وتحفه وجهیزیه خمس دارد یانه ج اقوی عدم تعلق
خمس است اگرچه احوط است

تمت المسائل
بعون الملک الخالق

کتبه العبد محمد صانعی ابن مرحوم فتح الله
خونساری غفر ذنوبه وستر عیوبه

خاتمه رساله شریفه

انیس المقلدین

در احکام دین

مرکز فروش تهران خیابان بوذرجمهری نزدیک سیروس

حق چاپ این نسخه محفوظ و مخصوص است

کتابفروشی اسلامیه

بتاریخ دوازدهم جمادی الاول ۱۳۶۶ هجری نگاشته محمد صالحی خوانساری

خاتمه رساله شریفه

انیس المقلدین

در احکام دین

مرکز فروش تهران خیابان بوذرجمهری نزدیک سیروس

حق چاپ این نسخه محفوظ و مخصوص است

کتابفروشی اسلامیه

بتاریخ دوازدهم جمادی الاول ۱۳۶۶ هجری نگاشته محمد صالحی خوانساری

خاتمه رسالهٔ شریفه

انیس المقلدین

در احکام دین

مرکز فروش تهران خیابان بوذرجمهری نزدیک سیروس

کتابفروشی اسلامیه

[illegible]

بتاریخ دوازدهم جمادی الاول ۱۳۶۶ هجری کتبه محمد صائی خوانساری

